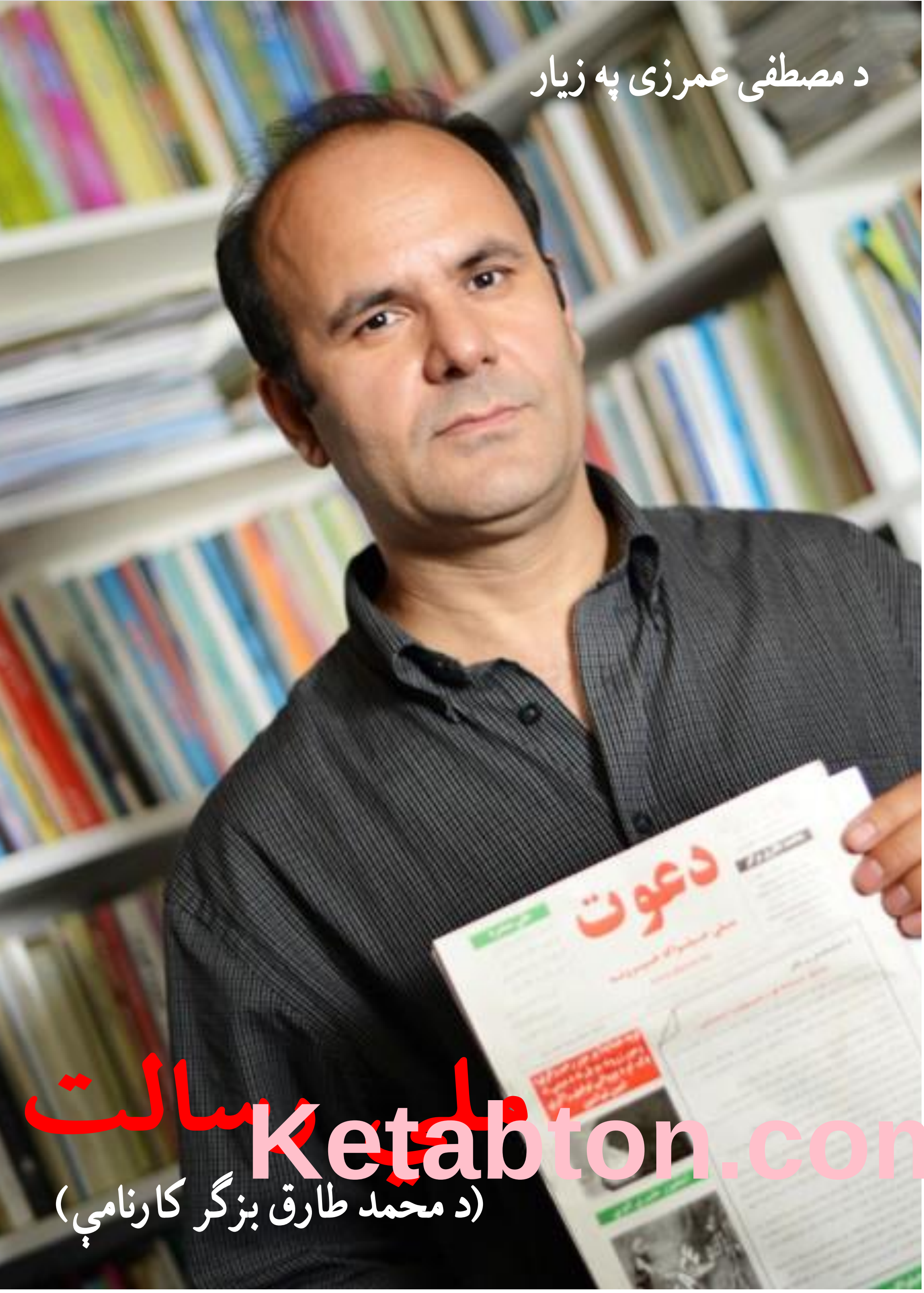

د مصطفی عمرزی په زیار

ملي رسالت

(د محمد طارق بزگر کارنامې)

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

د لوی خدای په نامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت نشریې د یو دیرشم کالیزې په ویاړ
به افتخار سی و یکمین سال نشریه ی دعوت

ملي رسالت/ رسالت ملی

(د محمد طارق بزگر کارنامې/ کارنامه ی محمد طارق بزگر)

د مصطفی عمرزی په زیار

2019/۱۳۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتاب پیژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی

راټولونه، تنظیم او بیاکتنه: مصطفی عمرزی

سمونه: م.ع–م.ط.ب

دیزاین: م.ع

ژبې: پشتو او دری افغانی

مخونه: 203

خپرونکې: م. ط. ب

د چاپ شمیره: لمړی

چاپځی: کی یف–اکراین

ټوکې: 1000

کال: ۱۳۹۸/2019

ISBN: 978-82-691395-3-2

د دې کتاب د چاپي، انلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

(c) ketabton.com: The Digital Library

په دی کتاب کې:

۱- رسالت ملی..1

لمړی ځپرکی/ محمد طارق بزګر...5

۲- حبیب الله غمخور..5

۳- محمد نقیب تره خیل..21

۴- قدرت الله هیوادپال..24

۵- محمد سرور وکیلی..27

۶- امرالدین سرحد...28

۷- استاد کم باور کابلی..29

۸- پوهنمل رحمت ځواکمن...30

دویم ځپرکی/ دعوت..32

۹- مصطفی عمرزی..32

۱۰- سراج الحق ببرک زی ځدراڼ...34

۱۱- کاندیدای اکادمیسین استاد محمد اعظم سیستانی..............................40

۱۲- عبدالغفار جُبیر..46

۱۳- قریب الرحمن سعید...48

۱۴- محمد آصف ننګ...51

۱۵- سردار ولی پشتون زوی..54

۱۶- شاهی سعادت...56

۱۷- استاد کاظم بیمار ننګرهاری...58

۱۸- شکریه بارکزی...60

۱۹- داکتر حضرت عمر زاخیلوال...61

۲۰- داکتر نبی مصداق..63

۲۱- محمد نقیب تره خیل...66

۲۲- ذاهد جلالی...68

۲۳- داکتر محمد نواب ویساند...70

۲۴- دکتور محمد عثمان روستار تره کی...73

۲۵- فهیم نظیمی...75

۲۶- بیکسیار...76

۲۷- داکتر جمشید سمون..79

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۸- اجمل روهی.. 83
۲۹- سرلوخ مرادزی.. 85
۳۰- دکتور استاد سید خلیل الله هاشمیان........................... 87
۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکر................................ 89
۳۲- داکتر عبدالصمد حامد.. 93
۳۳- هلمند پردیس.. 95
۳۴- استاد صباح... 97
۳۵- استاد ابوبکر ساپی.. 102
۳۶- محمد امین بسمل.. 103

دریم څپرکی / پیغامونه.. 106

۳۷- ولي الله ملکزی.. 106
۳۸- استاد عمر پاڅون.. 108
۳۹-داکتر صلاح الدین سعیدی... 109
۴۰- نجم شینواری.. 110
۴۱- عظیم الدین علیمی.. 111
۴۲- استاد صباح... 112
۴۳- داکتر لطیف یاد.. 113
۴۴- عاشق فنا... 114
۴۵- ف. هیرمند... 115
۴۶- انجنیر فضل احمد افغان... 117-116
٤٧- د ادیسی ادبی ټولنی پیغام...................................... 118
۴۸- نیک هدایت څاځی.. 120
۴۹- محمد ایاز نوری.. 121
۵۰- استاد محمد اسمعیل یون... 123
۵۱- د زلمو پاڅون ټولنه.. 126
۵۲- محمد یوسف هیواددوست... 130

څلورم څپرکی / د بزگر څیره.. 132

۵۳- در مستند نارویژی «پناهنده»...................................... 132
۵۴- در مطبوعات غربی... 136

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی......................................148
۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.........150
۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن..................153
۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی...154
۵۹- ستایش نامه ها...155
پنځم څپرکی/ د دعوت نوستالژی..163
شپږم څپرکی/ د انځورونو البم...186
معرفی مصطفی عمرزی...200

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسالت ملی
(مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان های بی طرف بوده اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان ها را بسیج می کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله ای از آدرس ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می گفتند. در این میان، آدرس هایی که با دیگران/ بیگانه گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقایی عمل می کردند که آرامش خاطر را در کنار روس ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان هایی را می گرفتند که دنبال تفهیم مسئله ی ملی می شدند.
رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می آمدند، در دستان بسته ی شاه مرحوم، ریسمان هایی را می دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه ای از تکفیر شمرده می شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه های غربی و شرقی تمویل می شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، ممثل منافع شوروی بود و جهاد افغان ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان پابرجا که مسئله ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان ها را متحد می کرد که در هجرت می زیستند.
نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحیَد بودند. تورق تاریخ آن روز ها خلاف برداشت های چپی و راستی، محرز می کند محرکه گیریان تنازع، مُهره های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهر ها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه ی جنگ، صلح کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آیینه ای متصور بود که خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزگر، بخشی از علایق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست که در دیار هجرت، در پشت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یاد افغانستان می انداختند. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.

تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادند و در سوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سعی ای بود که در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.

تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربانی، منافع و مصالح ملی، قربانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چند منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.

امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنا بر این، روشنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پی آمد تجاوز شوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایثار بیشتر می کشاندند.

کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربه در انظار بزرگانی که این جریان(دعوت محمد طارق بزگر) را بهتر از من می شناختند، به نقاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی می کردم از منظر احاطه ی من به تاریخ، بخشی از رسالت ملی یک افغان را تاریخی کند، اهمیت دارد.

راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک ترین ها (به لحاظ سن) تا بزرگ تر ها (به لحاظ دانایی) مستندی از زنده گی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیستند. بخشی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شاهد بودم، ضم مهم است؛ پشت جبهه ای که از پاکستان تا فراسوی مرز ها، افغان های دردمند را در سوگ وطن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد می آورد تا در فراق کاشانه عزا

(c) ketabton.com: The Digital Library

بگیرند، اما یاد شان نرود سرنوشت مملکت در گرو افکاری ست که یکی با دعوت دیگری از زنگاره های باد و بوران تاریخ می زدودند.
تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت دیگران، صورت حال صفای افغان هاست. در این کوشش در هجرت سعی می کردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.
روایت سیاسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ویژه افغان های مهاجر بود، اما ویژه گی بسیاری آن ها با ترسیم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دایم حرف می زد.
محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هایی که به مناسبت های دعوت، پیرامون او و نشریه اش نوشته اند، حضور محسوس تاریخی دارد. بر این اساس ترجیح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم که بسیاری در شمار افغان های مهاجر، خیلی بهتر از برداشت من از کارنامه ی او می دانند: قیمت سال ها ایثار و دردسر فرهنگی در دیار هجرت، چه قدر است؟
راویان کتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح کرده اند. کار من در این اثر، بیشتر تنظیم نقش ها، نگاره ها و نوشته هایی بود که گزیده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمین آبایی و اجدادی نیز شمرده می شوند.
آشنایان دعوت و دوستان بزگر با شرح ماوقع بخشی از گذشته ی ایثار یک فرزند باوجدان این کشور، راه گشایند تا در این مثال، بازخوانی تاریخ غیر سیاسی افغان ها هم که رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهیم کند: نیاز به گردآوری و تنظیم تاریخی داریم که در برگ های زمان هجرت در هر جا که قدوم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.
در این کتاب، گزیده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشایند تا از عواطف، درک و احساسات ملت که در حاکمیت های کمونیستی، تنظیم و ملایی، اما حق حیات ما را فراموش نکرده بودند، به پیام هایی ملحق شوند که از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سیاسی، زیر فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزگر می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیاز ها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدا، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شوونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزگر، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محور ها (امثال دعوت و بزگر) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی

۱۱/ ۸ / ۱۳۹۷ش

آپارتمان های مارکیت ملی

کابل- افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

لمړۍ خپرکی:
محمد طارق بزګر

د محمد طارق بزګر د دعوت جريدې
او ويب پاڼې مسوول مدير لنډ ژوندليک
حبيب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې ښکلي شعر په لوړېني سره زموږ د دې ځوان او هڅاند فرهنګي شخصيت، ليکوال، او ژورناليست ښاغلي محمد طارق بزګر لنډه پېژندنه پيلوم.

د وطن د شرف سپريم نه وېرېږم
که د تورو ګذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوړي کولي دې وي د نورو
د وطن د فاع کښې زه ګولۍ د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم

د ښاغلي محمد طارق بزګر زموږ تکړه ليکوال او فرهنګی څېړې **۲۳** کلن فرهنګی او ولسي چوپړ يادغونډې ته ئي ډالۍ کوم.

د پيل خبري:

درانه لوستونکي خبر دی چې د سوېډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کې زموږ دځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولنې)) لخوا د ځوان فرهنګي څېړې د علمی او فرهنګی چوپړ د درنښت په وياړ د روان کال د دسمبر پر لسمه يوه درنه غونډه رابللې ده.

يا خو ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب ځوانه فرهنګی څېره ده او يا خو لا موږ تر اوسه دې کچې ته نه يو رسېدلي چې د خپلو شخصيتونو ژوندليک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنګی دوست د پېژندليک د مانۍ ډبره کښېږدم.

پدې پوره باور لرم چې د بزګر صاحب ژوندليک به تر دې چې ما ليکلئ څو ځله اوږد او لوستل به ئي زموږ ځوان نسل ته ګټور وي. سره

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دې چې د ښاغلي طارق بزګر صاحب د کار او فرهنګی چوپړ سره به ډېر هیوادوال اشنايي ولري، خو د دې لیکنې نه زما موخه داده چې له یوې خوا مې د هغه زیار او زحمت ستاینه کړې وي او د بلې خوا مې لږ او ډېر د دې دروند شخصیت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سویډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنګی ګټورو کارونو چې موخه ئې له یوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پیوند کې روزلو اړتیا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو یو شمیر هیوادوالو ملاتړ مې سم دواره احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنګي کارونو او پدې برخه کښې د ګټورو ګامونو پورته کولو ته زیاته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پایله کښې پر دې بریالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړی ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سیاسي او ادبي شخصیت ارواښاد ګل پاچا الفت په ویاړ نړیوال علمي سمینار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمینارکښې د ډېرو فرهنګي، علمي او سیاسي شخصیتونو تر څنګ د دې منلي او هڅاند فرهنګي شخصیت سره معرفي شوم. زموږ دوستی او د ګران هیواد افغانستان لپاره ګډه فرهنګی همکاري او هڅې تر نن ورځې پوري دوام لري.

دا چې په سویډن کښې د ژوندو فرهنګیانو، ادیبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاینې او هڅونې، د ملي او وطنی چوپړ د درناوي او ارزونې په ویاړ یو په بل پسې درنې غونډې جوړېږي، زما او ټولوافغانانو لپاره د ویاړ ځای دی.

دې ټکي ته مې پدې خاطر ګوته ونیوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنګه چې اړینه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعنې بڼه لري په موږ افغانانو کې د خپلو ژوندیو څه قدر نسته. کله چې خدای نخواسته مړ سي، یوه نیمه ورځ ئې ویر وکړو او بیا د ابد لپاره رانه هیر سي. هغه د محترم ننګیال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو.))

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دې ناخوالو سره پدې وروستۍ لسيزه کښې د ځوانو فرهنګيانو او روڼ اندو په هڅو او تلاښونو د فرهنګي ټولنو په مټ معقوله مبارزه روانه ده. د همدې ملي او معقولو تلاښونو په پايله کښې دا دې اوس د دې پروسې شاهدان، يو چې نه يوازې له هيواد نه بهر بلکې د داسي ستاين غونډو لمن تر افغانستان پورې هم غزيدلې ده.

اوس د ژونديو ليکوالو، اديبانو، شاعرانو، ژورناليستانو او فرهنګيانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کيږي او د هغوئ د ستاينې په موخه علمي او ادبي درنې غونډې جوړيږي او د همدې غونډو د جوړېدو په درشل کښې زموږ د ټولنې د ژونديو وياړونو ستاينه کيږي او هغوئ نور هم علمي او ادبي چوپړ ته هڅول کيږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه يوازې فرهنګی شخصيت دی بلکې يو کارنده ژورنالست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم ليکل سوی، چې د ده د پوهې او وطني مينې ښکارندويه بېلګه ئې ګڼلای سو.

ښاغلی محمدطارق بزګر نه يوازې د بيلابيلو مقالو په ليکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په آسمان کښې د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې ئې نه يوازې دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي څېړونکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولي، دا دې اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جريدې د نشرېدو تر څنګ دعوت ويب پاڼه پرانيستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د نشر پوره امکانات برابر کړي دي.

ماته رامعلومه ده چې په بهر کې د يوې چاپي رسنۍ د کار پرمخ بېول څومره ستونزمن کار دی، خو وياړ ئې پدې کښې دی چې د همدې رسنۍ په مټ ليکوال او ولس يو د بل په حال خبرېږي. ماته د بزګر صاحب هڅې او تلاښونه له نږدې معلوم دي او د ده د دې فرهنګی چوپړ په ملي ارزښت پوهيږم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پر ټنډه ليکل سوی چې مياشتنی خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووايم چې په دعوت کې خپاره شوی مطالب دومره عالي او بډاي وي چې په يوه او دوو مياشتو کې نه زړېږي.

زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هيواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، ښکې مشوري او معلومات ترلاسه کړل شي.

زه نه غواړم پدې ليکنه کښې چې د بزګر صاحب ژوندليک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جريدې پر فعاليت او ملي ادبي ارزښت باندي ډېري خبري وليکم. دومره غواړم څرګنده کړم چې دعوت اوس يوازي داسي خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبياتو په پياوړتيا کښې وياړلۍ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستي د افغانستان د سياسي، اقتصادي، فرهنګي او ټولنيزو پېښو د ځو کلن تاريخ په کتابتون او أرشيف او د ورځنيو مسائيلو په اړوند د افغان ولس د نظرياتو او عقايدو د انعکاس په ډګر بدل سوئ دی.

طارق صاحب د ليکوالۍ او فرهنګی چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنګ د افغانستان د سياسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکی په توګه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي ګټو او هيوادوالو د هوسا او بسيا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنګی ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلاښونه کړې دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ ځکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپايي هيوادو کښې جوړ سوی، فعاله برخه اخيستې؛ په کومو کې چې د ګډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هيوادو کې د فرهنګی ټولنو په نوښت علمی او څېړنيزو کنفرانسونو، سمينارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخيستنې ده. دا خو لا پرېږده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرګردانيو سره د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د خپرېدو تر څنګ دا دی اوس د يوه پښتو ژبې تلوېزيونی چينل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه ستړې کېدونکی تلاښونه کوي.

زه محمدطارق صاحب ته پدې وطنی او ملي فرهنګی چوپړ کښې د لازياتو برياو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمځی رانغاړم او غواړم درنو

(c) ketabton.com: The Digital Library

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښې د دوي دغه فرهنګي چوپړ دبڼ د مالیار، تکړه لیکوال او ژورنالست وروپېژنم.

زیږېدنه، یا دې نړۍ ته سترګې غړول:

د پښتو ژبې دغه پېژندل سوې څېره او ژورنالیست محمد طارق بزګر له نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نړۍ ته په ۱۳۴۵لمریز کال د کنړ ولایت د نرنګ ولسوالۍ اوسېدونکی ارواښاد عبدالقیوم بزګر په یوه منوره او متدینه کورنۍ کښې دنیا ته سترګې غړولې دي.

ارواښاد عبدالقیوم بزګر د کابل پوهنتون د حقوقو او سیاسي علومو پوهنځی نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شاه او داوودخان په رژیمونو کښې مختلفو دولتي دندو په کار ګمارل سوئ دي او هغه ئې په پوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولي دي.

ښاغلي طارق بزګر لومړنۍ او منځنۍ زده کړې د کابل ښار په مختلفو ښوونځیو کښې سرته رسولي دي. نوموړی لا د کابل ښار د نادریې لیسې په یولسم ټولګي کښې په زده کړې مصروف و چې دی پر افغانستان د شوروي اتحاد د یرغل په وړاندې د مخالفت له مخې په ۱۹۸۰ کې له کابل نه د پېښور په لور هیواد پرېښېدو ته مجبور سو؛ په داسې حال کې چې کورنۍ لا په کابل کې اوسیده.

د نوموړی په وینا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کړو سپارښتنه او هڅول کیده، څکه خوئې عالي تحصیلات د پېښور په اسلامیه کالج او د پېښور پوهنتون نه په سیاسي علومو او اسلامیاتو په برخه کښې عالي او مسلکي تحصیلات په برۍ پاي ته ورسول.

په کوزه پښتونخوا کښې تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کال د یوازې د ناروی هیواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چې په ناروی کښې ئې د ښاغلی طارق بزګر په اړه لرم دلته ئې هم د ناروي دلوړو تحصیلاتو په موسسه کښې (Bodø High School Norway) انترنیتی ژورنالیزم ولوست او تر هغه وروسته ئې دکانبرن (Canburne University) په پوهنتون کې د ژورنالیزم په برخه کښې تحصیل کړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایي چې تر څو ژوندی وی زه به تل یو زده کوونکی یم.

لیکوالي او فرهنګي چوپړ:

(c) ketabton.com: The Digital Library

بزګر صاحب وايي لمړۍ ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرايطو کښې د مقالوپه ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پورې د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کښې په پښتو، درى، اردو او عربى ژبو خپرې شوې دي. طبيعى ده چې تر اوسه ئې له نېکه مرغه د قلم رنګ نه دئ وچ سوى او ګوتې ئې د قلم ښورولو او ماغزه يې د تحليل او مسائيلو د څېړلو پوره او غښتلئ توان لري. پر دې خداي ورکړې استعداد دې نور هم برکت وي.

د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نسواى ماتولاي. همدا دليل وو چې پس له ډېر زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپي رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپرونې چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پورې کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو ګڼو کښې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پورې رسيږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبي سره مينې او محبت د د ې ټاټوبې اوسېدونکو ته د انسانې چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکې ټولنې د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنګى رښتيانې او ګټور چوپړ دعوت ورکړى. دې خپرونې هيڅ کله خپل نظر او عقيده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنګى بهير پر مينه والو نده تپلې، بلکې د خپل نظر د څرګندولو تر څنګ ئې تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنګى او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پورې رسولې دي.

دعوت خپرونې او دعوت ويبپاڼه کښې د ورلېږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسوولیت د محمدطارق بزګر پر غاړه دى، خو په دعوت جريده اودعوت ويبپاڼه کښې د نظرياتوخپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د عوت قلمى همکار دنده او مسئوليت دى. اړينه ئې بولم څرګنده کړم چې د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انګليسي اوناروېري ژبو ليکنې خپروي.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزونې په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارګانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پېرزوينو څو ټکي د بېلګې په توګه

(c) ketabton.com: The Digital Library

را اخلم، تر څو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارګانو او خپله ښاغلي بزګر صاحب د ژورنالستیک او فرهنګي خدمت د ارزښت او رول په هکله تر یوه بریده معلومات پیدا کړي.

ښاغلی ډاکټرصاحب نبي مصداق لیکي:

تاسو د ډیرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښي ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نیک نوم وګټلو. اوس چې هماغې جریدې تر څنګ ډیر اصلاح شوی او ښایسته ویب پاڼه هم پر مخ بیایې ډیر د خوشالي او افتخار ځای دی. ځکه مونږ دا دی درې لسیزې کیږي چې د نړۍ په هر ګوټ کې خواره شوی یؤ. دعوت جریدې ته د انتظار پر ځای، د ویب پاڼې له لارې د افغانستان په پیښو هره ورځ خبریږو.

زمونږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وایي:

نشریهء دعوت به مثابهء یک نشریهء ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهایت مفید و ارزنده ای را انجام داده است.

تکړه لیکوال او ژباړونکي رحمت آریا صاحب د استاد صباح سره همغږي لري لیکي:

دعوت د خپلې ناپېلې او بې پرې تګلارې پر بنسټ د افغاني- پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستړي کېدونکو هلو ځلو له لارې پیاوړې لاس ته راوړنې لري او ویاړ یې د افغانانو د ټولنیزو فرهنګي بنسټونو پرځلانده تندي د ځلانده ستوري په توګه ځلیږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانګړې توګه د افغانستان ناورین ځپلې ټولنه چې د ټولنیز ژوند هرګوټ یې د درو تیرو لسیزو خونړیو جګړو په ترخ کې په ژورو ګړنګونو اوښتی دی.

جګړې نه یوازې زمونږ مادي شتمنۍ لوټ کړې، بلکه زمونږ معنوي ارزښتونه یې را دړې وړې کړل. نیواکګرو او ښکیلاکګرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهؤ خو د ډیرې خواشینۍ ځای دا دی چې دغه نړونه نه یوازې پردیو وکړه، بلکه یو شمیر ککړو افغان لاسونو هم پردیو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تیل ور توی کړل چې ان پردې په خپله ورته هک پک پاتې شول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرگوره! د دعوت ویبپاڼه یوه له هغو رغښتگرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې ورانۍ په بیا جوړونه کې شپه او ورځ نوښتگرې خولې تویوي.
په وروستیو وختونو کې د دعوت ویبپاڼې انځوریزه مخبڼه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخبڼې په پرتله یې لا ښکلا وموندله.
کاندیدای اکادمیسین او تاریخ پوه محمداعظم سیستانی صاحب هم د دعوت ستاینه کوي وایي:
دعوت با چاپ، نشر و توزیع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگی خود را در جهت آگاهی دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترین تحولات اجتماعی و سیاسی متعلق به کشور جنگ زدهٔ افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائی که من می بینم، این رسالت را به نحو تحسین برانگیزی ایفا کرده و می کند.
ښاغلی پوهاند دوکتور مجاوراحمدزیار صاحب د دعوت دشلمې کالیزې په مناسبت خپل لیږل سوی پیغام کښې لیکي:
زه پر خپل وار د دغې ټولمنلې مهالنۍ شلمه کالیزه گران او هڅاند رسنوال دوست محمد طارق بزگر ته نیکمرغه او ښه وایم. ټولمنلتیایې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکوکې نغښتې چې یوخوایې د درو خپرنیو (پښتو، پارسي او انگلیسي) ژبو په کارونه د قلمي همکارانو او لوستونکو کړۍ ښه ترا غځولې او بل یې له ټولو رسنیزو اړونو سره سم هرې اندپوهې او لیدتوگې ته خپله غېږ تل پرانیستې پرې ایښې ده. په دې توگه یې د هغو لنډ اندو بنسټپالو او بېلتونپالو د بېځایه نیوکو پلمه له منځه وړې چې گڼ تاریخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سیاسي، اندپوهیزو او ژبتوکمیزو او بیا د بهرنیو بادارانو له گټو وټو ځاروي.
د ژوند په داسي ناخوالو کې یې ډیر کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دریغه مینې او محبت په احساس سره دا دي شل کړه.
مطبوعاتي کار او دیوې ملي خپروني پرمخ بیول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسي وینو لړلی، لړزانده او د رنگونو په بازار

(c) ketabton.com: The Digital Library

کې د زړه خوږ غواړي چې څوک دي شل کاله ور باندي ووهي او ځان ته لوی ویاړ تر لاسه کړي.

زموږ پیاوړی لیکوال په استرالیاکي مېشت افغان ښاغلي هدایت الله هدایت صاحب، خپله ارزونه پدې ښه زموږ او تاسو سره شریکوي:

محترم بزگر صاحب!

تازه ستاسو د دعوت ویبپاڼه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او بډایه سوې او په افغاني حلقو کې یوه مطرح او درنه پاڼه گرځېدلې ده.

تاسو گران د دعوت په خپرونو کې د بیان و آزادی او وطني رسالت ته مو ښه پوره میدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالني استازیتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو گران یې و ورځنیو ملي غوښتنو او پښتنو ته کوی او هغه واقعیتونه چې تاسویې په دعوت کې منعکسوی، نو ستاسو پاڼه یې د زیات قدر وړ گرځولې ده.

د کابل پوهنتون استاد کاظم بیمار صاحب لیکي:

د دعوت جریده او برېښنا پاڼه د تاسیس د ورځې څخه بیا تر نن پورې د گران هیواد افغانستان او هیوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه لیار کې مخ په وړاندي روانه ده او د حقایقو په نشر ـ او خپرولو کې یې هیڅ وخت دریغ نه دی کړی او د هیچا او هیڅ قدرت تر تاثیر لاندي نده تللي او هیڅکله یې ځان په ژبني، قبیلوي، مذهبي او سمتي تعصبونو او تبعیضونو ندی ککړ کړی.

دعوت، بیطرفه جریده او برېښنا پاڼه ده؛ مگر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هیواد د ملي مصالحو او د وطن د تمامیت مسوولیت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسیدلو لپاره یې تل ملي خیرې او ملي مبارز شخصیتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي گټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.

له امریکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بیا وایي:

دعوت رښتیا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړیکه وه او ده چیرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنگان وي.

د افغانستان له پلازمېنې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزان صاحب لیکي:

(c) ketabton.com: The Digital Library

د پښتو په رسنيز بهير کی دعوت ځانګړی ځای لري. ښايی د اوسنيو ټولو پښتو خپرونو او خپرنيزو بنسټونو سرلاری يی وګڼو. زه د زړه له تله خوښ يم چي زموږ فرهنګي او قلمی ملګري په دی توانيدلي چي د خپلی ژبی لپاره يی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لايی هم ورته ملا تړلي چې تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي.

ښاغلی عمر پاڅون ليکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهيسې په اړيکه کې يم. دعوت د لاس په ليکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډير زر يې ټايپ ته لار ومیندله چې په ډير لنډ وخت کې کمپيوټر ته ننوت چې چاپي جريدې سره يې يوه د دعوت ويبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت يوه جريده نه بلکه يوه ميډيا ده چې نن په زرګونو لوستونکي لري.

دعوت نه يواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکه بهرنيانو ته هم په انګليسي او ناروېژي ژبو په زړه پورې ليکنې وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډير بهرنی لوستونکی او ليکونکی لری.

انجنير فضل احمد افغان له کاناډا نه پدې هکله خپل نظر د لوستونکوسره پدې بڼه شريکوي:

زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړيکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپی او ورځی مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دين، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم.

محمد اياز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنير فضل احمد افغان دخبرو پخلی کوي وايي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار وو او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنۍ د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده چې هلته ملي خاين ور نشي ورټکولای.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ارزونې کړدۍ لمځۍ د ګران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صالح پدې ټکو رانغاړم چي

(c) ketabton.com: The Digital Library

وايي: بزگرصاحب! دعوت شل کړه. هغه وړانـدي ليکـي، دعـوت هغـه خپرونه ده چې په تېرو دوو لسيزو کې يې د افغان ولس ملگرتيا کړې او که نورو دې ولس ته ټوپک او ټانـک ډالـۍ کـړي دي، خپرونـې ورتـه پوهـه، مينـه او وروروليي ورکـړې ده. د نېکمرغـۍ ځـای دی چـې دې خپرونې دوې لسيزې عمر وکړ. ډېرې خپرونې خو داسې دي چې تر يو څو گڼو وروسته يې بيا څرک نه لگېږي، خو دعوت برېښـنايي نـړۍ تـه هم لار خلاصه کړه او د نړۍ هر گوټ ته يې ځان ورساوه، چـې پـه دې برخه کې د ښاغلي محمد طارق بزگر هڅې د ستاينې وړ دي؛ چـې پـه دومره بوخت ژونـد کـې يـې شـپه او ورځ پـر ځـان يـوه کـړې او دغـې خپرونې ته يې ژوند ورکړی.

غواړم دا خبره وکړم چې ماد دعوت جريدې او ويبپاڼې په اړوند د ځينو پوهانو نظرياتو ته يوه ځغلنده کتنه پدې خاطر وکـړه چـې دغـه نظرونـه پخپله د ښاغلي طارق بزگر د لنډ ژوند اوږد داستان بيـانوي، پـه لوسـتلو ئې لوستونکی ته له ورايه څرگندېږي چې ولـې مـوږ د ده قـدر کـوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولوچې د خپلو فرهنگيـانو، اديبـانو، پوهـانو او عالمانو په نظرياتو او هڅو ځان خبر کړي.

په علمی غونډو او سيمينارونو کې برخه اخيستل:

لکه څرنگه چـې د ليکنـې پـه پيـل کښـې مـې اشـاره ورتـه وکـړه، بزگـر صاحب پر هغو کنفرانسونو او غونډو سربېره چې په اروپـايي هيـوادو او امريکا کښې د افغاني فرهنگی ټولنو په نوښت جوړي سوې په يوشـمير نورو هغـو نړيوالـو کنفرانسـونو کښـې هـم برخـه اخيسـتې؛ کـوم چـې د دولتونو او نړيوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلگې په توگه:

۱/ د ۲۰۰۶ کال د اپريل پر ۲۵ او۲۶ د ((اکو سيستم د بوټو څخـه ونـه د ساينس نظر او چلنجونه او د اکو سيستم او د غربـت مخنيـوی)) ترنامـه لاندې د ملگروملتو د سازمان لخوا علمي کنفرانس او ورکشـاپ چـې د ډنمـارک هيـواد د کوپنهـاگن پـه ښـارکې د دې هيـواد د بهرنيـو چـارو وزارت په مټ جوړ سوی وو.

۲/ د ۲۰۰۷ کال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمـې پـورې د قـانون اينښـودونکو ټولنـو لـه خـوا د G8 (۸ سـتر صـنعتی هيوادونـه) اجنـډا د

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګلونو په نه وهلو سره د ګازونو د تولید کمولو اجندا ترنامه لاندې د برلین په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونډسداګ) کې.
۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهایم ښار کې د ملګرو ملتونو لخوا کنفرانس ((په نړۍ کې ټول ژوندي موجودات او په ځانګړی توګه د هغوی ژوند کول او اوسیدل)) (۲۰۱۰ او تر هغه وروسته). په دې کنفرانس کښې د ۸۰ هیوادونو د چاپیریال ساتنې لوړپوړو چارواکو برخه درلوده.
۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په ګدانسک ښارکې د میډیا ۲۴ لخوا چې مرکز یې په سویس کې دی، د فنلند هیواد د بهرنیو چارو وزارت په مالي مرسته د ((د اوبو د بیځایه مصرف مخنیوي)) ترنامه لاندې ورکشاپ او کانفرانس چې د ۱۷ هیوادونو ژورنالستان وربلل شوی وو او د ژورنالستانو د شخصې روزنې او معلوماتو له پاره جوړشوی وو.
۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نیټې پورې د ملګروملتو او د ناروې د حکومت له لوری د ((ټولو ژوندي موجوداتو ساتنه او د دوامدارې پرمختیا له پاره کارکول)) تر نامه لاندي د ناروي هیواد تروندهایم په ښار کې علمي کنفرانس.
د دې پورته یادو شویو کنفرانسونو تر څنګ په ډېرو افغاني غونډو کې چې په امریکا، انګلستان، جرمني، ناروې، سویډن او نوروهیوادو کې جوړې سوي، فعاله برخه اخیستې ده.
د بزګرصاحب سره نړیوالو راډیوګانو لکه بی بی سی پښتو او فارسی، امریکا غږ پښتو او دری، ازادی رادیو، د فرانسې نړیواله راډیو فارسی، المان غږ دویچې ویلې پښتو رادیو سره په سلګونو سیاسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزګر صاحب سره د افغانستان د ورځنیو سیاسي، پوځی حالاتو په اړوند ډېرې مرکې سوي چې په ناروېژي اخبارونو، راډیو او تلویزیونونو برسیره په یو شمیر افغاني مجلو، اخبارونو او ویبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوی دی.
د ښاغلی محمد طارق بزګر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انګلیسي، ناروېژي باندي پوره پوهیږي؛ خود دې ژبو ترڅنګ یوه اندازه په عربي ژبه هم پوهیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو په اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، دری، اردو، انګلیس او ناروېژي ژبو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزګر صاحب وايي د کتابونو ټولولوسره له ډیر پخوا مینه او علاقه لري. همدا ډول په زرګونو انځورونو، ویډیوئي کسټونو، سی ډي او کسټونو چې په ټولوکښې د افغانستان په اړوند معلومات راټول سوی د بزګرصاحب د کورنۍ کتابتون یوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنګي فعالیتونو په څنګ کې پر څو کتابونو کار کوي چې ځیني یې تقریباً بشپړ او یو شمیر به ئې وروسته د چاپ جوګه شي.

د بېلګې په توګه:

۱/ ناروېژی پښتو ډیکشنری چې تر اوسه((۲۵۰۰۰)) لغتونه پکښې راغونډ شوی دی.

۲/ پښتو((۱۰۰۰)) لنډۍ د انګلیسي له ژباړې او تشریح سره.

۳/ پښتو((۱۰۰۰)) متلونه د انګلیسي له ژباړې سره.

۴/ د دعوت د خپروشوو لیکنو او مرکو کتابونه د کلکسیون په بڼه.

دولتی دندې:

بزګر صاحب زما دیوې پوښتنې په ځواب کې راته وویل: اوس د ناروې د دولتي ټلویزیون (nrk) سره په ځینو پروژو کې برخه اخلم او کار ورسره کوم. د دې تر څنګ د ناروې د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توګه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تلیفون له لیارې کله ناکله ترجمه هم کوي.

ستاینلیکونه:

بزګر صاحب دخپل فرهنګی چوپړ په درشل کښې د امریکا په شمالي کلیفورنیا کې افغاني کلتوري ټولنه، په جرمني کښې د افغانستان د کلتوری ودې ټولنې، په امریکاکښې نور ټلویزیون او سویډن د مالمو په ښارکښې د دوستۍ فرهنګی ټولنې له خوا په ستاینلیکونو سره نازول سوی او درناوی ئې سوئ دي.

کورنۍ ژوند:

ښاغلي بزګر د یوې پوښتنې په جواب کښې راته وویل چي درې ورونه او څلور خوېندې لرم. هغه زیاته کړه دوه ورونه مې ډاکتران او یو بل

(c) ketabton.com: The Digital Library

وروور مې د عربی ژبې او ادبیاتو څانګه کښې لوړې زده کړې لري او پدې برخه کې کارکوي.
د افغاني دود او دستور له مخې مې د بزګر صاحب د پتمنو خوینـدو د ژوند د څرنګوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه یم چې هغوئ هم د تعلیم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښې خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.
بزګر صاحب واده کړی او د ګډ کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خداي څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵کلن، لور یې اغلې مینه جانه ۱۴ کلنه، اباسین جان ۱۰کلن او کشری زوی ئې سمون جان یونیم کلن دی.
ماته له بزګر صاحب سره په اړیکو کښې دا څرګنده سوې چې بزګر یو پټ خولی، مؤدب انسان په توګه هیڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورګډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډیر دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډیرو ساده او خوږو کلیمو جواب وایي. یوخوږ مجلسه سړی دي.
هغه یوله هغو علمي او فرهنګی څېرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقیو، ژبني، مذهبی او منطقوي توپیر سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم یوځاي ورسره ګډون کړی، د یوه درانه او صابر نظر خاوندپه توګه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښې ئې په ډیرو ادیبانه جملو او له فرهنګی اخلاقو نه په ډکې روحیې سره د اړونده مسلې په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په یادیږي چې د یوشمیر په اصطلاح پوهانو او لیکوالو په څېر دې دیوال ته سرټمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او یا د ترېبون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په یوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو څښتن په توګه پر موږ ټولو هغو چې پېژنویې د یوه درانه شخصیت په توګه ګران او د قدر وړ شخصیت دی؛ څکه خو پدې ډاډه یم چې بزګر صاحب به زموږ په ټولنه کښې دیوې وتلې او زړه وري فرهنګی څېرې

(c) ketabton.com: The Digital Library

په توګه د تل لپاره د افغان ولس په څنګ کښې د درناوي وړ شخصيت پاته وي.
ښاغلي بزګر د خپل نه ستړي کېدونکي زيار او زحمت پـه پايله کښـې زيات علمی، ادبي او فرهنګي اثار د دعوت خپرونـې لـه لاري زمـوږ د جګړه ځپلی هيواد راتلونکو نسلونو ته ديوې علمـي او ادبي پـانګې پـه توګه په پنځوسو هيوادو کې د افغانسـتان د اوسـنيو او راتلونکـو حـالاتو مينه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پټې خزانې او زموږ د هيواد د ليکوالو او سياست پوهانو له معقولو نظرياتو او انديښنو نه څنګه او په کومه بڼه د هيواد د روښـانه راتلـونکې په موخه استفاده کوي.
دعوت ويبپاڼې اوس د افغان ولس په ځانګړې توګه زمو د پوره پوهاوی په موخه په يو ډير عـالي ابتکـار لاس پـوري کـړئ؛ هغـه دا چـې پـدې وروستيو کې زموږ د هيواد يو شمير پوهانو سره په دوامداره توګه مرکـې خپروي. زه پدې باور يم چې له دې لاري به دعوت وکولاي سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظريات او وړانديزونه په ښه توګه ور ورسوي.
د هيواد پداسي نازکو شرايطو او ترينګلو حالاتوکې چې زمـوږ ولـس د يو سخت ازمون پر ډګر ولاړ دي، دا ملت د دوستی په جامه کښې د بېلا بيلـو زبرځواکـو د دښـمنيو او ډول ډول دسيسـو لـه سـختو سـېلابونو او توفـانونوسره مخـامخ دی، اړينــه ده چـــې د هيـــواد د داسي ځوانـــو شخصيتونو درناوی وشې او هغوي د ټول افغانستان په ګټه نور هم مـلي چوپړ ته وهڅول سي.
زه ديوه افغان په توګـه د ځـوان نسـل سره د افغـاني مينـې او د دوئ پـه وړاندي د مسووليت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د ليکنو په وسيله ور په ياد کړم چې تاسو پيـاوړي پوهـان، ليکـوال او څيړونکي لری؛ د هغوئ عزت که بل څوک نـه کـوي، تاسـو ئي بايـد د خپلو عادي ساده او لږو امکاناتو په لرلوسره وکړئ. هغه دا چـې د دوي په وياړ او د دوي پر ليکل شوو اثارو باندې ځانونه پوه اوبيا د بحـث پـه نامه يو په بل پسې غونډې جوړې کړی او پدې غونـډو کښـې دوي تـه بلنه ورکړی او د دوئ نه وغواړی چې ستاسو سره پر يـوه کمبلـه او يـوه

(c) ketabton.com: The Digital Library

چوتره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پیرزوینو ونازوي.

د خپل هیواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتي او نالوستوب به زموږ ټولنه تر یوې بلې پېړۍ پورې هم د ګاونډیانو او نړیوالو د اقتصادي، سیاسي، ټولنیز او فرهنګی ستم او تیرې لاندې وساتي.

په ګران او سوځېدلي افغانستان کښې د علم، پوهې او خپل منځی مینې او محبت زیاتېدو لورته د پیاوړو ګامونو د پورته کېدو اوخپل هیواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصیت د ستاینې او هڅونې په هیله.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ريښتني شخصيت

محمد نقيب تره خيل

محمد طارق بزګر له تنکۍ ځواني پـدې بـاور وه چـې تفکـر د معرفـت او معرفت د هدايت او هدايت د رضايت، قناعت او د ريښتني شخصيت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پيسو ګټلو پر ځای د علم ګټـل خـوښ کـړل. معرفت هاغه د معنويت واټ ته هدايت کړ، هدايت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنګ وي. او بل که د قـدرت پـه وخـت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بيا مستي او هوس زېږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله يې ظلم او استبداد زېږيږي.
هر څومره چې د ټولنې منوره او حاکمه طبقه رياکاره، خودخواه او جاطلبـه کيږي، بيا هم هغومره فتنه او فساد زېږوي، څنګـه چـې همداسـې پـه افغـان ټولنه کې وشول اولا هم کيږي. يو شمير کسانو په دا ۴۰ کـالو کـې د هېـواد دننه او بهر په لس هـاوو ګوندونـه- تنظيمونـه پـه سـل هـاوو ادبي- فرهنګـي کولتوري ټولني د هيواد، اسلام، انسـان او قـوم پـالني ترنامـه لانـدي جـوړې کړې دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوئ د ثـروت، شـهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سياسي دفترونه د اسلاميت، انسـانيت او قوميت پلورني هټۍ ګرځولي. له همدې لاملـه د ارزښـتنو پلـورل د اکـثرو افغانانو عادت شوی. له ټـولنې حيـا کـډه شـوی او بېشرمـي پـه کـې معـاف شوی. همدا د ارزښتونو سـوداګر پـه جـبر او ظلـم ثـروت او قـدرت ترلاسـه کوي. بيا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کيږي. د سلطنت له مرګ سره يې د شخصت مرګ جوخت وي.
دا منلې او عملي شوې وينا که انسان قدرت تـه پـه ګونـډو نشي- ثـروت تـه خامخا تسليميږي. بزګر هـم د ابـراهيم ابـن ادهـم غونـدې د خپـل مضـبوط ايمان پر باور او د نفسي سپېڅلتيا په قوت پورتني وينا د خپل ځان په اړونـد باطله کړې.
ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پـر مقصـد د مکي معظمي پر قصد پرېښود. ډېـر کلونـه وروسـته د بحـر پـه څنـډه ادهـم خپلې څيرې او شړېدلې جامې ګنـډلې، پـر آس سـپورکس يـې تـر څنـګ تېريږي، ورته ځير ګورې پېژني يې چې زه خو د دې سلطان يو وخت وزيـر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وم. ورکښته کېږي او ادب يې کوي، ورته وايي اِې سلطانه! ولې دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصيبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وايي، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهيم ستنه بحر ته گذاره وي، بيا غږ کوي، راکړه ستن مې، يو زر کبان له اوبو سرونه اوچتوي او د سرو زرو ستني په شونډو کې نيولي وي. وايي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شېبه وروسته هم هغه ستنه يو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، يو يهودې هلک له خپل سپي سره ورپسې په تعقيب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تميږي. خو څه وخت چې ابراهيم د ناستو کسانو خواته رسيږي، دا هلک پرې داسې غږ کوي: اې بوډا! دا ستا ږيره ښکلې ده، که زما د سپي لکۍ؟ هاغه ورته وايي زويه! که مې دا ږيره د خدای لپاره نه د ريا لپاره پرې اېښې وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکې دې ښکلې ده او که په جنت کې يم بيا نو زما ږيره ښکلې ده، هلک ډومبې خجالتيږي، بيا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کېږي.

بزگر صيب هم د ناروې په هستۍ او د ځوانۍ په مستي کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ريښتني خدمت په نسبت بابېزه وگڼل. تر څنگ يې د حق په پلوۍ او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنيز سنگرجوړ کړ. يقيناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقيقت لار موندلې وي. د دعوت رسنۍ د بزگر ريښتينولي او يومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهيم د ادهم اولادې ته د پلار ميراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصيت مشروعيت د سلطنت له درباره اخيستی وه. نو د سلطنت له بايللو سره جوخت بېشخصيته هم شول، خو ابراهيم چې يو سر او دوه غوږه نوم ورکې مکې ته راغلی وه، او د پوهې په رڼا د عقېدې په مضبوطتيا د نفس په سپېڅلتيا د مهره بانه او عادل زړه په لرولو يې خپل کوچني او لنډ عمره شخصيت ستر او تلپاتي کړ. د دې تر څنگ يې آن د کورني مړ شخصيت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقيقي شخصيت بڼه ښيي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د بزگر شخصيت دعـوت دي او دعـوت د پـوهی او کولتـور مرکـز نـن هـم ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی طارق بزګر چې زه يې پېژنم

قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلي بزګر له ډېر وړوکوالي پېژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.

ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی يې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننګونو تيرېږي په داسې حال کې دي چې د قلم جهاد او غورځنګ د ټوپک او زور له غورځنګه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلي بزګر د دې سنګر ډېر تکړه او سپېڅلي مبارز دی.

زه ښاغلي بزګر له ډېرې زمانې راپېژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د ليکنې چم يې راښودلی دی او تل يې هڅولی يم. اوس هم چې کله په ټيليفون سره غږېږو، نو له کورنې احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې يو څه وليکه. هيڅکله يې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهيږم يا دا څه چې دې ليکلي دي غلط يا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هيڅکله نشم رسيدلای او د دوی په وړاندې ليکنه به لکه لمر ته چې شمع ږدی، خو تل يې هڅولی يم. لارښود مې دی ځکه چې تل يې افغانستان لومړی ساتلی او هيڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغېزمن شوی او دا درس يې راکړی چې بچيه! تل دا هېواد لومړی وګڼه. د اشخاصو او شخصي ګټو لپاره ملي ګټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې يې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پېژندل او له خپل اولاد يې کم نه يم ګڼلی. زما په ښه تربيه او روزنه کې يې فعاله ونډه اخيستې ده.

افغانان تل په درانه خوب ويده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپوږمۍ لنډه ښکاري او د مريخ او نورو سيارو غمونو پسې يې راخيستی، موږ خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له درييمې برخې زيات نفوس مو بيسواده دی. له سياسي او ټولنيزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو ببولالې وايي او ملت لدې خوب څخه راويښولو لپاره هم ډېر خلک نه ګرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې يا يې لدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

خاورې پښې سپکې کړي او یا دلته د خپلو جیبونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچیانو ساتلي دي. زموږ د تاریخ یوه لنډه داده چې تل یې رزمي او جنګي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امیر کروړ دی، بایزید روښان دی او آن نږدې سید جمال الدین افغان، پر دې یو هم داسې مؤثق او تاریخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته باید دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راویښولو لپاره نه ستړې کېدونکې هلې ځلې کوي.

له کومې ورځې چې مې لیک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهیسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکی یې یم. تل یې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم یې خوړلي دی. په نننی سیاسي چاپیریال کې چې نړیوالو د افغانانو سیاسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته راړولو په خاطر په سلګونه راډیوګانې، ټلویزونونه او خپروني پیل کړي دي، له هر وخت زیات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسیږي.

ښاغلي بزګر مې خپل دی. د کورنۍ غړې مو دی او زه ویاړم چې په کورنۍ کې داسې ننګیالي لرو. زه نه غواړم چې ووایم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته یو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وایم، چې زه نن څه یم په هغې کې د بزګر صاحب ډېره لویه ونډه ده، او د ژوند تر اخیري سلګۍ به یې زه احسانمند او منندوی واوسم، او دلته زما له لیکنې هدف هم شخصي درناوی او منته ده، او هم د دې ملت د یوه خوار غریب بچي په حیث منه چې د دې ملت د مفکورو په روښانولو کې یې نه ستړې کېدونکې هلې ځلې کړي دي.

له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزګر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره یې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره یې خپله پوهه او احساس راتلونکې نسل ته لېږدولي دی، چې ښه بېلګه یې د ځوانانو دې ټولنې دا احساس دی چې خپل ننګیالي ونازوي.

په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزګر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را میدان ته شي او پخپله ورته یوازې آسانتیاوې برابروي او شاته یې درېږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې ورته لاډېرې برياوې غواړم، او ښه متيقن يم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی يې درويشت کاله وړاندې تهداب ايښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره يې د ثواب او سرلوړی يوه دوامداره او تلپاتې سرچينه پريښې ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر ګران ښاغلی د قدر وړ بزګر صاحب!

محمد سرور وکيلي

زما د مينې او ورورګلوۍ ډک سلامونه او پېرزوني ومنۍ!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه ياد دي،چي له دې خپره وني سره سم په ډېرو بهرنيو هېوادو کي نورو خپرونو هم پيل وکړ، خو ډېرو يې سقوط وکړ او ځينو يې چي شاته ګوندي پلوي اقتصادي تکيه لرله
د سياست له مخي د هغي سياسي تکيي څخه يې مالي مرسته ترلاسه کول او ترلاسه کوي يې؛ نو بېخي ډېر لږ يې پاته دي؛ خو د دعوت خپرونه يوازي او يوازي ستاسو په عالي ابتکار، زيار او مالي لګښت مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.
ماچي د دعوت په خوږې خپرونه کي کوم شی ليکه نو مي تل پر پښتنو ليکوالانو د اړخ کاوه، چي د دعوت له خوږې خپروني سره مرسته وکړۍ، ځکه دا مالي بار پريوه کس باندي ډېر دی او دا خپرونه زموږ ده؛ خو تاسو د دغو ټولو ربړونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چي نن او سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل پښتني غيرت او ژورناليستۍ واک په يوازي سر تر دغه ځايه را ورسوله. تاسو رښتيا هم چي د قدر وړ او د ستايني وړ ياست. خدای(ج) دي له هري بلا، افت، ناروغۍ او خوارۍ نه وژغوره. امين!

په ادبي درنښت

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمد طارق بزگر ته!

امرالدین سرحد

منډي يې وهلې يو پښتون په کلې کور کښې
دا يې وويل: چې لر و بر سوځي په اور کښې
ماتری اوریدلي په غوږو مې یو خبر دی
نوی راختلی ښکلی ستوری لکه لمر دی
راشي زمونږ انګړ ته په جرګو په مرکو شو
موتېی شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډیرو واوریدلي دا خبري خونده وري وې
لاره يې روښانه لر و بر يې دا منلي وې
خلکو ورته وویل مالومه دی نن لاره کړه
فکر دی کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دی مونږ ته بیان شو وويل: دا مې قسم دی
وینه کی ده مینه دغه ځان مې د وطن دی
دعا وشوه د خلکو چې «بزګر» دی ژر په کار شی
جوړ دی کړی «دعوت» چې ويجاړ کلی زمونږ ښار شی
خپلو غمځپلو ته خدمت، ضمیر مجبور کړ
ژوند د زمانی او حوادثو دئ مدیر کړ
اوس نو مونږه لولو د«عوت» د زړه کیسي
تیر شو یو لوی عمر په«بزګر» خوږي ترخي
تل دی د «دعوت» ډیوه روښانه وي
وړانګې يې تودي مخ يې ځلانده وي

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش مردی که قلم را نفروخت!

(بزرگداشت جناب بزگر و رسانهء دعوت)

استاد کم باور کابلی

همرنگ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردی ز گرامی یادگاران
بر خرمن ناکسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگاری
پاکیزه و ناب همچو باران!
کم زاد خجسته ای چو «طارق»
گیتی، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بیند!
آزاده گی اش، زیان نه بیند

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ګراني ملي فرهنګي څېرې طارق بزګر نمانځغونډې ته زما پېرزوينې

پوهنمل رحمت څواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل یوه شعر پیلوم:

لکه تیږه د بیابان تل په یو حال یم
ونه، نه یم چې بدله په موسم شم
سر به هیڅ د مریتوب چاته ټیټ نه کړم
که سوری سوری په غشو د رستم شم
وا به نه وړم د ښایست له پرستشه
که لاهو په اباسین یا په جېلم شم
که غمونه د جانان همدا کاڼې کړي
وچ صورت به لکه کړکې د چلم شم
خپله وینه مې ښښلې ده مظلوم ته
که په ژوند چرته ملګرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوېدن کې د زلمو پاڅون ټولنه له یوې وتلې او نامتو فرهنګي او ملي څېرې محمد طارق بزګر او د هغه د فرهنګي کار او زیار ستاینه او یادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړې ټولنې ته کور ودانې وایم چې ښه انتخاب، پر ځای انتخاب او پر وخت یې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته یې غونډه رابللې، چې خدای ذاتي دروندوالې هم وربخښلې او په یوازې ځان کلونه ستر ملی خدمت او دروند تاریخي رسالت سرته رسوي.

تر کومه ځایه چې زه ګران بزګر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظریات د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له ډېرې درنه ملي - فرهنګي څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنګ بدلولو، ځان کږولو، لار چپولو، ځان درنولو او وخت تېرولو د دې وروستې مهال په دې دریوو لسیزو کې ډېرې ستری فرهنګې ستې وښوېدې، بدرنګې شوې، له ملي ګټو په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګ شوي او له موسمونو سره هم رنګي شوي، خو فکر کوم طارق بزګر تر اوسه له ټېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلي او د خپلو ملي-اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترځنګ ولاړ دي.

دي دا دوه لسيزي اخبار، د سوداګرۍ او ګټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پاڼې په هسې ببولالو نه رنګوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاريخي او جنګځپلي هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپين ته سپين، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وايي. دی په همدې لاره روان دې. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره يې يوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مريان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالي او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېګڼې لپاره شوګيرونه ګالي، زيار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتيا هم د زياتې ستاينې او درناوي وړ دې.

زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو ستړياوو، شوګيرونو او ملي فرهنګې هڅو ته د تعظيم او درناوي لاس په ټټر ږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سيدجمال الدين له ټاټوبي راټوکيدلي دغې فرهنګې ځېرې ته د سترو ملي فرهنګي کړنو د تر سره کولو هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دویم څپرکی:
دعوت

رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون دیگری بود که در ورایش فداکاری و ایثار، بار دیگر وجاهت و حیثیت یک ملت با پیشینه را آشکار می کنند. در آن سالیان، هرچند واژه گانی که بار معنایی «درد» داشتند، در روایت حال مردم، جزو ادبیات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبوری ایستاده گی، از حافظه ی تاریخی محروم نمی کند. جبهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و میهن، به ایثار می کشیدند.

مقاطعی اند که در بُرش آن ها گاه بُریده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو میراث های پُرشکوه تاریخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هایی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ریسک کرده بودند.

دشواری رویایی با یک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر این، بسط مفاهیم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جبهات، طیف دیگری از افغانان مجاهد را تشویق می کرد تا با کار فکری، فرهنگی و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هایی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزگر را به جا نمی آوردم. از روی تصادف، یافت نشر مضامینم در سایت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت میدیا ۲۴» شد، مرا با یکی از سرد و گرم چشیده گان سالیان ایثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من با شهرت «بزگر» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خـانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت مـا، آزمـون دیگـری سـپری شـود کـه در تنـازع فرهنگـی آن، ثقلـت و دشـواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته هـای فکـری ام را تقـدیم مـی کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شـان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصـل مـی دانـد، بیشـتر مـی شـود، در بسـتر مطمـئن ایـن حـدود بـه خانواده ی بزگر ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت مـی مـانم و بـرای بزگـر هـا توفیـق بیشـتر مـی خـواهم کـه پیشـه ی آنـان(بزگر) در زمینه ی ملک و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغز ها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشـیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خپروني نهه ویشتمې کالیزې په ویاړ

سراج الحق ببرک زی ځدراڼ

دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز او د دعوت میډیا ځلرویشت ویبپاڼې مسئوول مدیر یوه وړه ارزونه ډله ییزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل ګرځېدلي دي.
ډله ییزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دی. موږ هره ورځ د راډیو، ټلویزیون، اخبار، میلفون، لیپ ټاپ او د انټرنیټ نړۍله لارې د رسنیو تر اغیزلاندې یو. ډله ییزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سر چینې په څېر خپل رول لوبوي.
رسنۍ د انسانانو په سیاسي اند جوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري. سیاست پر رسنۍ او رسنۍ پر سیاست باندې نېغ په نېغه اغېز لري. سیاست او رسنۍ پر یو بل باندې په دوه اړخیزه توګه اتکأ لري.
ژورنالیست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسئوولیت ور په برخه کړل شوي دی. لیکوال او رسنوال د ولس غږ او سترګې دي. د خبریال یا ژورنالیست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبریال د خپلي ژورنالستیکي دندې په تر سره کولو کې څه رنګه خپلي موخې تعقیبوي، څومره پاک انساني نیت او څه ډول ملي احساس لري.
په دې کې هیڅ شک و شوبیان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنیزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو لیکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودي ټولنو او اکاډېمیکو بنسټونو او همدارنګه د اکاډېمیکو روڼ اندو، سیاسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړې دولتي چارواکو تر منځ د سیاست، اقتصاد، روغتیا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډګر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سیاسي فکرونو تر منځ اړیکي، د تاریخي پېښو، تجربو، د ازمیښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې یو ستر پلټ فورم او یو ویاړمن مرکزي رول لوبوي.
د دعوت خپرونې محتویاتو او منځپانګې په ستره لمن کې تل د انسانیت، افغانیت، اسلامیت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکمیت، ملي ګټو، د بیان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلې کوډکسونو ته جدي پام کیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت هره ګڼه د افغانستان ملي ګټو په چوکاټ کې دې ټولمنلي ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئول احساس کړي او یا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.

دعوت خپروني د هر ډول کرکې، تعصب، تبعیض او پارووونکي لیکنو څخه ځان لرې ساتلي دی. د د عوت په اخبار کي هر افغان ته چې د ملي فکر خاوند وي، له کرکې، تبعیض او تعصب څخه پاک وي، د افغانستان ملي ګټو، ملي اسلامي ارزښتونو او ارمانو ته ژمن وي، نه یوازې ځای شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډیر څه لري.

د عوت میډیا څلرویشت ویبپاڼه:

اټکل له پنځه سووکلونو راهیسي اخبار په نړۍ کې شتون لري، د وخت په تیریدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتیاو کې په پر لپسي توګه بدلونونه راغلي دي.

د نړۍ ډله ییزو رسنیو نوې پرمختګونو ته په کتو سره داسي بریښي چې په نږدې راتلونکي کې به چاپي رسنۍ په ځانګړي توګه چاپي اخبارونه د خپل ژورنالیستکي کیفیت سره سره له منځه ولاړل شي. له بل پلوه د مولتي میډیا یا ډله ییزو رسنیو شونتیاوې چې د انټرنیت له لارې په بریښنایي ډیجیټل بڼه خپریږي، د ژورنالیزم کیفیت ته نوې چانسونه ور په برخه کړي.

تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنیو کې اخبارونه تر ټولو کره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چینې ګڼلي کیږي. اخبارونه له ډیر پخوا څخه خلکو ته د لارښووني او د اعتبار وړ خبرې سر چینې ګڼلي شوي دي.

د یوه اخبار یا مهالنۍ ځانګړي راز په دې کې نغښتي دی، کله چې اخبار کوم مالومات یا ټولنیز ارزښتونه خلکو ته وړاندې کوي، لوستونکي هڅه کوي په دغه ټولنیزو ارزښتونو کې د خپلوي یو ګډ احساس ومومي. له دې سره د اخبار لوستونکی په راتلونکي کې د ټولنې د لوړې پرګنې یا ممتاز قشر- سره په فکري ډګر کې ځان ګډ محسوسوي.

د دعوت میډیا ویبپاڼه بېلابېل په زړه پورې سیاسي او ټولنیز علمي مالومات خپروي. دا ویبپاڼه اوس په سلګونو، زرګونو لوستونکي او

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې ویبپاڼه کې د سیاسي او ټولنیزو مسایلو تر څنګ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.

د دعوت مهالنۍ سره زما پېژندګلوي:

کله چې په ۱۹۸۸ کال کې د دعوت اخبار په خپرونو پیل وکړو. د هیواد په دننه او بهر کې د چاپیدونکو آزادو خپرونو کچه څښته ډیره ټیټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هیواد کې خپرونې پیل کړي وې. زه هغه مهال یو کال مخکې تر دې نیټې د خپل ګران هیواد له پلازمېنې کابل څخه پیښور ته او بیا المان ته تازه کډوال شوي وم، په لومړي ځل یو دوست ما ته د دعوت اخبار یوه ګڼه په پوسته کې راولیږله. په لیک کې داسې هم لیکلي و، کله چې تا دا اخبار ولوست بیا بیرته راولیږه او یا یو بل افغان ته یې د لوستلو لپاره ورکړه.

د المان د کډوالۍ په لومړیو کلونو کې زما سره د اخبار د ګډون پیسې هم نه وې. اټکل درې یا څلور کاله ورسته مې د دعوت په اخبار کې ګډون وکړو او بیا مې خپله قلمي همکاري هم ورسره پیل کړه.

زما په اند، دعوت خپله منځپانګه، محتویات او کاري کیفیت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي ګټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ټرمینالوجیکي ارزښتونو، ملي او سیاسي سېمبولونو ته دعوتوي.

د دعوت مهالنۍ علمي څېړنیزه لیکنې، تاریخي ادبي مضامین، د افغان لوړ پوړې سیاسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصیتونو، د نظر خاوندانو خبري اترې، مرکې، د اقتصاد، روغتیا او چاپیریال په هکله هر اړخیزه مالومات، په ځانګړي توګه د افغانانو د لسیزو ناورینونو او خونړۍ جګړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د یووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولنې بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړیوالو منلي شوي معیارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هیواد پالنې او د هیوادنۍ مینې یوه بله ډیوه ګرځیدلې ده.

دعوت، ډیرې علمي، سیاسي، تحقیقاتي، څېړنیزه او تحلیلي لیکنې خپروي، د بیان او د آزاد فکر ژمندویي کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحیې او سیاسي ویښ شعور د پنځیولو او جګیولو هڅې کوي. په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ټولیزه ټوګه دې ټکو ته په کتو سره د دعوت خپلواکه رسنیو مرکز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي یووالي، تلپاتي سولې او ملي امن نظم ته را بولي.
د دعوت مهالنۍ زما ځکه خوښیږي چې یوه بې پرې او ناپییلي خپرونه ده او د هیڅ یو سیاسي ګوند او هیڅ یوې ډلې تپلې ته پروپاګند او تبلیغات نه کوي. دعوت ملي ورورولۍ، سولې او ملي پخلاینه لپاره نه ستړي کیدونکي هلې ځلې کوي.
ډیره د خوښې خبره ده، چې دعوت خپرونې خپل ۲۹ کلونه د افغان کډوالو په چوپړ کې تیر کړي دي. د دعوت خپرونې اروپا، امریکا، اسیا، افریقا او استرالیا پورې خپلو مینه والو ته رسیږي.
د دعوت مهالنۍ او د عوت میډیا ۲۴ ویبپاڼې مسوول مدیر کاري فعالیت ته له لرې یوه لنډه کتنه:
بزګر صیب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، میلمه پالنه، د خوښي او خپګان سره مل ژوند لري. بزګر صیب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سربیره ښایي په اټکلي او اوسط ډول د دعوت اخبار د لیکلو، ډیزاینولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستي له لارې لیږلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دریو نه تر څلور ساعتونو پورې کار کړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو په ورځو کې ضرب کړو. موږ ته پته لګیږي، چې بزګر صیب د دعوت اخبار چلولو ته د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړیا کار کړي دی.
د دعوت اخبار کې مو دا هم لوستلي، چې بزګر صیب د افغانستان د سیاسي مسایلو د څیړلو، د افغان غمیزې او جګړې د حل لارې چارې لټولو په موخه ډیرو هیوادونو ته د سیاسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرګونه کیلو متره لرې سفرونه کړی دي.
زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نیوکو مستحق یواځې هغه څوک کیداې شی، چې دی د کډوالۍ په شرایطو کې د رسنوالۍ دنده لا نوره ښه او بهتره ترسره کولي شي.
د دعوت مهالني ډیزاین او تخنیکي چارې همدرانګه د څرنګوالي په برخه کې ښایې د ځینو په سترګو کې کمزور تیاوې شتون ولري. دا باید

(c) ketabton.com: The Digital Library

په ياد ولرو،چي اوس د دعوت مسئوول مدير نور يو بي تجربي او غير مسلكي سړی نه ګڼل کيږي.

زه هيله من يم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعاليت په دوامداره توګه وساتي او په ټولو افغانانو په ټينګار سره غږ کوم، چي د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډيره اړتيا لري.

د دعوت د معتبري مهالنۍ د فعاليت، پايښت او ښې په اړه يو وړانديز:

د دعوت خپروني مسئوولين که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړيوال ډيجيټل ډله ييزو رسنيو پرمختګونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چي د خپلي خپروني ښه يوې چاپي مجلي ته واړوي. دغه نوې مياشتنۍمجله بايد په هره دوه يا دريو مياشتو کي په يوه ښکلي ډيزاين کي چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کي سياسي، فلسفي، اقتصادي، روغتيايي، چاپريال ساتني، ټولنيز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامين د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي ليکني څېړني او ارزوني خپرې شي. د دعوت مجله بايد ځان ته خپل ليکوال ومومي، څو د هرې مسلکي څانګي په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د يوې ځانګړي موضوع په اړه نوې علمي ليکني وکړي او د دې ليکنو امتياز يواځي او يواځي د همدې مجلي سره محفوظ وساتل شي. مجله بايد په ډير ښکلي ډيزاين او رنګه انځورونو کي خپره شي. مجلي ته په پيل کي يوه ارزانه بيه وټاکل شي، دغه نوې مجله بايد د افغانستان او د نړۍ په ګوډ ګوډ کي د افغانانو په کولتوري مرکزونو کي وپلورل شي. دا مجله بايد د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډير شپيګل، امريکايي مجله ټايمز او د جيوپوليټيک مجلي ته ورته وده وکړي.

د دعوت خپروني نوويشتمي کاليزې په وياړ:

زه د يو لو ستونکي په توګه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او برياوې لوړې ارزوم او د زړه له کومي يې ستايم. حالاتو ته په کتو سره فعاليت ډير مثبت او عالي ارزوم، د امتياز څښتن او درنو چلوونکو ته د دې خپروني د ۲۹ مي کاليزې د رارسيدو په وياړ مبارکي وايم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زما په اند د چاپي رسنيو څېړنيزخبريـال بزګـر صـيب اوسـپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ګڼه دي، چې په کډوالۍ کې يې دغه رسنيزه بنسـټ په خپل وس او توان سره په سمه او برياله توګـه مـديريت کـړي او تـر ډيره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

ښاغلي بزګر ته د وياړ او خوښي ځای دې چې دعوت مهالنۍ وکـولای شول د ډيرو اقتصادي ستونزو او لږو مـالي مرسـتو سره سره د افغانـانو د ګډوالي په اوږده تاريخ کې د خپل بې پرېوالي تګلارې پر بنسـټ د يـو ملي تاريـخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهـر کـې د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک ګرځيـدلي دی. د دعـوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندې يا د افغاني ټـولني لـوړ پـوړي پرګنـې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو ګډ کـور ګنـي، ځکـه يـې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم ګټلي دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به مناسبت۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر

کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستانی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸–۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجلهؤ دعوت وسایت دعوت میدیا، صرف کرده است. ۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورندۀ شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساختهء وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می‌آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

(c) ketabton.com: The Digital Library

می کند واگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از درِ خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسَان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصهء زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند.

مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آیندۀ جامعه معرفی کرد.

جوانان نیزعلاقمند اند تا از کرکتر و کارنامهء آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کژی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطندوستی از آزمون زمان موفقانه عبورکرده باشند،

(c) ketabton.com: The Digital Library

نخبه گانی استند که مایهٔ افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمرهٔ خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نکونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزگر، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزگر، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

کُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پرآب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایهٔ حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزگر، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانوادهٔ منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی به دنیا آمد و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

(c) ketabton.com: The Digital Library

همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شنید و آموخت. بزگر وقتی قدم به سن جوانی گذاشت و نزدیک بود صنف یازدهم لیسهٔ نادریه کابل را تمام کند و بقیهء پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متاسفانه که تجاوز اتحاد شوروی برکشورش، او را از آغوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هزاران تن دیگر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور رفت. در آن جا دروسش را ادامه داد و در رشتهء علوم سیاسی و اسلام از اسلامیه کالج و پوهنتون پشاور لیسانس گرفت و در حالی که ۲۱ یا ۲۲ سال عمر داشت، به کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور ناروی به حیث یک مهاجر افغان از حمایت های اجتماعی و فرهنگی کشور ناوری برخوردار شد، و در رشتهء کمپیوتر و میدیا و کمیونیکیشن (مطبوعات و ارتباطات) به تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشتهء ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربهء زیات بوده و در عرصهء ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشتهء ژورنالیزم خویش را تقویت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صدد برآمد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون علاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعی، خود را با دانش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجلهء ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته است که کار نشراتی مجلهء دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دید آن را برای هموطنان نزدیک خود ابتدا در کشور های

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود بپردازد.
به تدریج علاقه مندان دعوت در کشور های دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.
با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.
آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینك از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسوول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحیث یك افغان وطندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمـر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ښکلې مجله او ښکلې پاڼه

عبدالغفار جُبير

د ((دعوت)) مجلې او ويب پاڼې مؤسس ښاغلی مشر ورور محمد طارق بزګر صاحب هغه څوک دئ چې د لومړي ځل لپاره يې زما لومړی اثر (ما ولې اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لګښت سره په ۲۰۱۰ ميلادي کال کې چاپ شو، که زه په لنډو کې درته ولیکم: ((ښاغلي بزګر صاحب زه ليکوال کړم.))

ما له نن څخه ۸ يا ۹ کاله مخکې دعوت ويب پاڼې ته ليکنې لېږلې، چې کله به مې يوه ليکنه ولېږله، د دوهمې ليکنې لپاره به بزګر صاحب تشويق راکړ، او وبه يې هڅولم چې بله ليکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي ساينسي څېړنې ۱ ټوک) هم د ده په کوښښ په سويډن کې تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزګر صاحب ته دې الله جل جلاله په دنيا او آخرت کې پوره عوضونه ورکړي. (امين)

د ښاغلي محمد طارق بزګر صاحب ښکلې ويب پاڼه چې مخکې د (افغان سباوون) په نامه او بيا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره يوه هر اړخيزه او معلوماتي ويب پاڼه ده. موږ تر هر څخه مخکې همدغه ښکلې پاڼه اقلاً په ورځ کې څو څو ځلې ګورو؛ دا ځکه چې داسې ليکنې پکښې شتون لري، چې په نورو ويب پاڼو کې نشته او بې بېلګې دي. اسلام، سياست، ساينس، سپورت، تاريخ ، د نړۍ هيښونکې او هر ډول ليکنې، کتابونه او ويډيو ګانې پکښې شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولې پيغام، د نېکمرغۍ ولولې، د سکون ټکور، د پرمختګ لارې چارې او داسې نور اړين توکي پکښې پراته دي، نه يواځې د هغو افغانانو ولولې او احساسات منعکسوي چې په لويديځ کې اوسيږي بلکې د ګران هيواد افغانستان ورځنۍ تودې پېښې او ناخوالې هم پکښې رانغښتې دي، چې همدا د دې ښکلې پاڼې يوه ځانګړتيا ده. د بزګر صاحب په دې نړيواله پاڼه کې علاوه له دې څخه چې افغاني او اسلامي ليکنې خپريږي بلکې ازادې ليکنې هم سته، چې کېداى سي همدغه ليکنې په ډېرو ويب پاڼو کې شتون ونلري، چې مطلب مې دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دئ چي بزگر صاحب خپله يو تکړه نړيوال ژورنالست دی، نو تر ډېرې اندازې پورې د ژورنـاليزم د اصـولو مطـابق د بيـان ازادي يـې هـم پلـې کړېده

دعوت خپرونه:

موږ زښته ډېرې مجلې لوستي او يا يې هم لولو، هـم خـارجي مجلـې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله يوه بې مثله، معلوماتي او هـر اړخيزه مجله ده.

بزگـر صـاحب مـوږ د ((دعـوت)) مجلـې هـره گڼـه را ليـږي. کلـه د ليکوالانو، اديبانو، پوهانو او علماء داسي گڼه گوڼه جوړه سي چـي بيـا موږ دغه مجله فوتو کاپي کړو او بيـا يـې تـر ملگـرو او دوسـتانو پـورې رسوو، چي لـه دې ښـکلې مجلـې څخـه مـوږ هـر څـه لکـه: سياسـت، افغانپوهنه، ادبيات، تاريخ، ساينس او نور.... رازده کړيدي. که زه پـه دا هر څه په يوه جمله کي را ونغاړم نو زه ويلای سم ((د دعـوت مجلـه او ويب پاڼه يو نړيوال دائرة المعـارف دی.)) الله جـل جلالـه دي و بزگـر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چي همدا ملي وياړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وگڼي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹م پسرلی

قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پیچلیي، د ناورینو او نانندریو ډک تاریخ کـي، نـژدی ۲۹ کلـه مختـه د نـومبر پـه میاشـت کـي، د دعـوت تـر نامـه لانـدي، محترم طارق بزگـر، د خپلـو او د خپلـو مینوالـو د احساسـاتو د بیـانولو، څرګندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخـه د عـامو ولسي- وګړو د خبرولو په خاطر، د فقـر او بي وطنـۍ پـه فضـا کـي، د نـاروي د هارایړ څخه، میاشتنۍ خپرونه پیل کړه. دا پـه داسي حـال کـی چـي نـه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومـره وده ورکـړل شـوي وه او نـه د اوس پـه څیر د لیږد رالیږد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوتري او یـا تیلیفـوني سـهولتونه شـتون درلـود. یـواځنی وسـایل چـی تـري ګټـه اخیستل کیده د فکس ماشـین او یـا هـم د پوسـتي خـط وه. د فکـس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چي محترم بزگر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترخنګ د شپي تر ناوخته پوري په پوسته کي راغلي لیکونه، شـعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او ټایپ کول او بیا به یـی پـه خپلـه میاشـتنۍ خپرونه کي د خپریدو لـه پـاره امـاده کـول. هغـه وخـت دغـه څیړنیـزه سیاسي ټوله به لمړۍ چـاپ او بیـا بـه ټولـو مینـه والـو تـه د پوسـتی لـه لاري ور لیږل کیده، چي پوستي مصارف به یی هم پخپلـه د دعـوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترګو شي چي د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورتـه کولو کی لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپـل ولـس او د ولـس منوري طبقي ته د خپلی سیاسي ټولی (دعـوت) ورلیـږل د خپـل ځـان لپاره یو چلینج ګڼلی و په دي خاطر یی د خپلي هغه پانګی څخه، چـي د خپلو متو په زور یی ګټله، ډیره برخه د دعوت په چـاپ او بیـا د دي سیاسي او ټولنیزی ټولي په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوي توری تیاری سره مخ و. دهیواد پـه سـیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشـت حـاکم و. پـه سـلګونه زره انسـانان د وخت د بیرحمه حاکمانو د تیریو له لاسه د خـاورو خـوراک ګرزیـدلي

(c) ketabton.com: The Digital Library

وو. ولس مو په مختلفو ګاونډيو او اروپايي هيوادو کې د مهاجر په نامه پاشل شوی و. ميندې بوري شوي وی، ناوي کونډې شوي وي او کوچنيان يتيمان شوي وو او په پرديو هيوادو کې د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي څنګه يې زړه غوښتل همغسي لوبې يې پرې کولې.

د هيواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چې د بهرنيو راديوګانو خبرونه اوريدل هم مرګوني جرم ګرزيدلي و. ولس د خپل هيواد په اړه د هيڅ نه خبر نه و. نه د انټرنيټ سهولت شتون درلود او نه د سپوږمکيو استانيتاوي ميسري وی ترڅو ولس تري د خپل هيواد د سياسي او ټولنيزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغيړنو او د نانندريو نه ډکو حالاتو کي د دعوت مياشتنۍ د ولس د يو شمير منورينو له پاره د رڼا او مشال حيثيت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظريات د ولس د نورو پرګنيو سره شريک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ايښوونکي هم د ټولو تهديدونو او ګواښونو سره سره بيا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه مياشتنۍ د ټولو اقتصادي او ټولنيزو ستونزمنو شرايطو سره يو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنيټي دوران کې يې د دعوت ترنامه لاندي پاڼه هم پرانيسته چې د هيواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه يې په انګليسي او نارويژی ژبو هم خپروني پيل کړی.

دعوت هم په انټرنيټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاريخي اوږده موده کي د هيواد د مطبوعاتو د يوه ځلانده ستوري په څير وځليد، په خپرونو کي يې ورځ تر بلي د علميت او د انسانيت او حق په لور د بللو وړتيا نوره هم زياته شوه او ډير ژر يې د انټرنيټي خپرونو له لاري په نړيواله توګه د هيوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تأسيس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډير ستر او تاريخي ګامونه اخيستی، د هيواد د ملي ګټو او شتمنيو يې دفاع کړی، د وطن او هيواد پالنې روحيه يې غښتلي کړي، او ولس يې د پرديو او پرديپالو، د استعمار او استثمار، اشغال او نيواک په مقابل کې د يوه واحد دريځ په لور رابللی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

تر هغي چي ما د دعوت خپرونی لوستي اويا مي يی انهر نيتهي ليکني تعقيب کړي، په هيڅ يوه کي يی هم د هيواد سره د ميني او د خپلو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه اخوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نښي نه دي څرګندی شوي، بلکه په يوه متحد پليټ فارم د ولس د راټوليدو درووند مسؤليت يی په غاړه اخيستي او تر اوسه پوري دغه درووند مسؤليت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ايښوونکي مسوول مدير، محترم محمد طارق بزګر ته د دغي ملي خپروني د ۲۹مـي کليـزي پـه مناسبت د زړه لـه کـومی مبـارکی وايـم او د الله تعـالي نـه ورتـه پـه دي اړه د لا زيـات توفيق غوښتونکي يم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۹ کاله دعوت وشو، خو
زمونږ د وېښتابه کار څنګه شو؟

محمد آصف ننګ

۱۳۹۶ د تلې میاشت، کابل:

۲۹ کاله یعنې د یو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاڼې دعوتي او د وېښتابه او د اذهانو د تنویر ماموریت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن میاشتنې مجلې او بیا د اقتصاد میاشتنې مجلې د مدیر مسوول په حیث مسوولیت درلود، راته معلومېږي چې د ټولنې د بیدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې درونډ، له مسوولیت او زحمت ډک مزل، چې ښاغلي محمدطارق بزګر او ټیم یې پوره ۲۹ کاله طی کړی، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدردانۍ وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلي شخصیت قلم او پیام پیاوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړې چې د غفلت له خوبه راوېښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختګ له کاروان سره دې دوی هم سیال شي.

دعوت خپرندوی مرحلې:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه یې په څو مرحلو کې څېړلې شم:

(۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغونې او تحمل پیامونه پکې کم چلېدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختګ او د نظام جوړونې په هکله بحث کول، ډېر اورېدونکي او خریداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې یو روڼ آندی قشر ـ وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ایفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پیامونه کم او د وطن او وطن پالنې پیامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بیا هم د وطن او وطنپالنې سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د لیکوالانو قلم نه چلېده. محدودیتونه هم پریمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن لیرې و خو مخاطبین یې په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ایران، پاکستان او غربي هیوادونو کي تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونو کي د وطنپالني تر څنګ، خپله بي طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره يي ښې ډېرې مقالي خپرې کړې.

(۳) تر سپتمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زمونږ په تاریخ کي د بدلون او تحول تر ټولو عمده مرحله ده. پدې مرحله کي د افراط تر حده د دیموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کي دوه درې پدېدې د بحث وړ دي. اول دا چي رسنۍ غږیزې او چاپي ډېرې شوې، بیا یو څو کاله وروسته پسي بصري رسنۍ او تلویزونونه ډېر شول. پدې رسنیزه وسایلو کي خو شوقي او تفریحي برنامي ډېرې دي، خو د خردمندۍ، بیدارۍ، تعقل، تربیت او هدفمنده ماموریت ته د ولس د توجیه کولو او بسیج کولو پیامونه پکي ډېر کم خپاره کیږي.

پدې حاضر دور کي خواله رسنۍ، تویتر، فیسبوک او... هم پرې اضافه شول، چي د پیامونو د مدیریت او سانسور سلسله يي ختمه کړه؛ بي بندوباري يي وزیږوله، د حق او باطل، د سهي او غلط او د ګټور او مضر پیام او خطاب تفکیک يي مشکل کړ.

بل دا چي پدې مرحله کي د چاپیزو رسنیو، یا پرنټ میډیا، نقش ډېر کمزوری شو. د خبر د نشر سرعت زیات شو او هر څه په ډیجټل بڼه واوښتل.

پدې حاضر دور کي دعوت او بزګر، دواړه ښه چلیدلي. د تیرو ۱٦ کلونو تسلسل مي په چابکه توګه وکتو، واقعاً ډېر عالي پیامونه خپاره شوي، د اعتداله پر کرښې تګ شوی، ابله بازاري او اپلت پیامونه او مقالي قطعاً ندي نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کي د سولي غوښتونکي، چاپیریال او محیط زیست، معادن، منابع، اقتصاد، سیاسي اصلاحات، وده او انکشاف، پوهنه، زراعت او هر ډول تنوع څخه ډک نشرات شوي دي.

د بزګر صاحب په اړوند رسنیو کي د هنر برخه هم ښکلي اثار لري. د محلي نایابه موسیقۍ کلیپونه، تصویري هنر، جالب عکسونه او... .

د دې ټولو معنا دا چي دعوت د عصر په ژبه ښه پوهیږي، اعتدال او معقولیت ښه ساتلي شي او د وخت له تقاضاوو سره سم مزل کولی شي.

سپارښتنې:

(c) ketabton.com: The Digital Library

سپارښتني مي هم مختصره دي. ویپ پاڼي کي دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توګه هغه کتابونه چي ژباړې ته ضرورت لري. د امریکا او اروپایي سیاست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه یې ترسره شي او بیا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سیاسي بصیرت په برخه کي به مهم نقش ولوبوي.

بل دا چي که دعوت د مهالنۍ یا فصلي مجلي په حیث په عصري او رنګه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنیو صنعت او د مطالعي کلتور به ادامه پیدا کړي.

ډېر خلک انترنیت ته لاسرسی نلري، او یو زیات شمیر خلک په پوهنتونونو، انستیتوتونو او مکتبونو او مدرسو کي دي. دوی باید له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چي خدای مکړه بیا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې ځو پوهنتونونو را شروع شول او ځلوېښت کاله یي دوام وموند؛ وطن یې هم رنګ کړ او دوه میلیون وګړې پکي شهیدان شول؛ ځکه نو تاکید کوم چي مجله دې هم خپره شي.

زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مینه وال یم، چي له دعوت مي ډېر څه زده کړې؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنیاد حق لري چي امتنان یې وکړم.

له چلونکي ټیم، مشرتابه او د لیکوال غړو له ډلي څخه یي... ربنا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپېڅلیو زحمتونو بدله په دنیا او آخرت کي درکړې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترګي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کي روڼي کړې. ستونزي، بې وطني، پردیتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجي د هري ورځي مهال وېش وو.
۱۹۹۴ع کال زما د پاره ځکه خوښ کال دئ چي زه په لومړي ځل په اول نمرګۍ سره دریم ټولګۍ ته بریالی سوم، او په ټوله ښوونځی کي به فاتحانه او مغرور ګرځېدم. دا ابتدایه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښین اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کي وه، چي اوس د جمالدین افغان لیسي یا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه یادېږي. دا چي د دې تعلیمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملګرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئې ځارونکي تل د همدې ادارې وه. یوه ورځ یو ځارونکی له یوه بهرني سره ملګری ټولګۍ ته راغلل او زموږ ښوونکی ته ئې د بهرني تر مخ د یو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دودیز سبک له مخه د پښتو کتاب د یوې پاڼې د متن ویلو وویل؛ چي باید په لوړ ږغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وویل. بهرني فکر وکړ چي ده لکه چي همدا څو پاڼې یاد کړي؛ په لاس کي ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئې راته وویل چي له دې مجلې څه ووایه! ما چي د مجلې پر تندي لومړۍ کرښه وویل، ټولو ته ئې خوند ورکړ؛ کرښه کي لیکل سوي:
((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وایي.)) نوري پاڼو کي هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چي به ئې وښوول، لکه بلبل داسي به وږغېدم.
وروسته څو نور ټولګیوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جګېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چي تر ښوونکي پوري د ټولو خولي اوبه ورته کولې.
ښوونځی، کلي او کور کي اوازه وه چي سردار ولي ته ئې انعام کي (کتاب) ورکړی، هغه هم یوه بهرني! ځکه مو کتاب باله چي هغه وخت کي موږ مجله او کتاب نسوای سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنـداري ارزښـت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سينګار ډول ساتل.
کلونه تېر سوه، يوه ښوونکي مي راته وويل چـي هغـه سـتا سره مجلـه د څو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورين تندی ورکړه، خـو مجلـه مـي بيا ونه مونده او ښوونکي به راتـه وويـل چـي زه بـه بيـا بلـه درتـه راوړم. اتکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغـواړم، خـو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت

(ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هیواد
نلری د یوې لارښود په حیث خپل رول لوبولی دی)

شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پر بنیاد د خپل ژوند لارې ټاکي او د خپلو معلوماتو په رڼا کښې خپل ژوند تیروي. ویښ انسانان، قومونه، ولسونه، او ملتونه تل کوښښ کوي چې معلومات یې د حقایقو پر بنسټ ولاړ وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کامیابه، سرلوړي، پر خپلو ځانونو معتقد او خپلواکه ژوند کوي.

که په تیرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه یو له بل سره پرتله کړو نو په ډیره اساني سره به ووینو چې هغه ولسونه چې د غلطو معلوماتو ښکار شوي دي نو یا خو یې نوم او نښان ورک شوی دی او یا د تباهي ښکار شوي او د ذلت او د بل واکی په تورو شپو کښې د محتاجی ژوند تیروي.

که چیرې مونږ د افغانستان دې تیرو څو لسیزو ته یوه کتنه وکړو نو پدې به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمونږ تر غوږونو تر ننه پورې رارسیږي ترینه تر څومره د پردیو ګټو دپاره استفاده شوې ده او څومره زمونږ د تباهی او بربادی سبب ګرځیدلی دی.

د دغو ټولو حقایقو په نظر کې نیولو سره باید ووایو او دا ومنو چې معلومات او رسنی زمونږ د ژوند او مرګ سره تړلي دي. دا باید ومنو چې سپیڅلي ژورنالستان همیشه د خپلو پرګنو او ملتونو ګټې له خپل ژوند څخه برترې ګڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښې ویني. نو ځکه په ډیرو ځایونو او حالاتو کښې دغه سپیڅلي انسانان د ظالمانو، وحشتګرو او د بې ضمیره انسانانو د توطئو ښکار شوي، په زندانونو کښې غورځول شوي او ډیرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.

ښاغلي محمد طارق بزګر هم یو له هغو سپیڅلو ژورنالستانو څخه دی چه خپل ټول عمر یې د خپل جنګ ځپلي ولس ته قرباني کړی دی او د خپل ملت اواز یې په هر ځای، هر وخت او هر حالت کې ژوندی ساتلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دا یوازی نه چي یوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چي خپل هیواد نلری د یوې لارښودې په حیث خپل رول لوبولی دی.

کله چي زه د لسو کالو په عمر کي له خپل ټاټوبی افغانستان نه له خپلي کورنۍ سره وشړل شوم او بیا وروسته د اروپا او امریکا ښارونو کي سرگردانه او له خپل ټاټوبي او ولس څخه نا خبره گرځیدم نو همدغه دعوت او د دعوت پر څیر نورې ملي خپروني وې چه ما ته او زما پر څیر میلیونونو نورو ځوانانو ته یي د خپل هیواد کیسي کولي او زمونږ زړونه یي له خپل ټاټوبي سره پیوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکته مونږ یواځي دا نه چي د خپل هیواد له حالاتو خبریږو بلکه د دغه معلوماتو په رڼا کي د خپل هیواد او خلکو د سوکالی له پاره هلې ځلې کوو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، هیڅکله د چا د تاثیر لاندي
نه دی تللی او نه به ولاړ شي

استاد کاظم بیمار ننګرهاری

د دعوت جریده د خپل تاسیس له ورځي څخه بیا تر نن ورځي پوري د ګران هیواد افغانستان د آزادی، سوکالی، خپلواکی او آبادی لپاره ډیري هلي ځلي کړیدي او کوي یې. دعوت هر مشر او کشر رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسي په ملکونو ګرځېدلی، او د هغوی افکاریي راټول او بې له تشبثه یي نشر کړیدي.

د دعوت وظیفه د هیواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چي دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو ویاړي، ځکه چي د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د تو طئو رسوا کول او له منځه وړل دي.

دعوت هیڅکله د چا د تاثیر لاندي نه دی تللی او نه به ولاړ شي. دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کي قیام کړیدی او په دغه لار کي بې له ویرې مخ په وړاندي روان دی.

دعوت، کورنی او بهرني دښمنان رسوا کړیدي او هیڅکله یې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه یې چي لیدلي هغه یې رسوا کړیدي. دا وزینه جریده د هیڅ فاسد حاکم او جنګسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال یې په میړانه او مردانګی رسوا کړیدي.

دعوت د روسي سور استعمار په مقابل کي په میړانه وجنګید او د خپل ملت په راویښولو کي یې پراخه ونډه اخیستي ده، او تر هغه وخته وجنګید تر څو چي سور استعمار په شا تګ ته مجبور شو.

دعوت د ګاونډیو هیوادونو لاس وهني غندلي، او په تیره بیا د ایران اخوندي نظا م ته یې په هیواد کي د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړیدي، همدارنګه، هم یې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډیورند د کرښي په شا وخوا د اغزن سیم په ارتباط د پښتنو د حق خودارادیت موضوع په کلکه ذکر کړیده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د پښتونستان د مسئلي د حل کلک ملاتړ او د فخر أفغان باچا خان د مشي او پاليسۍ سخت پلوی دی. په ګران هېواد افغانستان کي د خويندو او ميندو د حقوقو په هکله يي هم کلکه مبارزه کړيده، او يو وار بيا يي وطنوالو ته دا ثابته کړيده چي دعوت به هميشه د عدالت پلوي وي او په دغه لار کي به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.

په هيواد کي هميشه د ملي مبارزينو پلوي کړيده او د نيشليزم او وطن پرستۍ غږ يي او حرکت يي ژوندی ساتلی دی. او هر کله يي چي بی روا او بي عدالتي ليدلی ده هغه يي رسوا کړيده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکی ابتکار او منډې تړړي دي چي دعوت لا هماغسي-ځوان او د خپلو هيوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله يي د هيواد تکړه شاعر ګل پاچا الفت صاحب داسي وايي:

سرګردان وي په جهان هغه مړونه

چي د خپل وطن غمونه يي په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کي په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زيات ارزښت لري، نو ځکه پري مونږ وياړو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

میرمن شکریه بارکزۍ د دعوت
د ۲۹مې کلیزې په ویاړ

ش. بارکزۍ:

زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو یې کوئ. ډیر وخت نه کیږي چې زه ووایم چې د دعوت لوستونکي یم. اول غواړم چې مبارکي یې تاسو ته ووایم؛ ځکه چې هر ادبي او کلتوري فعالیت د هېواد نه د باندې ډیر سخت دی، ډیرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې یې هم لري، خو بهر ډیر دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چې په هره صفحه کې یو نوی نوم او یو نوی فکر سره اشنا کیدم. سربیره پردې چې هغه پخواني لیکوالانو، شاعرانو او سیاستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډیر د خوشالۍ ځای دی. اوس مې پریږدۍ چې لږ رښتیا هم ووایم.

بي بي سي فارسي چې وینم، کله ناکله فکر کوم چې ولې دا د ایران خلک هر چیرته چې دي د پوهنتون استادان دي یا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مګر ستاسو نشریې دا راته وښودله چې نه، موږ یې هم لرو، خو متاسفانه داسې چینلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوی خپل نظریات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چې نوي ځوان لیکوالان ستاسو د نشریې له خوانه معرفي کیږي. دا زما له پاره ډیر د خوشالۍ ځای دی یا کیدای شي چې زه ډیره د خارج نه لیرې وم، دننه وطن کې وم نو ډیر به د دې نه خبره نه وم چې زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنۍ د هیواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم یو کلکسیون د افغانستان د ګټو او ملي شتمنیو، ځیرو او ملي ځیرو نه دی چې باید درنښت یې وشي او باید خلکو ته وروپیژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو یې کوئ.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپروني ۲۹مې کليزې په مناسبت

ډاکټر حضرت عمر زاخېلوال

ژوند څومره په ځغاسته تيرېږي، لکه پرون داسي مي په ياد شي چي په پېښور کـي د دعـوت د خپرونـي د بنسټګر او مسـوول ښاغلي محمـد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زی چي زما ډېر نږدې دوست او ملګری و ماته د دعوت د جريـدې د لومړنيـو ګڼـو څخـه يـوه کـاپي راکړه. پـه هغـه وخـت کـي مـا د افغـاني جريـدو سره چنـدان علاقـه نـه درلوده، ځکه اکثره يي تنظيمي وې چي يا په خپلو تنظيمي لاپـو پټـاکو او يا هم د جنګ او جګړو په تـرويج، تشـويق او تشـديد څرخېـدې، د هېله مندۍ مطالب په کي کم و. زما په څېر يو زلمی کـډوال تـه چـي لا تر اوسه يي زده کـړې نيمګـړې او راتلـونکی يـي نـامطمين مګـر هيلـي زياتي وې ناهيلونکي وې. مګر د دعوت په جريـده کـي مـي بـرعکس هغه څه پيدا کړل چي مايي لوستل غوښتل:

د آزادۍ او بې پرې خبرونو تر څنګ ازادې شنني، خپلواک نظريات او د داسي ملي شخصيتونو سره مرکي چي د کډوالۍ په چاپېريال کـي پـه نظر نه برېښېده مګر نومونه يی آشنا او هېلي ورته زياتي وې.

په ټوله کي جريده په ملي موخو څرخېده لکه سوله، ملي يووالی، مـلي شـناخت، مـلي حاکميـت، دې موخـو تـه شـته ګواښـونه او فرصـتونه او هېواد د يو لا ستر ناورين څخه ساتل.

په ۱۹۹۱ ميلادي کال کي زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کي نه انټرنېټ و نه ازرانه موبايل تيليفونونه او يـا د اړيکـو نـورې اسـانه وسـيلي. لـه افغانسـتان څخـه د شـوروي پوځونـه وتـلي وو او د شوروي اتحاد په نسکورېدو سره د غرب لپاره پـه افغانسـتان کـي نـور د علاقه مندۍ څه نه و پاتي؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلويزونو او نه هم په جرېدو، اخبارونو او مجلو کي په خبر يا مضمون ارزېده. مګر پـه افغانستان کي خبرونه ډېر او اکثر يي د اندېښني وړ وو.

د ډاکټر نجيب د حکومت وروستۍ سلګۍ وې او د جهادي تنظيمونـو او سيمه ايزو استخباراتي ملاتړو يـی د قـدرت پـر سر د خـونړي پـړاوو

(c) ketabton.com: The Digital Library

تياري نيولی. په داسي وخت کي همدومره چي په گران هېواد کي پيښي دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېريوالی او بې خبري.

نو د هېواد د حالاتو سره د نږدې پاتې کېدو لپاره مې د دعوت د جرېدې سره اړيکي اړيني وبللې. ښاغلي بزګر صاحب ته مې ليک او خپل ادرس ولېږه چي په پيرزوينه يې له هغې وروسته د دعوت جرېدې په مسلسله توګه راستولي او په دې توګه يې د ګران هېواد د ترخه تاريخي پړاو سره نږدې وساتلم.

زه د دعوت خپروني د ۲۹مې کاليزې په مناسبت څخه په ګټې ښاغلي محمد طارق بزګر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه يواځې ما سره د دوی د ځانګړي پيرزويني بلکې همدارنګه د هېواد د تاريخ په ډېر حساس پړاوو کي د مطبوعاتو په ډګر کې د دوی اغيزمن تاريخي مسوليت او رسالت د ښه ادا کولو له کبله د زړه له کومې مننه کوم، د لاسته راوړنو يې ورته مبارکی وايم او د هسک څښتن څخه پدې او د ژوند په نورو چارو کې لا زيات برياليتوبونه او سرلوړی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

درې لسيزې جهاد مو مبارک شه

ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او کـه هېـر شـوي مـې نـه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شـوې وو. پـه هغـه وخـت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چـې د استقلال جريدې او د څو نورو تر څنګ به له پېښور څخه خپرېـدې.
په لندن کې د ستميانو ورځپاڼـه (اميـد) تـر هغـه وختـه او تـر څـو کـالو وروسته پورې داسـې نشرـيات درلـودل چـې نـه ورتـه افغانسـتان، نـه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلـود. د دوی همفکرانـو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کـې چـې لا هـم جنګ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.
نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايد او وروسته له ليليسټروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چې پـه افغانسـتان کـې د روان جنګ او داخلي پرديپالو په خلاف خپل مضمونونه ورولېږي. دعـوت له کوچنيوالولي نه په بيړه ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديپـالو پـه مقابـل کې د پوهاند هاشميان د آيني مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و ګرځېده. محمد طارق بزګر چې د دې جريدې د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعـوت چاپـاوه او د پُستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپـا تـه اسـتوله.
پُسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی بـه هرومرو د خپلې کورنۍ د آزوقـې ډېـره برخـه د جريـدې پـه نشرـولو او پُستولو باندې مصرفوي.
د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعـوت د لاسي ليـک نـه چاپي ليک ته ورسېده او د پُسـتې پـر ځـای د انټرنېـټ لـه لارې لا هـم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.
څو کاله وړانـدې محمـد طـارق بزګـر پرېکـړه وکـړه چـې يـو انټرنېټـي تلوېزيون منځ تـه راولي؛ څـو د نـړۍ پـه ټولـو برخـو کـې افغانـانو تـه د دعـوت لـه جريـدې نـه لا ښـه او پـر وخـت خبرونـه او پروګرامونـه ور

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورسوي. د دې لپاره موږ ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروګرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له ايډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي تلوېزيون کې داخل کړي.

زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او قفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته پکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونګرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.

محمد طارق بزګر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي-هر ورځني کړاوونو تر څنګ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه ګرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنګ د پوهاند هاشميان (آينهٔ افغانستان) له مجله نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېرى او را پاتې کړاونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوې سرچينې له روسانو سره په لس کلن جنګ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درګومې کړاونو باندې له هر نظره څېړني شوې دي.

زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزګر صيب تر څنګ پوهاند هاشميان ته هم د دوی د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

(c) ketabton.com: The Digital Library

هېرېدونکي مقامونه گټلي دي. خداى ج دې له دوى دواړو سره ښه وکړي او بزگر صيب ته دې الله ج توفيق ور کړي چې د دعوت ځينې تاريخي فايلونو مواد د کتاب په بڼه هم راته چاپ کړي. زه حاضر يم چې له کابل څخه د داسې مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هيلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت
نهه ویشتمه کلېزه دې مبارک وي

محمد نقیب تره خیل

ښاغلئ محمد طارق بزګر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وایې چې باعزته خلک با اخلاقه با صبره باحوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملګرۍ کې وفادار پاتي کېږي.
زه له ۲۰۰۱یوم کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزګر صیب سره د تلیفوني اړیکو سربېره دوه درې پلا کښېناستلي سره هم یو. احساساتي جذباتي او د باجګېرۍ خبري چې هېواد، ولس، قوم، ژبې، دین ته خدمت کوم هیڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په یاد خدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصیت یې د فضلیت، تقوا او د ښو اخلاقو ثبوت دي.
کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:
که څوک له چاسره پدې نېت ښه کوي چې یو وخت به یې بدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مینه کوي چې خلک مې وستایي، دا هم اخلاقي عمل نه دی. اخلاقي عمل هغه ده چې د ځان د خوښې او ګټې عمل په کې نه وي.
د صبر او حوصلې په اړوند به له بزګر صېب سره د شوي عمل یادونه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزګر زما د پوښتني په ځواب کې داسې وویل:
افغان کولتوری ټولني کولن کې غونډې ته بللی وم. د دعوت یو ګډونوال ته مې یادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د ګډون روپې دی راکړي. ویې ښیه! ښایسته ځنډ وروسته راغې. له یو ملګري سره ولاړ وم. د پنځه ګون اېرو لوټ یې راګذار او پر ځمکه ولوېد. را وامې خیست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځای پنځه ګون ورکړی، هاغه هم د سوالګر په څېر.
هو؛ د قناعت نښه یې دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره یې نه د چا ملاتړ او نه یې د چا مخالفت کړی. د وینا تر حده عمل یې

(c) ketabton.com: The Digital Library

کړی او د سوسیالیزم او امپریالیزم د یرغلگرو د هغوي د گوډاگیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله گرو په ضد د دعوت سنگر جوړول یې د زړه ورتوب نښه ده.
پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامې ورېدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یې کولتوري ټولنې په بلجیم، جرمني، هالنډ، انگلیند او د اروپا په نورو هېوادو، امریکې او استرالیا کې جوړې کړې غونډې یې وکړې، مجلې یې راوویستې، سایټونه یې جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یې ټولنې، سایټونه او مجلې شلې شنډې او شاړې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاینان، جنایتکاران او فاسده ادارې یې نومولې. سره لدې چې د ښاغلي بزگر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دي او د پېژندگلوی امکانات یې هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپیڅلتیا په وړاندې هېڅ وگڼل نو ځکه د پرگنو ترڅنگ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ باندې تل پاتې وفادار لرې چې هر رېښتنې افغان د دعوت له سنگره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووایې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دې سل کلن شي

زاهد جلالي

د دعوت خپروني له نامه سره له ماشومتوبه اشنا يم. هغه مهال زه د هجرت ديار د نوښار سيمه کې د جلوزو پر سړک په يوه کمپ کې اوسېدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزگر صاحب تر کليو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بيا چې ځوان شوم، انټرنټ سره اشنا شوم، ليکني و ژباړې مې پيل کړې، دعوت انټرنټي پاڼه يو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کې د سترو ليکوالو ترڅنگ نشرېدې.

له دعوت سره زما اشنايي اوږده شوه او تر دې ځايه راورسېده او لا پر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښکاري. يوه دا چې له هماغه پيله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبې د سترو ليکوالو ليکنې هم په کې خپرېدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نگارگر، هاشميان، ځيرکيار او نورو سترو ليکوالو او پوهانو سره يې آشنا کړم.

د دعوت پاڼې بله ځانگړنه د دې ازادي او خپلواکي ده. نن سبا خو د هرې رسنۍ پر تندي د ((ازاده او خپلواکه)) شعار ليکل شوې، خو تقريباً هره رسنۍ د يوه جهت له لورې تمويلېږي او د نورو نظرونو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نه ده. دعوت کې رښتينې ازادي شته. زه تل دوستانو ته وايم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای يې دعوت دی.

د دعوت تر شا ايکې يوه سته ده او هغه طارق بزگر صاحب دی. بزگر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً يو محترم او د پراخې سينې او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلينو د مجلې مسوول، بزگر صاحب راته څو وار په خپله ويلي چې د محصلينو د مجلې د دغې گڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د يوه کتاب د چاپ لگښت يې په خپله غاړه اخيستی، تر څو د سيد جمال الدين په اړه دغه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ليکل شوی کتاب په ټيټه بيه د خلکو لاسونو ته ورسيږي او د هغه په اړه پوهاوی زيات شي.

بزگر صاحب، فرهنـگ دوسـته سـړی دی او د خپلـو وطنوالـو د علمـي پرمختگ له پاره يې پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي.

بزگر صاحب راباندې گران دی. له زړه يې احترام کوم او هيله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په څير نور نوښتونه هم وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د خپروني او ويبپاڼې په هکله يو څو ټکي

ډاکتر محمد نواب ويساند

وروستيو نږدې څلورو لسيزو پرله پسې غميزو او ناخوالو، افغان ټولنې ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زيانونه واړول. نيم ژوبله توليدي بنسټونه يې په بشپړ ډول ويجاړ، کاري بشري ځواک يې له هېواده د يو زيات شمير په کار پوه کسانوپه وتلو سره وپاشه او د ټولنيزو رسنيو (ميډيا) چارې (چاپي، انځوريزې، غږيزې)، چې د دولت د درې ګونو قواوو (اجرائيه، مقننه او قضائيه) وروسته په سياسي، ټولنيزو، کولتوري او اقتصادي ډګر کې د سمې او په واقعيت ولاړ راپوروونو په ورکولو سره، چې د يوې څلورمې قوې په توګه د ټولنې د پرمختګ او ربښتني ولسواکۍ (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانګړی اغېز درلودلای شي، هم ټکنۍ کړ.

خو د خپروني ګټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هيوادونو کې ميشتو خورو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هيوادنۍ مينې له مخې د پردېسۍ په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوريزو او غږيزو خپرونو له لارې د خپلو شونتياوو، وخت او شرايطوته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.

د دعوت ميډيا، چې په پښتو، دري او انګليسي-ژبو خپروني لري او اوس يې ۲۹ يمه کليزه لمانځل کيږي، د يو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهي سمبال، با تجربه ژورناليست او په خپلو خلکو او هېواد مين شخصيت ښاغلي محمد طارق بزګر له خوا د پراخه هلوځلو او زيار وروسته په کار پيل وکړ. په دغه تيرو کلونو کې يې نه يواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډګر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تيريدو سره يې د يو لړ نوښتونو په راوستلو د ويبپاڼې بڼې او جوړښت ته داسې ښکلا ور وبښله، چې د خپلې ځانګړنې له کبله د ډېرو معتبرو ويبپاڼو په منځ کې د پام وړ او زړه راښکوونکی ځای لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت میډیا، نه یواځې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسي یوه په زړه پورې سرچینه وګرځېدله، بلکه د ټولنیز ژوند د بېلابېلو فننو پورې تړلي علمي او اکاډمیکو مالوماتو خپرول، چې د وګړو د مسلکي پوهې د لوړولو او د ټولنې د پرمختګ سره مرسته کوي، ځانګړې ارزښت لري. لوستوال په ډېره اسانۍ سره کولای شي هم خپله دعوت خپرونې او ویبپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه ګټه پورته کړي اوهم یې د نورو همفکرانو سره شریک کړي.
دعوت میډیا، د کلتوري او فرهنګي ارزښت درلودلو ترڅنګ، په خپل وار د افغان ټولنې د واکمنانو له خوا د پټ ساتل شوو کمزوریو په راسپړلو، ناخوالو او بې عدالتیو په ګوته کولو او د پردیپالو او ملي ګټو ضد څېرو په افشا کولو او همدارنګه د نورو منفي پدیدو په وړاندې مبارزې ته د ټولنې د رښتینو بچیانو په راویښولو او هڅولو کې رغنده رول لوبولی دی.
زمونږ له بېداره بخته، له هغې راهیسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسونه د انترنیټي تکنالوژۍ د نړیوال کېدو له برکته سره نږدې شوي او نښلولشوي دي، د د عوت میډیا هم په خپل وار د ننۍ نړۍ مهمې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نړدې او لېرې پرتو سیمو اوسېدونکو ته د خپلو خپرونو له لارې رسولې دي.
خو له بده مرغه زمونږ د هېواد یو زیات شمېر بې وسوه افغانان د اقتصادي او امنیتي ستونزو له امله نه شي کولای د خپرو شوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وګړو (انترنیټ ته د نه لاس رسي له کبله) په څېر ګټه پورته کړي.
د دعوت میډیا له لارې نه یواځې د هېواد او نړۍ د روانو حالاتو په هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېواد کې د سرتاسرې سولې د ټینګښت، د اداري فساد د له منځه وړلو، د ورځېزو چارو د ټیکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکو وړاندیزونو د خپرولو اغیز یې هم له پامه نه شو غورځولای.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې د دعوت میډیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپرونې د کلیزې مبارکي وایم اود لا ډېرو بریاوو په هیله یې.

وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکوال یا څیړونکي په نوم یوه جلا کړکۍ، چې د تیرو خپرو شوو لیکنو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړینې موضوع د ژر پیداکولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د نهه ويشتم خپرنيز کال په مناسبت

دکتور محمد عثمان روستار تره کی

د افغانستان د جګړې د پيل نه راهيسې، مهاجر افغانان چه د نړې په مختلفو هيوادونو کې يې تيت او پرک ژوند له سره تيراوه د لاندې دوه دليلونو په بنست يوې اغيزمنې مطبوعاتي کميونيکيشن لاسوند ته اړتيا ليدل کېده:

ــ خپل منځي اړيکې د تامينولو په مقصد
ــ د وطن د حالاتو نه خبرتيا

دغه اړتيا د افغانستان نه د باندې افغاني ميډيا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړ.

د کډوالتوب په لمړيو کلونوکې د نړې په ګوت ګوټ کې بې شميره خپرونو په کار پيل وکړ چه زياتره يې د بهرنيانو له خوا تمويل کيدلې. د وخت د تيريدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزونې د فلتر نه تير شو؛ يوازې هغه خپرونې پاتې شولې چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

ــ د تمويل ډاډمنې سرچينې
ــ مسلکې مديريت
ــ تکړه قلمی همکاران
ــ د لوستونکو هرکلې.

د افغان مهاجرينو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لړو خپرونو څخه ګڼل کيږي چه د نوموړې معيارونو په بشپړيدو، توانيدلې نهه ويشت کاله عمر وکړی.

دعوت د هيواد د اوږدې غميزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاريخي شخصيتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پيکه کولو او ورکاوي طوفان را الوتی وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مينو افغان شخصيتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او ګډ وطن د ساتنې او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د خپل عمر په اوږدو کی د افغانانو او په ځانګړي توګه د افغاني کډوالو په منځ کی د نظر د تبادلې د باوري وثيقې په توګه پيژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمينه برابره يې کړي ده. د ژبې، قوم، سيمې او مذهب د تعصبونو په وړاندې د ټينګ ملي مورچل د دريځ نه د مقابلې جوګه شويده او د افغانانو د سياسي شعور د ودې په استقامت يې اوچت ګامونه پورته کړيدي.

د پيژندل شوې قلمي همکارانو سره اړيکې، په پښتو، دري ژبو خپروني او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړي د مهمو وروستي خبرونو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د يو ستندرد اخبار بڼه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توګه د دعوت چلونکو ښاغي بزګر ته د دعوت د نهه ويشتمې کليزې په مناسبت مبارکي وايم او ورته د هيواد په خدمت کې د لازياتې هڅې او زيار هيله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو کی لوی رول لوبولی دی

فهیم نظیمی

ما د ښاغلی بزګر صاحب سره ډیر کلنونه پخوا په یوه میلمستیا کی په لندن کی ولیدل او په تصادفی توګه اشنا شوم او له همغی ورځی د دعوت ویبپاڼی او مجلی دعوت سره هم اشنا شوم. د هماغه وخت راهسی د ښاغلی بزګر صاحب ورځپاڼه زما د هیلو، نظریاتو د خپرولو، وطنوالو او نړیوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسیله ګرځیدلی ده. د ده مسلکی پوهه او هاند او زیار د دی باعث وګرځیدل چی نوموړی ورځپاڼه چاپی او رسانه یی خپرونی وکړي او ډیر زیات مینه وال پیدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو په ټینګولو او نړی والو ته د افغانستان د حقیقت او واقعیتونو په رسولو کی لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کیږي چی ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب او د ده ټیم شپه او ورځ په پوره ایمانداری او مسلکی مهارت او لیاقت کار او زیار ایستلی او لوی مطبوعاتی او ژورنالیستیکي خدمات یي په پښتو او انګلیسی ژبه وړاندی کړي دي، چی خورا زیات د قدر او ستایلو وړ دی. د ده دا ټولی لاسته راوړنی په ډیرو کمو اقتصادی امکاناتو تر سره شوی او لا هم روانی دي.

دعوت ورځپاڼه او مجله، انترنیتی سایت او فیسبوکی خپرونی اوس جهانی شهرت موندلی او خورا ډیر مینه وال لری. زه فهیم نظیمی د ښاغلی بزګر صاحب د زیار، هاند، لیاقت او مسلکی پوهی او د وطنپالنی د عالی روحیی په درلودلو له کبله و ده ته د زړه له کومی مبارکی وایم او ویاړم چی ښاغلی بزګر صاحب او د ده ټیم دا ټول صفات په تیرو څو لسیزو کی د عمل په ډګر کی افغانانو او نړی والو ته ثابت کړي دي. د لوی خدایه ورته د لا بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د انسانيت

بېکسيار

کابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمينارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانګو وه چې زه ترې رابېل شوم.

د حمزه بابا دغه شعر چې وايي ((يو شور يې د شهرت و چې شوم پېښ په پېښور))، هغه وخت په رښتيني مانا کابل ته مخاطب کېداى شواى. ما تازه تازه شعر اومشاعرو ته مخه کړې وه، له کتاب او اخبار سره مې جوړه راغلې وه، ادبي بنډارونو او شب نشينيو داسې په غېږ کې اخيستى وم چې ستړيا او بې خوبي مې هډو پيژندله نه.

پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هيجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډک محفل کې له ډېرې مستۍ د دوکړيمار دوکړه وچوي. اروايي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرګ، شيدو وچېدو يا کومې ناروغۍ له وجې په درې مياشتني ماشوم د مور شيدې بندې شي. په پارسۍ کې دغه ماشوم ته شير سوخته وايي.

هو البته يو څيز چې له کابله بيا تر پېښوره، او بيا د پېښور په هغه ټوله موده کې تر هر څه زيات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستيا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې ګوندونو، سازمانونو، ايزمونو، له ګوندونو جلاشويو ډلو او له ډلو جلاشويو ټپلو ته. يو کس به چې يوازې يو دوه ورځې ځان در سره لږ خوږ را خوږ کړ او لږ په ادب او احترام به يې در سره ستړي مشي، خواره مشي وکړه نو دريمه ورځ به يې ضرور ديوې ډلې، ټپلې، نظريې او عقيدې دعوت در مخکې کاوه.

څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترينګلى شو، ياني له بده بد تر. په پېښور کې که له يوه همژبي او هموطن سره د بنډار او ناستې امکان و، يا د کوم اردو يا تنظيمي اخبار د کتو او يا په قصه خوانۍ کې د مرګ منظر، ادم خان درخانۍ، غم غلط، د بيلتانه ټپې او دې ته ورته کتابونو د لوستو امکان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله کابليان يو عجيب مالګين طنزي ډيالوګ لري:

ـ ولوېدې؟

ـ هو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ـ ژوبل شوې؟

ـ نه.

اوس نو زه داسې لوېدلی وم چې د خوږو بیان یې نور هم په ناسور زخم د مالګې پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه یو همژبی، نه یو کلیوال، نه یو دښوونځي یا پوهنځي ملګری، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشیني، هېڅ هم نه، ابې مړه تبه شلېدلې.

د نهیلۍ، غم، درد او کرب په دغسې توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو اروایي حالاتو کې، د اروپا په دائیم الدائیم تورو وریځو، یخونو، بارانونو او ځول کې چې ښایي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسې یو دوه ګامه ژوندون لنډول
د اروپا زنده ګي څه زنده ګي؟

څه ګورم چې یوه ورځ بیا یو ((دعوت)) را غی. اول خو لکه هغه چې وایي، مار خوړلی له پړي وېرېږي، لږ غوندې ووېرېدم. ماوې که د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسې راغلل، خو چې مې پرانیست او ومې لوست، کیسه بل ډول وه.

دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره ټوپیر درلود لکه بېخي له کومې بلې سیارې او د ځمکې له کومې بلې جلا کړې چې راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ایزم دعوت و، نه د کوم ګوند، نه د کومې ډلې او نه د کومې ټپلې. دغه دعوت د افغانیت دعوت و، دغه دعوت د اسلامیت دعوت و، دغه دعوت د غیرت، ننګ، ناموس، حیا او د وطن د مور د پړوني دعوت و. دغه دعوت د هغو مهاجرو خویندو، میندو د لوپټې دعوت و چې: چایي پلو لیدلی نه و.

اوس د جمرود په غاښې ځې سر تور سرونه.

لدغه دعوت څخه یوه تر سکونه وطني وږمه راتله، چې پکې د ممانړو، ګور ګورو، ښېځو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاني خټکیو، بغلاني هندوانو، قندارېو انارو، جوزجاني پستو او خوستیو جلغوزو رنګونه او خوندونه لکه د ګوتې غمې پکې را ټول شوي وو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

لدغه دعوت څخه د روس او روس پلوو خلاف د افغان فیلسوف ګل پاچا الفت دغه ناره بې لـدې چې د هـرې ګڼې پـر تنـدي لیکلـې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

یو پټ غلی احساس دی چې ارام مې نه پرېږدي
په اور مې کړوي لکه چې خام مې نه پرېږدي
جرئت مې زیا تو‌ي دومره په ځان یمه پوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام مې نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درې لسیزو په اوږدو کې مدام د پاکستانیزم، ایرانیزم، عربیزم، روسیزم او ډېرو نورو ایزمونو خلاف د رښتینو او پـه وطـن مینـو افغانانو د مبارزې تود سنګر و، دی او وي به ان شاالله.

د دغه دعوت په هکله یوه بله خبره هم د استاد الفت پـه وینـا: وخـت د اعتراف دی ګونا خپله درته وایمه!

پدا دومره کلونو کې مې یوه افغانۍ، یوه انه، یوه حبه د دعوت چلوونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومـه شـعري ټولګـه یـا د هیلـې مجلـې کومـه ګڼـه مـې، هغـه هـم د چـا پـر لاس ور لیـږلې وي والله اعلـم؟ خو ښاغلي بزګر د دعوت هره یوه ګڼه، نه یوازې یوه ګڼه بلکـې د یـوې ګڼې څو څو کاپیاني هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخـامخ د پوست له لارې ماته را استولي دي، او خدای خـبر چـې زمـا پـه شـان به یې په لسکونو او سلګونو نورو ته هم استولي وي. زه له خپله اړخه او تولو هغو ملګرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت ګڼـې رسـولي دي د دعوت کلیزې په ویاړ ښاغلي محمد طارق بزګر، ډاکـتر محمـد فریـد بزګر، د بزګر ټولې کورنۍ او د افغاني رسنیو پراخې مجموعې ته مبارکي وایم. پاکه ربه د انسانیت دغه چغه همداسې رسـا لـرې او ازانګـه یـې د افغاني رسنیو په ټولي کې مه کموې. امین، ثم امین!

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دعوت سره د ملګرتوب له پیله تر نن

ډاکتر جمشېد سمون

له هماغه پیله مي چې دوه اونۍ وړانـدې ښـاغلي او مـنلي ژورنالیسـت درانه ورور محمد طارق بزګر راته په نـږدې راتلـونکي کـې د دعـوت د ۲۹ مي کلیـزې او پـه هکلـه یـې د نظـر او یـا څـه لیکلـو پوښـتنه مخته کښېښوه، له آره نیت دا ؤ چې د ښې او منځپانګې له مخې به لـه مـا سره د دعوت چاپي ښې په شتو څو ګڼو او همدارنګه د دعـوت وېبپـاڼې پـه هکله، چې لوستونکی او مینه وال یې یم، خپله ارزونه کوم، خو له یوې خوا د خپلې لټې له امله چې تل د نن کار راڅخه سبا او بل سبا ته پـاتې وي او له بلې خوا ورځینی فزیکي مصروفیت د دې لامل شول چې لـه پورتني درانه پېټې اوږه سپکه او په دې هیله چې د دعوت ۵۰۰۰ تـیراژ درلودونکي چاپي خپرونې او په شـپه او ورځ کـې د کـم و ډېـر ۱۰۰۰۰ لیدونکو دعوت وېبپاڼې څېرمنـه او بـې پـرې ارزونـه بـه نـورو دوسـتانو هرومرو کړې وي، له دعوت سره د خپلې ملتیا او پر دعوت د روږدېـدو کیسه تېره کړم.

پوره یوویشت کاله وړاندې کله چې شمالي ټلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ایستل شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسې او ښوونځې د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول.

د طبـې زده کـړو د وروسـتي کـال وروسـتۍ میاشـتې مـو وې، زمـوږ د ټولګیوالو لخوا، د کابل طب انستیتوت او په تېـره بیـا د وروسـتي کـال د محصلینو د زده کړو د بیا پیل کېدو هلو ځلو، له ((مشر ـ مـلا صـاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعو څه ګټه نه درلوده او ځواب به بیا هم هماغه د راډیو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان تـه انتظـار ؤ.

یو عجیب و غریب ترینګلی او نـا هیلـی حالـت منځتـه راغلـی و، ټـول ټولګیوال مو کورونو ته ستانه شول. ښایي ډېرو به ځان ته بوختیاوې پیدا کـړې وې، یـو لـه بلـه چنـداني نـه خبریـدو، د اوس پـه څېـر د اړیکـو وسایل نه ول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

له خپل مسلک سره د بې کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکتر صاحب روح الله ساپي او ډاکتر صاحب جان محمد اپريدي په هڅونو او ټينګار مې په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.
د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته وويل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترګې پر دعوت خپرونې ولګېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کړکيو هندارو ته سرېښ او که هسې له کړکۍ سره پراته ول.
له دولس- ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملګرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خبره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بې خوندو، پيکه، بې مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د څښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خبره د فکر باز يې د دوی پر ځانګو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر څو محدودو په لوړ معيار، بې پرو او کره چاپي او غږيزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه-نيمه ګڼه د ((شمشاد)) او بيا راوروسته ((هيلې)) مجلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو.
د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنګي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپېيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانګې يې خوند راکړ، ډاکتر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بې له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوی وي؟
هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم بېرته پوښتنه وه، راغبرګه کړه: ((ولې دعوت دې پخوا نه ؤ لوستی؟ طارق بزګر نه پېژنې؟
د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه رالېږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

(c) ketabton.com: The Digital Library

انجنير صاحبان اوسېدل، شايد انجنير صاحب نجيب دلته ورته راوړي وي.))

څه موده وروسته چې د خپلې سپېڅلي روږدتيا او د ځينې کتابونو او ضروري موادو د پېرودني لپاره د پېښور په کتابپلورنځيو ګرځېدم، نو د خيبر بازار په ((سعيد بک سټور)) کې مې په دعوت خپرونه بيا سترګې روڼې شوې. هلته د کتابپلورنځي يو کارمن ؤ، ښه ښکلې غټه تکه توره ږيره يې وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجې دی هم د برې پښتونخوا (افغان) ښکارېده، د نورو په پرتله يې له برنو سره په ښه چلند کې جوت توپير ليده محسوسېده. ما ورته ويل دغه دعوت خپرونه تاسې ته څوک راوړي؟ ويل ولې، خير خو به وي؟ ما وې هسې، پوښتنه مې کوله چې څنګه کولای شم ويې وينم، صوفي صاحب چې زما په بې خطرۍ پوه شو نو ويل ((دا خو ډاکټر صاحب بزګر راوړي، که غواړې زه به يې د دفتر د ټيليفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلې او ورسره ملاو به شې.)) د ټيليفوني اړيکې په مټ مې د پېژندګلوۍ تر څنګ له ښاغلي ډاکټر صاحب محمد فريد بزګر څخه د دوی د کارځای په ((آبدره روډ)) کې د ORA دفتر پته هم واخيسته او په همدا لومړي ليده کاته کې يې د مينې او زښتې مهربانۍ د څرګندولو تر څنګ د دعوت خپروني په څو وروستيو ګڼو او همدارنګه د ORA او KOR نادولتي موسسو د ګڼو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره وقدرولم.

راوروسته به هم، چې کله د لويې پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکټر صاحب بزګر د ORA له دفتر، د هيوادمل صاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پيرمحمد کاروان، استاد باجوړي، عبدالهادي هادي او احمد تکل د بي بي سي د تعليمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نويد د ((ليکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسيا سافټ)) له دفترونو مې خامخا د تازه خپرونو د ترلاسه کولو لپاره د کتنې او دورې هڅه کوله او تل د دوی له مهربانيو برخمن وم.

مسکو ته له کډوالي سره مې هم له نېکه مرغه د دعوت خپرونې له پازوال، نوموتي ژورناليست او مهربان اجتماعي شخصيت ښاغلي محمد طارق بزګر سره تر دې دمه بې اړيکو پاتې شوی نه يم. د دعوت په پېرزوينو ترې خوښ او منندوی يم. رب (ج) دې يې زموږ له پراخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوره څخه نه کموي، فکر او قلم يې همداسې سپيڅلی، تانـد او منلـی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹مه کلیزې؛ د وياړني يوه پلمه

اجمل روهي

څه باندې دوه لسيزې وړانـدې، کلـه چـې زه هـم د زيـات شمېر نـورو افغانانو په څېر جـلا وطنـۍ تـه اړ شـوم، د برخليـک څپـو زه د جرمنـي خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصلـۍ دوره پـه اروپـا کـې تيـره شوې وه، خو داسې يـو هېـواد تـه راتـګ، چـې ژبـه دې نـه وي زده او وګړي يې انګريزې ژبې ويلو ته هم لېوالتيا نلري، ځينې ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تـګ نـه تـر کاروموندنـې پـورې ټولې چارې ور سره تړلې وې.
هغه مهـال، چـې د نـن پـه پرتلـه ټکنـالوجي دومـره پرمختللـې نـه وه؛ د انټرنيټ او ډيش انتانونو نه شتون هم مـوږ لـه دې نـه محـروم کـړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لويه خوشالي بـه دا وه، که کوم چا ته به زموږ ليک رسيدلې و او د هغوی لخوا به ځـواب را ورسيد او يا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راورسـيدې. د جلا وطنۍ په همدې کلونو کې، ځينې ورځپاڼې يا بهتره ووايم جريدې تقريباً په منظمه توګه رارسيدلې او تر لوسـتلو وروسـته بـه لاس پـه لاس کيدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلګې مې چـې پـه يـادې دي: «وفـا» چـې بنســټ ګــر يــې ارواښــاد پروفيسر ــ رســول امــين او سرمحقــق زلمــي هېوادمل يې مديريت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزګر په مديريت، «آئينه افغانستان» د ښاغلي سيدخليل الله هاشميان په مشرۍ او «مجاهـد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل پـه مـديريت.د دغـو ورځپـاڼو پـه لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېوادنۍ مينه خړوبيدلـه او هـم بـه اپـډيټ کيدلو.
څرنګه، چې سږ کال د «دعوت» ۲۹ کليزه ده، نو زه به هم د دغه رسـنۍ (ورځپاڼې او ويبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کـې پنځيـدلې نظـر وړانـدې کړم.
زما په اند د هرې بريالۍ رسنۍ په هکله چې خبرې کيږي دا په حقيقت کې د هغه رسنۍ د مدير او کارډلې د برياليتوب په هکلـه خـبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

که څه هم د لیکوال د شخصیت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځیني بیا له دې نظر سره مخالفت لري او وایي، چې کیدی شي یو څوک ښه شخصیت ونلري، خو ښه آثار یې وړاندې کړي وي.

له نیکمرغه زه د «دعوت» بنسټګر او مسوول مدیر ښاغلی طارق بزګر پېژنم، له نږدې مو بنډار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابیږي، چې هم دروند شخصیت لري او هم درنه او بریالۍ رسنۍ چلوي.

یو څو ټکي د ګران بزګر صیب په هکله:

ډیر اجتماعي او د اړیکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلګه یې د ۲۹ کلونو پرله پسې ژورنالیستیک کار، له حسد او دښمنیو نه لیرې او بس هسې خوږ انسان.

یو څو لنډ ټکي هم د «دعوت» په هکله:

هیڅکله یې ژېړ ژورنالیزم ته مخه نکړه؛ د پیسو او نورو امتیازاتو لپاره یې څوک بې ځایه ټارګېټ او سپک نه کړل. تل یې ملي ګټې په پام کې نیولي او په هېواد کې د خیانت، فساد او ملي خائینیو پر وړاندې یې د مبازې بیرغ تل اوچت ساتلی.

ګران بزګر صیب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کلیزې او بریاوو مبارکي وایم، الله دې همداسې لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د ملي ګټو او بیان ازادۍ په تله کې!

سرلوڅ مرادزی

د دعوت د ۲۹مې کلیزې په ویاړ!

تر نورو خبرو مخکې اړینه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کلیزه او په راوروسته کې د دعوت بریښناپاڼې ښېګنیزه او بریالۍ چلونه قدروړ او منلي شخصیت محمد طارق بزګر، د هغه همکارانو، او بیا لیکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپرونې او بریښناپاڼې سره همکاري لري او اړیکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووایم.

له هېواده لیرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپېریال او نیشت امکاناتو، د خپرونې د وسایلو او تخنیک د تیارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزګر صیب ۲۹ کلن قلمي او پوهنیز زیار چې مهالپیر یې تر ننه پورې د یوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه یوازې د ستاینې او قدروړ دی بلکې د هېوادپالنې یوه داسې غوره بېلګه ده چې ځوان نسل یې باید هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپرونې ټولو ګڼو ته لاسرسی نه درلود او یوازې ځینې مې لوستې او بریښناپاڼې سره له پیله اړیکه پالم، خو سړی ویلای شي دواړه، د دعوت خپرونه او هم بریښناپاڼه د هېوادپالنې په ګاڼه سمبال او د ملي ګټو په بیان، ملاتړ او ساتنه کې په تول پوره دي.

د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او بریښناپاڼو پریماني او ارزاني ده، خو ملي ګټو او د بیان ازادۍ سره د بریښناپاڼو او خپرونو چلند یو راز نه دی. یو شمېر یې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته ګټه رسوي او که د ژورنالیزم نور ارونه او ځانګړنې ورسره غوټه شي چې زما د ځانګپوهې له انګړه بهر دي، خبره نوره هم درنه او پېچلې کوي.

ملي ارزښتونو او ګټو ته ژمنتیا او د هغو ساتنه او همداراز د بیان ازادي هغه دوه وزرونه دي چې که یوه خپرونه یې ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژوندۍ پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له یادو ښېګڼو څخه یوه یې پېکه او یا دواړه یې پیکه او یا یې هیڅ ونه لري، څوک یې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزي. همدا لامل دی چې ځینې خپرونې ژر

(c) ketabton.com: The Digital Library

مري او اوږد ژوند نه لري او ځینې نورې لکه دعوت بیا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.

زه د دې دعوه نه کوم چې د دعوت خپروني به په یادو برخو کې کومه نیمگړتیا ونه لري، خو تر کومه چې زه یې ارزولای شم، په واړو ډگرونو کې په بریا پلونه اخلي او د لا بشپړتیا او پرمختیا پړاوونه وهي.

دعوت د افغان ټولو قلموالو او لیکوالو د لیکنو او لوستلو خونديځ دی. دعوت د کینالارو، ښیلارو، منځلارو او گڼلارو لیکنې په پراخه ټنده خپروي او تر خپلې وسې پورې یې د بیان ازادي ژوندۍ ساتلې ده. تر اوسه زما هیڅ لیکنه چې ښای ځینو به یې د دعوت تگلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهنې خپرې کړې. همداراز زه لیکنې، خپلو بیلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسي په موخه نورو بریښناپاڼو ته هم لیږم، خو د ځینو نورو ترځنگ دعوت په ډېر ورین تندي دا لیکنې خپروي چې ترې منندوی یم.

یو وخت ما بلې بریښناپاڼې ته لیکنه لیږلې وه. په لیکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه لیکلې وه، نوموړې بریښناپاڼې چې نوم اخیستل یې اړین نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنگلید په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص یې د ارواښاد تش یوه کلمه قدرې هم پیرزو نه ده!

په پای کې د ملي گټو او ارزښتونو خبره یو ځل بیا دلته رااخلم. زه خو وایم خپرونه دې د ملي هویت، خپل تاریخ او روایاتو په منځپانگه بډایه وي. که نور ورځچاري رنگارنگ مطالب خپریږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.

د خپروني په تگلار کې ملي گټو ته ژمنتیا او په خپرونو کې د داسې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپرونې سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مینه زیاتوي، هغوی د هېوادپالنې په روحیه روزل کیږي او په دې لامل د خپرونې ځلا او ښکلا لا زیاتوي. د دعوت خپرونې چې په دې گانه تر ډېره سمبالې دی، دې ټکې ته یې نوره پاملرنه هم رااړوم!

دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابریاوې غواړم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

خجسته کتاب دعوت

دکتور سید خلیل الله هاشمیان

جریدهء وزین دعوت اینک ۱۶ ساله می شود و در مسیر این مدت به مدیریت مسئول شخصیت مبارز، آقای محمد طارق بزگر، موقف ملی و مبارزهء ملی خود را برای احیای افغانستان آزاد، دموکراسی ملی، رفع و دفع هر نوع تبعیض و تاسیس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمی تحت اشغال قوای اجنبی قرار گرفته، جریدهء مبارز دعوت پیوسته به ضد اشغال اجنبی شعار داده است.

جریدهء مبارز دعوت همیشه از اتحاد ملی حمایت نموده و از حکومت دست نشانده تقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزیه طلبان دست به کار شود، زیرا تا زمانی که جنگ سالاران تجزیه طلب، ولایات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملی تامین شده نمی تواند.

جریدهء دعوت از اظهار حقایق هراس نداشته واقعیت ها را بی پرده بیان می کند، چنان چه در شمارهء مسلسل ۱۶۲ می خوانیم که در دورهء «حاکمیت متزلزل و فاجعه برانگیز مسعود- ربانی که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلاً ۵۰ فیصد عمارات ملکی و رسمی در کابل تخریب شدند... به استناد یک منبع معتبر خارجی، در فروری سال ۱۹۸۳، بین احمد شاه مسعود، عبدالرشید دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنیت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکمالاتی روس ها به جانب کابل تامین کند....»

جریدهء دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملی پشتو توانسته است در بین طبقهء وسیع دانشمندان پشتو زبان محبوبیت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زیاد به زبان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ملی دری، موازنه بین دو زبان را نیز نگه داشته و از لحاظ ژورنالیزم مانند پلی، فاصله بین امریکا، اروپا، آسیا را به هم نزدیک ساخته است.
تمنیات نیک خود را برای دوام و موفقیت این جریدهء مبارز ملی و برای صحتمندی و سعادت شاغلی محمد طارق بزگر بدین وسیله ابراز می کنم.
پیروز و جاویدان باد مبارزهء ملی به ضد ارتجاع داخلی و به ضد اشغال کشور توسط لشکر اجنبی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د کتاب په بڼه

پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنۍ خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدیخوا په ناروې کې د ښاغلی محمد طارق بزگر په سروالۍ خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.

د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کیدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکی ښاغلی بزگر دی چې له کډوال کېدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.

د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کډوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بیلو هیوادونو په تیره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډیر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کډوالان نه وو چې د ژوند ښه کولو د پاره به د خپل پروگرام له مخې له وطن نه وتلي وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کډوال شول نو ځکه د کډوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواك کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتلله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلی. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پیښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه ګډ مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

(c) ketabton.com: The Digital Library

تاريخي ضايعه ده؛ ځکه چې په دغو خپرونو کې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعګانو انعکاس کړی و. په هغو کې د افغان کارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال ښيي چې افغانان به د شتمن ليکلي کلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينګه کيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره کې عامه او شخصي کتابتونونه چور شول، او ډير کتابونه يې وسوځول شول. په هغو کې زما کتابتون هم راځي چې له انګلستان او امريکې نه مې ډير کتابونه ورته راوړي او بيا د کابل د زاړه ښار د کتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او کتابګوټي راټول کړي وو. زما په کتابتون کې يو شمير اثرونه بېجوړې وو؛ لکه د برتانوي هند حکومت د استخباراتو د ځانګې يوه خپرونه چې د افغانستان د وخت د لويانو په هکله وه، او بيا ما د خپلې څيړنې درې کلنې مودې په بهير کې له ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومات پرې ورزيات کړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې په نيم تخته يې پاڼو کې شنه پښتي لرله او اضافي ليکنې يې په انګريزي کې زما په قلم دي شايد بل څوك لوستلی ونه شي.

په کابل کې د طالبانو تر پرزيدلو نه وروسته د خپرونو يوه لويه ازاده دوره پيل شوې ده، خو د دغې دورې خپرونې دننه په وطن کې د لوستونکو د پاره دي. په داسې حال کې چې له افغانستان څخه د باندې په لويديځې او عربي نړۍ کې د دوو لکو په شاوخوا کې افغانان اوسيږي. له ښه مرغه د دغه افغانانو او داسې هم په وطن کې دننه افغانانو د پاره اوس هم په باندينيو هيوادونو کې خپرونې کيږي؛ لکه په امريکا کې "آئينه افغان" د ډاکټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، په کاناډا کې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، په جرمنې کې "ګوربت" د ښاغلي محمدآصف په همت او "اسه مايی" د ښاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريکې کې "کيوان افغان" د ښاغلی رحيم وحدت په مشرۍ او په ناروې کې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزګر په سروالۍ، دغه خپرونې هم ملي دي او هم يې د عمر کولو توان ښوولی. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخت ايستلی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کیږي او یا ملي نه دي، لکه د "امید" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې یوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کیږي.
لکه چې ړومبی مې ووېل چې شپاړلس کاله کیږي چې دغه خپرونه د ښاغلی بزګر په زیار راووځي په باندینیو نااشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ایستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ایستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منډه لولي. بې له دې چې ځیر شي لیکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زیار ایستلی وي. په دغه اړه ښاغلی بزګر یو مثال کیدلی شي. دئ د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش یوه برخه د دعوت په ویستلو باندې لګوي. له دینه جوته ده چې د ښاغلي بزګر د دعوت د خپرولو هڅونکی قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ایستل د پیسو د پاره نه وي او نه هم دا د پیسو ګټلو لار ده، هغه هم په باندینیو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه څرګندیږي.
دعوت د هیواد په دواړو رسمي ژبو خپریږي، خو د پښتو پله یې درنه او افاده یې هم معیاري ده. په هره ګنه کې یو یا ده لیکنې په انګریزي هم لري، خو د دعوت غته ځانګړتیا د هغې د لیکنو څنګه والی دی. لیکنې یې نږدې ټولې د افغانستان د پیښو په تېره د سیاسي پیښو په اړه تحلیلي دي، مهمې نړیوالې جاري پیښې یې هم په مخونو کې راوځي. په لیکنو کې یې په موضوع ګانو باندې بحث کیږي نه په فردونو باندې. هو، د فردونو کړه وړه او نظرونه او سیاستونه به پکې ډانډس کیږي او ټکول کیږي، خو پخپله هغوئ په سپکه نه یادیږي. دعوت د مدني اصلونو مراعات په ټینګه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصلونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په لیکنو کې د فرد حیثیت هر څوك او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کړه او فکرونه سپیځلي نه کڼل کیږي، هغه سپړول کیږي یا یې قدر کیږي یا بېرحمه نیوکې او وارونه پرې باندې کیږي. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئولیت ګڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعګانو په ښو او ناوړو خواو

(c) ketabton.com: The Digital Library

باندې خبر کړي چې هغوئ او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. په دې حساب د دعوت ليکنې نه ننداره ييزې، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحليلي ليکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډېر علاقه مندان، خوښونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمي مرستيالان دي چې د وطن د پېښو د بېلو بېلو اړخونو په اړه پخې ليکنې وراستوي او مرسته ورسره کوي. دوئ په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زيات عمر کولو توان ورزياتوي. نو دعوت د يوې ګډې موخې په لور په لويدځې نړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ يوه ځرګنده، لوړه او ګټوره بيلګه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان ليکوالانو به يوه بل باندې پېژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم ګمان نه کيږي چې حتی د دعوت ليوالانو په هم د هغه ټولې ګڼې ساتلي وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حال کې د خپرونو ساتل اسان نه دي. نو ښاغلی بزګر وړانديز کړی چې د دعوت غوره ليکنې د کتاب يا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوستونکي هر وخت چې وغواړي ترينه ګټه واخلی. دا يو بل ښه ګام دی چې ښاغلی بزګر پورته کړی. په دغه کار سره به د دعوت د غوره ليکنو ارزښت او پايښت نور هم يقيني او ګټورتوب به يې زيات شي. په دغه ګټور کار کې هم زه د ښاغلی محمد طارق بزګر بری غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت او محمد طارق بزگر

ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحيم

گرانه وروره بزگر صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسي ته زړه لـه کـومي تبريـك وايـم چـې د دعـوت درنده خپرونه د خپلو ليکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډك تاريخ او په ځانګړې توګه د تيرو ديرشو کلونو په ترڅ کې چې زموږ د هيواد او هيوادوالو د سياسي او ټولنيز ژوندانـه يـوه ډيره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د يو شـمير هغـه هيوادوالـو چـې د ډيرو ستونزو په ګاللو سره، هيواد او هيوادوالو تـه د خـدمت او خـير پـه نيت د مطبوعاتو او تبليغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاالله به زموږ د تاريخ يوه مثبته برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تيرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانيت باندې باور او ډيـر صبر نـه شي تر سره کيدای.

د تيرو ديرشو کلونو راپديخوا زمـوږ هيـواد د پرديـو او د هغـوئ امربـرو افغانانو د لوبو او تجربو ميـدان پـه توګـه کـارول شـوی دی چـې افغـان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډيرو قربانيو او مصيبتونو د ګاللو سره سـګره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصيبت لاس په ګريوان دي. که څه هـم د نيکه مرغه په هيواد کې دننه تر يو حده دا زمينه مساعده شوي ده چې يو شمير ازاد نشرات رامنځ تـه شي خـو د هيـواد نـه بهـر ميشـته افغـاني موقوتې خپروني او الکترونيکـې وسـايل د خپرونـې لا اوس هـم خپلـه ځانګړې وظيفه لري او صبا به يې هم ولري.

د افغان ولس اکثريت او موثرې طبقې ښايي چې د خپـل موجـود لـوی مصيبت د جريان نه د واقعيت درك کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حيث نه يوازې د نـورو ولسـونو او هيوادونو څخه په تجريد کې ژوند نه شي کولای، بلکـې دا وظيفـه يـې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهـذيبی هويـت څخه د دفـاع تـر څنـګ د بشري تـولنې سره د سـوله ييـزو او د هغـوئ مشروع حقوقو او هويت ته د احـترام پـه واسـطه حتـی المقـدور نـژدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

اړیکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هیوادونو د مشروعو حقوقو د تامین په لاره کې د ټکر له پاره زمینه برابره نه شي. زما په نظر د هیواد نه په بهر کې میشته افغاني ذکر شوی خپروني اصلی نقش په دې اړوند به ځانگړی اهمیت ولري.
دا نقش په حقیقت کې په دې اړوند د یو منصف او د یو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.
کوم د انصاف او واقعیتونو پر بنا متکي تنقیدونه چې په هیواد کې دننه میشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځینو عواملو او محدودیتونو له کبله نشي خپریدلی، باید د هیواد نه په بهر کې میشته خپرونو په واسطه هرو مرو هیوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هیواد نه په بهر کې میشته خپرونو وظیفه به وي، چې په هیواد کې دننه د مثبتو پیښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غیر افغاني علاقه لرونکو کړیو په خبرتیا ورسول شي.
په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپروني د یوې خوا نه د افغان ولس د تنقیدي غبرگون د خپروني نقش تر څنگ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوا نه به د هیواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړیکو د ټینگولو او پراختیا عامل به وگرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البیني ښو اړیکو د تقویې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.
د دې کبله ښایي چې د هیواد نه بهر میشته افغانان (که د نورو هیوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درندې خپرونې او نورو په بهر کې میشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادي او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبریك وایم او درته اجر، ډیر صبر او توفیق غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره زما اړيکه
هلمند پرديس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره په خپلو اړيکو وغږيږم، غواړم د دغه رسنيز مرکز په ځينو ارزښتونو او خدمتونو يو څه ووايم. دعوت خپلواک رسنيز مرکز په حقيقت کې يو خپلواک او د رسنيو په ډګر کې يو بې پرې او ازاد رسنيز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختګونه ټول د افغانستان او افغان درديدلي ولس سره تړلی او د دوی اواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه دروند بار ته دا نهه ويشت کاله کېږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنيز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنګه دغه رسنيز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کاميابۍ راز يې په خپله د دغه رسنيز مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب دی. د ده ډېرې هڅې، زيار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مينه دا هغه څه وو، چې محترم بزګر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړي دي، او دغه رسنيز بهير يې تر هدف رسيدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن يې موږ تاسې نهه ويشتمه کليزه لمانځو.
محترم مشر بزګر صاحب سره د ډېرو نورو ښو خاصيتونو لرلو تر څنګ يو بل ارزښتمن خاصيت دا دی، چې هغه ريښتوني وطندوسته شخصيت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر ګامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبيلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنيز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم ورونه ملګري او همکاري کوي، او بزګر صاحب دا خبره په حقيقت کې په اثبات رسولي ده، چې يو شاعر يې په خپل شعر کې وايي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې
ما ته يو دی که مغل دی که افغان

پوره يوه لسيزه مخکې چې کله ما د مسافرۍ په درشل قدم کېښود د وطن بېلتون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مينې داسې اورونه بل کړل، چې زه يې ليکلو ته اړ ايستم. ليکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلي مين وم، حتا له کلي بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنګيده، خو

(c) ketabton.com: The Digital Library

چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مينه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستۍ احساس او مينه وه، چې ما به د انترنيت له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شريکول. شپږ کاله پخوا د دعوت ميډيا خپلواک رسنيز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنيز مرکز ته به مې خپلې نيمګړې ليکنې ورليږلې او د دغه همکارۍ په نتيجه کې له محترم مشر بزګر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به يې زه هڅولوم، چې زما ليکل ښکلي او په تول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما ليکلو بلا تيروتنې لرلې، کيداى شي اوس يې هم لري، خو زه محترم بزګر صاحب زړه ماتی نه کړم، او هر وخت يې مناسبې لارښوونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښونو برکت و، چې څلور کاله مخکې بيا د دعوت خپلواک رسنيز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخيستې، د دې لپاره ما دوه دلايل لرل، يوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مينه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم يې، ما بايد دا په عمل کې اثبات رسولې واى، څکه چې افغان وطن او ولس پر موږ حق لري، چې خدمت يې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوګه شم او بله وجه يې د محترم مشر بزګر د کار او خدمت څخه متاثره کيدل ؤ، چې ده هم له چا څخه په دغه بهير کې اجوره نه ده اخيستې او خپل وطن او وطنوالو ته يې دا نهه ويشت کاله وړيا خپل رسنيز خدمتونه وړاندې کړي دي.

په پاى کې زه مشر بزګر صاحب ته دوعاګانې کوم، چې ستر رب العزت يې عمر ډېر او ارمانونه يې پوره شه، او لوى خداى دې موږ ته هم دا توفيق راکړي، چې په دغه بهير کې ورسره ريښتوني ملګري پاتې شو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال نشرات جهانی
کمپلکس دعوت تبریک و تهنیت باد

استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است.
دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد وشخصیت برازندهء بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ – ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنونده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزودارم.
شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشهء خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود.
اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه‌ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی‌توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه‌های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خودکامه گی نوع توتالیتر است.
این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمردر اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟
دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به دستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزهء صادقانه وبی الایشانه نموده و

(c) ketabton.com: The Digital Library

شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کردن تمام نیرو های دموکراتیک تا بنای حکومت قانون، تا ختم جنگ و برادرکشی، تا تحقق آزادی، مردم سالاری، سیکولاریزم و خردگرایی در سرزمین درد دیدهء ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطهٔ شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی برای ایجاد ارتباط وطنی، افغانی و روشنفکرانه برای توسعهٔ دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن است. دعوت برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعوت، تریبونی برای آزادی، دموکراسی، روشنفکری، عدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انداز به نام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبی و بر علیه دزدان، چپاولگران، آدمکشان، جنگسالاران، سلاحداران، قاچاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نموده و در این مسیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمی گذارد و آنانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چور و چپاول باشنده گان این خطهء تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پول، کرسی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنان را برای ملت غیور افشاء و رسوا می نماید.

به عقیدهء من، نویسنده گان، قلم به دستان و همکاران رسالت مند دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خواهی و افتخارات میهنی خود را به یاد داشته باشند و در مسیری روشنگری مردم جد و جهد

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیشتر نمایند تا بـار دیگـر بـه پیشـرفت هـایی در زمینـه هـای اقتصـادی، اجتماعی و حقوق انسانی دست پیدا کنند.

مردم ما باید آزاد باشند تا به خود و آیندهٔ کشور امید داشته باشند. همـهٔ ما باید برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تـا بر نیرو های سلطه گر و چپاول پیشه چیره شویم.

ما باید با امید و میل به دستیابی به رفیع ترین قلل افتخار برای کشـور بـه سمت آینده حرکت کنیم. زمان پیشرفت و ترقی به وسـیلهٔ مـا در زمینـه های هنری و فرهنگی فرا رسیده، پیروزی نزدیك است و تغییر اجتنـاب ناپذیر است.

دعــوت بــا پیــروی از اصــول آزادی و حقــوق بشــر و دموکراســی ومردمگرایی به قوی ترین شبکهء جهـانی بیشـتر ازگذشـته مبـدل شـود. زمانی قدرت‌های بزرگ بـا ورود مسـتقیم بـه کشـورها، جهـان سـوم را غارت می‌کردند، ولی حالا در هـزارهء سـوم در ظـاهر بـه نـام آزادی و دموکراسی می‌خواهند ملت‌ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.

باید در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگ سالاری هوشیارانه عمل نمایم تا آنان عقیـدهء پـوچ و بـی معنـی منطقـه پرسـتی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغـان و افغانسـتانی، شـمالی و جنوبی و ستم طلبی و سلطه خواهی چـون ویـرس مهلـك و کشـنده بـر جامعه تزریق نکنند تا بار دیگـر شـاهد بـدبختی، فلاکـت و سـیه روزی وطن و مردم ستم دیدهء آن نباشیم.

ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما درکشور، تجربهء عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسای وطن حقوقی دارد کـه بداننـد و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حـق نـدارد کـه آنـان را از چنین حقوقی محروم کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقهٔ اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیدهء بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند.

هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدیدآورندهٔ آن هاست، دارد.

در دورهٔ مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالا ترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هرکس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من معتقدم که وظیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیهٔ انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مشتی اوباش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطقوی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی

استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پاڼې د درویشتمې کلیزې په ویاړ

استاد ابوبکر ساپی

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزگر صاحب محنت دئ
څوک صفت د خپلې پاڼی څوک د ځان کړي
د دعوت د پاڼی بی ساری شـــهرت دئ
څوک يي ستايي په شعرونو او نغمو کښی
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښی، همدا يې حقانیت دی
گوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دین بیان ستر امانت دئ
په وطن باندی یهودو یرغل کړی
بی گناه وژنی همدا يي ستر خیانت دئ
هرې خوا ته دی ورانکاری را ټول شوي
سر و کار يي شیطانت او ضلالت دئ
د دعوت پاڼی درنو لوستونکو واوری
يي قلم په لاس هم ډیر مو مسوولیت دئ
له دعوت سره د دین دعوت کښي مل شی
د صافی لخوا همدغه یو وصیت دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک!
محمد امين بسمل

د يو هېوادپال، ولس پال درانه او ملي هڅاند افغان په لاس اېښودل شوی نيالگی (دعوت) ثمر ته ورسېد. دا نيالگی د هجرت، غربت او لاس تنگي په داسې بدو حالاتو کې کښېښود شو، چې د راتوکېدو، زرغونېدو، لويېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هيلې يې زياتې نه وې، خو د يو متين او سنگين انسان په همت يې دا تول پړاونه او مزلونه په بريا سره ووهل. مبارک دې وي بيا هم مبارک!

درويشت کلن دعوت نن هغه ښايسته او صالح اولاد ته پاته کيږي، چې نه يوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترگو کې خوږ لگي، بلکې کليوال او سيمه وال هم سترگې پسې اړوي (له نظره مه شې گرانه دعوته).

احساس مې په غربت کې اوښکې تويه کړي له سترگو
چې لولمه ليکنې د پتمنو په دعوت کې
د هيلو مات وزرى مرغى بيا په الوت راشي
اميد دى چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هيلو دا مات وزرى مرغى به څه وخت سرمنزل ته په الوت شي، لا خو وخت ډېر دى، خو بيا هم د دې تمه شته، چې يو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راگرځم د دعوت ميوه لرونکي نيالگي ته، چې ايښودونکى يې يو داسې پتمن افغان دى، چې د توصيف لپاره يې د پوره الفاظو په راتولولو کې ځان عاجز گڼم. زموږ دا گران افغان محمد طارق بزگر نوميږي.

د ښاغلي بزگر صاحب د همت، هېوادپالنې او متانت په اړوند زموږ نورو درنو افغان ليکوالو خپل ښايسته نظريات وړاندې کړي، خو کوم څه، چې ما د بزگر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

ـ د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکى.
ـ د پراخې سينې (حوصلې) څښتن
ـ ماهر او هېوادپال ژورنالست
ـ جذاب، حليم او صابر انسان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ــ پالونکی، مرستندوی او حقبین
ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزگر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره تیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له تیلیفوني اړیکو ما د بزگر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې تیلیفوني اړیکه ورسره ټینگه شوه نو دې ته یې اړېستم، چې یو څو هر اړخېزې پوښتنې ورڅخه وکړم.
جالبه خو داوه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.
که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزگر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزگر صاحب خپل تگ لوری سم ټاکلی و.
د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وېیلای شم، چې د دعوت نوښتگر هم بزگر و هم زرگر. زرگر په دې مانا، چې ویې کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپرونې پرې زرینې او رنگینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.
د یادولو ده، چې موږ غم لړلي افغانان (پښتانه) له نېکه مرغه نه یوازې بزگر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لر او بر، تل افغان، بېنوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغۍ او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېبپاڼې چلوونکي لرو، چې د سړي زړه پرې باغ باغ شي.
زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او دردوونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بریالي وي.
د خپلې لیکنې په وروستۍ برخه کې په موږ گران بزگر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنگ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو گرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېږي، دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

به په دې مانا وي، چې هغه له يادو ويبپاڼو او ملت سره دغـداري نيـت لري. زما د وړانديز د نه منلو په صورت کې دې بزګر صاحب او دا نـور درانه افغان ويبپاڼې چلوونکي د هغو مرمـوزو او مغرضـو کسـانو ليکنــې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورلېږي يا خپـرې نـه کـړي او يـا دې په داسې يوه ټيټه او ځانګړې کټګـوري کـې خپـرې کـړې، چـې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لګې.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت درانه چلوونکي محمد طارق بزګر ته د زړه په مينه د دعوت د پاخه زلميتوب مباره کي وايم.

محمد امين بسمل

د جرمني له باير ن ايالت څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library

دريم څپرکی:

پیغامونه

د منزل په لور د دعوت دیرش کلن مزل

ولي الله ملکزی

که د نړیوال ستیج په پاسني لوړ کې، د نامي امپراطوریو او تهذیبونو د عروج او زوال تابلو ته ځیر شو، نو هرو مرو به مو یقین راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسیدلو لپاره په پیړیو پیړیو مزلونه شوي ترڅو د دوئ د ځواک څولۍ ډکه، ارته او وغوړیږي.
د رسنیو دنیا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو یو ستومانه او دیته ورته تاریخ لري. د لرغوني چین دنګ دیوالونه، د بغداد منارې، د بیروت کوڅې، د اروپا ښیرازه ورشوګاني او د امریکا سیلکن ویلي، ټول د دې شاهدان دي چې د نړیوال کلي جوړول او یوه څنډه له بلې سره نښلول څومره ګران، څومره هڅو او څومره شوګیرونوته اړتیا لري؟
له نن دیرش کاله وړاندې، د دعوت په نوم یوه کوچنۍ او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دې ستر کاروان له وروستۍ جوپې سره یوځای شوه او پدې زیره او شګلنه لاره یې قدم وهل پیل کړل. لا د خاړپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کې لمړنۍ شماره چاپ او ځما د ګوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پیسې نه وې او کله به د متوازنو اوغوښنو لیکنو او مقالو کمی وو، خو ټینګ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنګونو وه.
دعوت کومه اسماني صحیفه نده چې غلطي او اشتباه به نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننګه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننګوي چې د جګړې سپرغیو ته ببوزی وهي. دعوت د دریو لسیزو پدې اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاړه کړې او نه یې د څه واخله او څه راکړه سودا کړې ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رڼا مبارزه بریالۍ ګڼي او له کرکې څخه، کرکه لري. دعوت د مینې ساندې زمزمه کوي او د پخلاینې له شعار سره ستونې نرموي.
کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت خپروني د رواجي پاڼې په ځای د ویبپاڼې بڼه غوره او د انټرنیټ په نیلۍ سپره شوه، نو غږ یې د نړۍ په ډېرو

(c) ketabton.com: The Digital Library

برخو کي غوړونه پيدا کړل. دا اوسنۍ کليشه يې د يوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماينده ګي کوي او ښايسته ډېر څه پکې سترګو، سترګو ته کېږي.
څما کشر ورور او د يو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزګر د ښې حوصلې او څرګند لرليد خاوند دی. د مالي او تخنيکي ستونزو سره سره يې و کولای شول تک تنها دومره غټ او درونند پيټې ته اوږه ښکته کړي او دی ځايګي ته يې را ورسوي.
موږ وليدل چې د روسي ښکيلاک په مهال او بيا وروسته مرحله کې، د خدای بلا ورځپاڼې، مجلې او رقم رقم خپروني را ميدان ته شوې، خو په څومره چټکۍ چې راغلي وې په هماغه سرعت سره ترې تم شوې. ولې دعوت د وخت او شرائطو ګواښونو وارخطا نکړ، ميدان يې پرې نښود او د منزل په لور خپل مزل يې همداسې جاري وساته. دعوت نن لوستونکي لري، د افغاني رسنيو په کتار کي خپل پرستيژ لري او د خبر او څېړنو د يوې سرچينې په توګه ور باندې حساب کېږي.
هيله مند يم چې دعوت به د تير په څير، په راتلونکي کې هم د خپل دين، ولس او ارزښتونو په څنګ کې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپروني به لا وغوړيږي، لا به وځليږي او لا به ګړندۍ او ميړنۍ شي.

سکرمنتو، کليفورنيا - امريکا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت سره زما ملگرتیا

استاد عمر پاڅون

دعوت سره زما ملگرتیا ډیره پخوانۍ ده چې لسگونو کلونو ته رسیږي. دعوت هغه وخت په خاپوړو کې وو په قلم به په ځو محدودو مخونو کې په لاس لیکلی چاپیده. دا دی اوس دعوت په کمپیوټر او د انترنت نړۍ کې لوی او بیل ځای لري. دعوت یواځې یوه چاپي جریده نه ده د دې په څنګ کې څلور جلا ویبپاڼې، دوه پښتو او درې: www.dawatmedia24.com، www.afghansabawoon.com ، یوه انګلیسي www.dawatmedia.com او یو پښتو ټلویزیوني چینل www.astv24.com چې لا هم د کار لاندې دی، چې په دې سره دعوت یو رسنیز مرکز دی، یو ځواک دی، یو قوت دی.

زه بوډا شوم خو خوشاله یم چې دعوت خپله دیرشمه (۳۰) کلیزه لمانځي. اوس نو یو سړی په زغرده ویلی شي چې د خپل هیواد څخه بهر د افغانانو په ځانګړي ډول د پښتنو یوه نړیوال رسنیز مرکز (دعوت میډیا) شته. دا ټول د محمد طارق بزگر نه ستړیکیدونکې هلې ځلې دي چې په یواځې سر د دعوت جریده په ښکلی ډول چاپ او د نړۍ نېژدې ۵٦ هیوادونو کې خپلو افغانانو او غیر افغانانو ته رسیږي.

د هیواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافرۍ په ژوند کې د خپل شخصي لگښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسې ډول چاپ، خپرول او تر مینه والو رسول څه اسان او د هر چا د وس کار نه دی چې دا ټول محمد طارق بزگر صاحب په یواځې سر پرمخ بیایي. نو د لوی خدای (ج) په دربار کې ورته اوږد عمر او قلم یې تاند غواړم.

د دعوت درنو قلمي همکارانو، لوستونکو، مینه والو او په سر کې فرهنګیانو او فرهنګپالو څخه هیله لرم چې دعوت درنې میډیا او په سر کې د دعوت درونډ مشر محمد طارق بزگر صاحب یوازې پرې نږدي لکه چې تر اوسه یې یواځې پریښی نه دی. په راتلونکې کې همداسې خپلې ټولې مادي، معنوي او فرهنګي مرستې رواني وساتي، تر څو په بهر کې زموږ دا فرهنګي / کلتوری شمع تل روښانه وي.

شتوتګارت- جرمنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت په خپل دعوت او رسالت کي د افتخار وړ
او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده

ډاکټر صلاح الدین سعیدي

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده او د لمر حیثیت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنګه او یا ډېر ضعیفوي.

زه د دعوت د ویبپاڼې سره له یوې لسیزې زیات ډېر کلک روابط او علایق لرم او د دې پاڼې او نشراتو نه مو پوره ګټه اخیستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.

الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکوونکو او تنظیمونکو ته او په ځانګړي توګه جناب محمد طارق بزګر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې بریاوې په برخه کړه. ستاسې با مسؤولیته او ستر تنویري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانیت په ګټه، سولې او ښه تفاهم په ګټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتیژیک مرکز د علمي شورا په نمایندګۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم.

الله (ج) مو نور هم کامیاب او بریالي لره. ومن الله التوفیق

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر څه مي له دعوته زده کړه،
او ډېر څه نه پکې خبر شوم

نجم شینواری

د دعوت خپروني د ۲۹ کليزې په وياړ!

بزګر صيب! زه به درته ووايم، په ۲۰۰۲ کال چي زه مصر تـه د تحصـيل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهيدم، اخبار، تلويزيون هرڅه عربي، يو څه موده و روسته چي مصر کي د پښتانو افغان محصلينو سره لږ بلد شو، او د هغو کوټو ته تګ راتګ پيـل شـو، يـوه ورځ مـي د يـو افغـان محصل ګلاب سيد په کوټه کي د دعوت خپرونه وليده، ښه په غور غور مي ولوستله، ډېر مطالب پکي وو چي ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملګـري چـي نـوي راغـلي هغـو ځـان سره د پيښـور نـه يـا افغانسـتان نـه راوړې ده، ملګـري نـه مـې وپوښـتل دا مـو پاکسـتان نـه راوړي..؟ هغه وويل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ويل نو څنګـه راځـي؟ وايي دا په اروپا کي ځيني افغانان چاپوي، او بيا يـي پـر افغانـانو مفتـه ويشي، وايي تر مـا د مخـه دا پـه بنـدلونو راتلله، چـې چاتـه راتلـه هغـه محصلين تللی، خو خپرونه اوس هم په دي ادرس راځي... بيا بـه نـو زه هم ورته انتظار وم، چي رابه غله نو هغه به ولوستله، ورروسـته بـه زمـا وار وو.. ډېر څه مي پکي زده کړه، او ډېر څه نه پکي خـبر شـوم، او ډېـرې دعاګاني مو درته هلته کولی.. ولو چي ما تاسي نه پيژندلی... خو قسمت مو وو... او د پيژندګلوی هم يو جالبه کيسه ده... که تاسي ته ياده وي... ماته خو ياده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هيواد او ملت خـدمت تـه تل تاند اوسې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت رسنۍ، نهه ویشت کلنه شوه

عظیم الدین علیمي

دعوت رسنۍ نهه ویشت کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت میاشتنۍ خپروني د لوستني ویاړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشراتي ژوند بشپړتیایي پړاوونه په ډېره ښه توګه وهلي او د رسنیو په کتار کې یې خپل ویاړلی ځای موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هیواد د ادیبو، ژبپوهو، تاریخپوهو، ټولنپوهو، سیاستپوهو او په نورو برخو د مسلکي لیکوالانو پام ځان ته واړولی او د هغوي همکاري یې خپله کړې چې په پایله کې د نشراتي ډګر ځلانده خپرونه ګرځیدلې او په زرګونو لوستونکي یې موندلي دي.

په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوۍ سره د هیواد ستونزې له ملي دریځه څېړلي او د هیوادوالو د اذهانو په روښانتیا کې یې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.

د دعوت میاشتنۍ خپروني له لارې، د افغانستان ځوریدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنۍ د مؤسس او د امتیاز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزګر، شپه ورځنۍ هڅې او زیار د ډېر قدر او ستاینې وړ دي.

د دعوت خپروني د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت ښاغلي بزګر صیب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وایم او د بزګر صیب د لا زیاتې بریا هیله کوم.

هیره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزګر د دعوت میډیا ۲۴ په نامه د ویبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې یې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي یې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزگر»، دست اندرکاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادتمندی، کامگاری و موفقیت های شمارا تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کار های زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانهء هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت مندانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفهء تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همهء تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت له هماغه لومړۍ ورځې
خپل روښانه افغاني دریځ درلود

ډاکټر لطیف یاد

د دعوت درنه پاڼه چې د ۱۹۸۸ زیږدیز کال د دسامبر د میاشتې نه یې د ناروې په هیواد کې خپلې خپرونې پیل کړې دي د هیواد د نامتو ژورنالیسټ او لیکوال ښاغلي محمد طارق بزګر صیب په مشرۍ خپریږي. د خپریدو له هماغه لومړۍ ورځې نه یې خپل روښانه افغاني دریځ درلود او ویې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپریدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځلیږي.
دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دینې، ټولنیزو، تاریخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسیس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ویشت کلونه یې پوره کیږي، ډیر په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي یې دي.
د دعوت میډیا سینټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګریزي ژبو هم خپرونې کوي چې دغه ګام یې په رښتیا سره هم د قدر او ستاینې وړبولم.
زه د دعوت د ویاړلي پاڼې د نهه ویشتمې کالیزې په ویاړ ښاغلی بزګر صیب ته مبارکی وایم او ده ته د لا زیاتو بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزگر

عاشق فنا

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزګر د اوسنی نړیوال سیاسی-کلتوري تاریخ زرینی پاڼی دي. په دی زرینو پاڼو به کتابونه ولیکل شی او د بشری افتخاراتو په خزانه کی به خپل ځلانده او روښانه ځای ولری. طارق بزګر، دعوت او دعوت میډیا د افغانستان او افغانانو په ټولنیز ژوند کی د نوښت، بدلون او مثبت پرمختګ، علمی او منطقی زیری دی.
بزګر، دعوت او دعوت میډیا هغه انسانی روښانه څراغونه دي چی د ټولنی تاریکو برخو ته د علم، سعادت، پرمختګ، آزادۍ او خپلواکۍ رڼا خوروي.
د دعوت هره شیبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشریت ته مبارک شي!

عاشق لونګین فنا

مبتکر و صاحب امتیاز مدال جهانی «انسانیت، صلح، علم»

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و نُه ساله گی رسانۀ دعوت میدیا پُر میمنت

ف. هیرمند

مدت زیادی نمی شود که نوشته های ناچیزم را به وبسایت «دعوت میدیا» می فرستم که جناب طارق بزگر اداره و رهبری آن را عهد دار می باشد. این رسانه به دلیل نشرات ملی گرایانه اش، خواننده گان بی حساب دارد و با انتشار مسایل و مطالب روشنگرانه و وطنی و ملی خود عطش خواننده گان بی حساب هموطن خود را فرو می نشاند.

رسانه ای که مقتضیات زمان را بداند و به این درک اش مطمئن باشد که سرزمینی که برای خاک و مردمش نشرات دارد، نیازمند دریافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص می باشد.

این کشور در وضعیت وخیمی به سر می برد و نیاز اساسی دارد که در تحکیم و صیانت اتحاد باشنده گان آن کار خالصانۀ نشراتی به عمل آید و با این انتشارات، وحدت آنان هرچه بیشتر استحکام یابد و از ارزش های سرزمین یک پارچه و واحد کشور در هر گام تبلیغاتی، نگهبانی شده و در همین روند از دارایی های مادی و معنوی و هر داشتۀ افغانستان حراست به عمل آید.

وبسایت «دعوت میدیا» در این عرصه ها با مسؤولیت و حساسیت قابل توجه کار و نشرات می نماید و مساعی به خرج می دهد تا این آرمان ها با دقت و مؤثریت مطلوب تحقق یابند.

برای جناب طارق بزگر و سایر گرداننده گان نجیب این رسانه دعا و تمنای پیشرفت های بیشتر و بیشتر را دارم. افتخار ماحصل فعالیت رسانۀ دعوت میدیا به همۀ شما مبارک!

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت درویشتمه کلیزه دې مبارکه وې

انجنیر فضل احمد افغان

زما ګران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزګرصاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نیکې هیلی تقدیمه وم.
زه ډیر خوشحاله یم چه د دری کالو را په دیخواه ستاسی د ډیر درونـد علمی، دینی، سیاسي او اجتماعی ویبپاڼې نه استفاده او ډیری ارزشمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمینان سره ویلای شم هغو وطنوالو چه په تیرو درویشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نه ګټې پورته کړی وي باید اوس په دینی، سیاسي او اجتماعي علومو کی لکه یو اکادیمسین په څیر د ملي او بین المللی چارو باندیې هر اړخیز بحث او لیکنی وکړی.
زه ویاړم چه د دعوت د ویبپاڼی سره اړیکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځې مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دین، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم او د دعوت درویشتمه کالیزه د زړه له کومی تاسی او ټولو ګرانو وطنوالو ته مبارکی وایم. خدای دی مل شه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال پُر فیض دعوت مبارک باد!

انجنیر فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهایت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخیر با داشتن افتخار استفاده از ویبسایت وزین دعوت، توفیق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاریک، بی علمی خود را با مسائل سیاسی، اجتماعی و علوم دینی منتشرهء ویبسایت وزین دعوت تنویر کنم. به یقین آن خواهران و برادران هموطنم که در بیست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزیز ما در دعوت مستفید شده اند، امروز به حیث شخصیت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظیفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پیشبرد وظیفهء مقدس ملی که عبارت از تنویر و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصیت های ملی هموطن ما، خاصتاً در این مقطع زمانی که مادروطن عزیز در آتش جنایتکاران داخلی و خارجی می سوزد، میباشد. این مؤفقیت بزرگ را به شما برادر عزیز و هموطنان میهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنویر می کنند، از صمیم قلب تبریک عرض و از بارگاهٔ خداوند متعال، آرزوی مؤفقیت های مزید شما را می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د اديسي ادبي ټولنې پیغام

پښتون هر وخت د توپک او جنګ په دوستور ویاړلي دي، ده دا دوستور لمانځلي دی، او د تاریخ پاڼې یې هم په د دستور رنګینې کړې دي، نو ځکه د پښتانه په کور کې د جنګ او د دغه ویاړلي تاریخ دغه بدرنګ دستور لا تر اوسه هم لمانځلې کیږي؛ خو بل طرف پوهه او قلم دي چې نني پرمختللي جهان ترې برخمن دی او راتلونکې یې هم روښانه ښکاري، مګر پښتنو پدې برخه کې ډېر کم فکر کړی دی چې د پوهې او قلم سړې د سر سړې بلل کیږي، خو دا بیا زموږ ګاونډیو هیوادونو درک کړې ده چې زموږ د پوهې او د قلم سړې یا د مرګ کندې ته ورغورځوي، یا دوی باید د غربت شپې د بل په دیار کې صبا کړي او موږ لا تر اوسه پدې فکر کې نه شوو چې د پوهې او د قلم خاوندان باید ولمانځل شي، ونازول شي، تر څو پدې لار کې نور خواري هم وکړي.

جنګ په هر رنګه حلاتو کې پښتون ګټلي دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلري. علت یې دا دی چې پښتون جنګ ګټلی دی، خو قلم یې بایللی دی.

د افغانستان په ټولنه کې عموماً ډېرو کمو خلکو دیته پام شوی دی چې علم او پوهه د یوه هیواد راتلونکې مسیر ټاکي. هغه چا چې د علم او پوهې څخه ګټه لیدلې او ترې خوشاله دی، ځکه چې ده په دغه لاره کې ډېر زیار او زحمت ایستلی دی چې نورو ته یې هم ګټه ورسیږي، ژورنالیست، لیکوال ښاغلی محمد طارق بزګر صیب یادوم.

ښاغلی بزګر صیب د ژوند په دغه راز پوهیدلی دی چې علم او پوهه د انسان راتلونکې تقدیر او تدبیر کې جوړونکې رول لري، او همدغه علمي پوهه ده چې نن انسان تر مریخه هم رسیدلی دی.

ښاغلی بزګر صیب د پښتنو او پښتو ژبې له حاله خبر سړی دی، او ده محترم دا درک کړې ده چې هر انسان باندې خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لري چې ورته خدمت وکړي، نو ځکه باید سړی په ځان شپه او ورځ یوه کړي او عملي کار وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی بزګر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چی همدم ګړی د دعوت ورځپاڼی او دعوت ویب پاڼی چلونکی مسوول دی، او همدارنګه په علمی سیمنارونو کی برخه اخیستل، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یی بله بیلګه ده.

ښاغلی بزګر صیب د ملی یوالی په برخه کی هم بی تفاوته نه دی پاتی شوی، او نن یی خپل ځان تر هغه سرحده رسولی چی موږ یی باید قدر وکړو او ستاینه یی وکړو.

د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځ به نورو ته هم دا جرات ورکړی چی دوی به هم په دی لار کی زیار او زحمت وباسی، او په دی به پوه شی چی عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس.

ښاغلی بزګر صیب ته د اوږد ژوند هیله لرو، په علم، پوهه او قلم یی برکت شه او په اخیر کی د سویډن په هیواد کی زموږ مسافر میشتی ورونه ((د زلمو پاڅون)) ته د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځی مبارکی وایو، ستاسو په همت او وطنپرستی افرین. ستاسو د لا نورو بریاو په هیله.

د ادیسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د هر چا نظر او هیلې خپرې کړې دي

نیک هدایت ځاځی

نیکې هیلي او سلا مونه!
زه د دعوت اخبار ۲۳ کلنۍ په اړوند او همدارنګه دعوت ویبپاڼي او د پښتو لمړني انترنېتي تلویزیون په اړوند کوم چه په ډیرو مالي مشکلاتو او کمو امکاناتو د هیواد تکړه او پر افغانستان مین خبریال او لیکوال قدرمن محمدطارق بزګر تر مدیریت او مسئولیت لاندي په کار او فعالیت شروع کړي ده، خورا اغیزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چي د هر چا نظر، هیلي یي په دعوت کي خپرې کړې دي؛ پوره بې طرفي، استقلالیت، رښتینولي او د هیواد د وولسونو، قومونو، لیکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه یي کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نو له دې کبله دعوت ۲۳ کلیزه د دعوت رهبرۍ هیئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وایم. د لوي خدای (ج) له درباره ورته لاډیرې بریاوې غواړم. ورسره هیله کوم چي افغانان دعوت اخبار، ویب پاڼی او د لمړني پښتو ټلویزیون سره تر خپل توان پوري مالي مرستي وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلویزیون لاغني شي.
ستاسو لابریاوي زما هیله او ارزو ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د دعوت د مجلې او ورسره موازي د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم

محمد ایاز نوري

د دعوت د رسنیو د مرکز محترم مشر، افغان ملي شخصیت محمد طارق بزګر او ملګرو ته! سلامونه او شې هیلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ویب پاڼې درویشت کلنه کلیزه د زړه له کومې درته مبارکي وایم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجودیت او خپرونې زمونږ د افغاني ټولنې د اکثرو په ژبه یعنې په ویاړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټیز لوی اهمیت وړ موضوع ده، ځکه زمونږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خیانت ورسره شوئ او دا کرغیړنه لړۍ همدا اوس هم روانه ده. په دې بهیر کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازي د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم او په ځانګړي توګه د خپل ورور د افغان ملت خدمتګار محمد طارق بزګر صاحب زیار او قرباني ډېره ستایم. که د بزګر صاحب ملي احساس او مستمر زیار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ بریالیتوب ته نه وای رسیدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت په ویلو استوار ول او دي. قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې یوه رسنۍ د یوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کیږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاین ور نشي ورټکولای.

د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختګ کړئ او کافي افغانان یې په دننه د هیواد او بهر کې هره ورځ او شپه ګوري او خپله لازمه استفاده ورڅخه کوي.

د دعوت د ویب پاڼې په هکله زما یو وړاندیز دا دئ، چې د هر لیکوال په نوم، یوه د آرشیف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د لیکوالانو د آرشیف په نوم چې که خپله اړونده لیکوال او یا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تیار او ورپه لاس ورشي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د یوه افغان په حیث، چې هیواد او ملت مې ډېر راته ګران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کلني هر افغان پال او آزادی پال وطنوال ته ورمبارکوم. عالیقدر محمد طارق بزګر صاحب ته شه روغتیایي حالت نوي او نوي بریالیتوبونه په شخصي او ملي ژوند کې د لوی الله څخه غواړم. بزګر صاحب! یوازې نه یې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان یو خدمتګار
محمد ایاز نوری

(c) ketabton.com: The Digital Library

منته، ستاينه او خواله

استاد محمد اسمعيل يون

ښاغلی فرهنګپال او فرهنګپال محمد طارق بزګر ته!
سلامونه او احترامونه مې ومنه، هیله لرم په ټولو نیکو ورځنیو چارو کې بریمن اوسې. تیر کال مې پېښور کې د ((دعوت)) یوه ګڼه ترلاسه کړه> رښتیا خبره ده چې سترګې مې پرې خوږې او د زړه باد مې پرې کیناسته. ډیره موده کېده چې د داسې یوې خپرونې په لټه کې وم چې زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورګره وي، خو د ډیرو خپرونو کتنه او د هغو له چلوونکو سره به مو چې لیدنه وکړه نو چا به د ټاکلي ((پالیسۍ)) په وجه، چا د ((مجبوریت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو په وجه د ټکېدلو زړونو د فریادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د څیرو له ښکارندویی څخه اوړې تشولې. خو دلته هم د ځینو اشخاصو له خوا ځینې وختونه یوه نیمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډیرو دردونو د یوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده توګه چې ((دعوت)) د پېښو څرګندونه کوي، زموږ په اوسنیو خپرونو کې یې بیلګې ډیرې لږې دي. په ځانګړي ډول هغه ستر او ملي رسالت چې خپرونې یې باید پوره کړي، هغه په دعوت کې زیاته ځلا او تجلا مومي.
آره خبره خو دا ده چې ډیر کلونه کیږي زموږ د ژبې، فرهنګ او ملي هویت ړنګونې او له منځه وړلو لپاره د نژدې او لرې دښمنانو له خوا ښکاره او پټې هڅې رواني دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول څرګندې او په ډاګه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهیسې هم روان وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې وای، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنګینه ټاپې لګول کېدې. د ((ملحد واکۍ)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړې وای نو هغه خو د ((فاشست)) په نوم یوې کندې ته غورځول کېده، خو د نورو قومونو او ژبو په ځانګړي ډول د ((فارسي)) له پاره بیا خبره سرچپه وه. کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه (انترناسیولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغله نو دوی خو لا

(c) ketabton.com: The Digital Library

نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واړولي او ویې ویل پښتو او پښتونولی خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پر نوم چې کومه اخوانی ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بې شمیره ورانیو تر څنګ یې د افغاني ـ پښتنی ارزښتونو او کلتوري شتمنیو په ړنګوني او لوټوني پیل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سیمې ځینې هېوادونو د افغانستان او په خانګړې ډول د پښتنو لرې او نږدې، نوو او زړو دښمنانو هم ګډون درلود او لري یې.

لکه څنګه چې څرګنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولو کې پښتنو غوڅ او ټاکوونکی رول درلود، خو بیا هم له هغو وروسته د اسلامي حکومت په نوم یو پښتنی ضد نانـدریزه اداره جوړه شوه د ((شني لیکي)) پیروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونه یې د ((پان اسلامستان)) ګڼل او د خپلې ژبې او قوم په باب یې هغه د چا خبره غوړ هم نه ګراوه. په پایله کې پښتانه په ټولیز (کلي) توګه په څو ډلو وویشل شول: [۱] انترناسیونالستان (د سرې لیکي پلویان)، [۲] پان اسلامستان (د شني لیکي پلویان)، [۳] بې تفاوتان (بې خبره پښتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه یا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه یې هېره کړې او عملاً د پښتو په ضد ودرېږي)، [۵] روڼ اندي (روڼفکره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخې عملاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولۍ ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شمیر ډېر زیات نه دی، ایله دومره ځواک لري چې له ستمي پښتنو سره یې مقابله کې ولګوي. د انترناسیونالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خو لا پرېږده چې وخت په وخت یې پښتو ژبې او پښتنو ته درانه زیانونه اړولي دي.

کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پېښو انځورونه مې پکې ولوستل. د ناوړه پېښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورته اوچته شوې او نوره هم اوچتېږي. موږ خو اوس لاس تړلی، او فکر تړلی اولس یوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي تړلی.

تر کومه ځایه چې په نورو ژبو او لږکیو قومونو پورې اړوندېږي، پښتو پالنه او یا پښتونولي د چا له ژبې سره د کینې او تعصب مانا نه لري. روڼ اندي پښتانه په دې اند دي هغه حق چې فارسي ژبو ځان ته

(c) ketabton.com: The Digital Library

حاصل کړی او ساتلی، پښتانه هم باید ورځخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او ګرېدل جرم نه دی. او که دا کار جرم وګڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.

ښاغلی بزګر صاحب! موږ اوس په هېواد کي له نوموړې ستونزې سره مخ یوو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهیږئ، ځکه چي همدا درد ستاسو په زړه کي هم ځپي وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکني درولیږو، خو مونږ او ستاسو تر منځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکني مو ناوخته دررسیدلی، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکي د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی
ستا د پښتنی او انسانی لارې یو بل یون
مارچ ۴/۱۹۹٦- پېښور

(c) ketabton.com: The Digital Library

په سټوکهولم کې ښاغلی محمد طارق بزګر وياړشو

د زلمو پاڅون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولنې په نوښت، د ژمني سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډيسمبر په لسمه په سټوکهولم کې د ګران هيواد افغانستان د وياړمن فرهنګي شخصيت او نوميالي ژورناليست ښاغلي محمد طارق بزګر په درناوی، ستاينغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سويډن د مالمو ښار او د سټوکهولم له بېلابېلو کميونونو څخه افغانانو ګډون کړی وو. ډيری ګډونوال د هيواد ځوان پښت وو. يو شمير يې د زلمو پاڅون ټولنې غړي او په ټوله کې د هيواد راتلونکي علمي او فرهنګي شتمني ده چې پخپل ګډون سره يې غونډه لا پرتمينه کړې وه. د راغلو ميلمنو په منځ کې ښاغلی حبيب الله غمخور له مالموښار څخه دې غونډې سره د مالمو ميشتو افغانانو د يووالي او پيوستون بېلګه انځور کړې وه.

غونډې ته د ناکې کميون (Nacka kommun) د لوړ ښوونځي (ليسه) په کنفرانس هال کې تياری نيول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتيب سره مخې ته بيول کېده.

غونډه په يوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکريم د څو مبارکو ايتونو په تلاوت پيل شوه، ورپسې د افغانستان ملي سرود وغږول شو. روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې يې پر مخ بيولې، ښاغلي محمد طارق بزګر، ښاغلي حبيب الله غمخور او ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دريځ (لوژ) کې خپلو ځايونو ته ولاړ شي. ورپسې ښاغلي هوسا د پاڅون ټولنې يو مشر غړي نصرت الله ننګرهاري ته بلنه ورکړه چې د ټولنې په استازيتوب ميلمنو ته ښه راغلاست ووايي او د زلمو پاڅون ټولنې په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلی ننګرهاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلی قريب الرحمن سعيد پيغام ولوستل شو.

د غونډې وياند ښاغلی سرلوڅ مرادزی ته بلنه ورکړه چې مايک ته راشي، چې ښاغلی مرادزي د سټوکهولم د استوګنو په استازيتوب يې ښاغلي بزګر او د غونډې نور ګډونوالو ته هرکلی او ښه راغلاست ووايه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوموړي د بزګر صاحب د ۲۳ کلن ویاړمن فرهنګي خدمت ستاینه وکړه. هغه، ښاغلی بزګر د هیواد ملي ګتهو او د افغانانو ملي یووالي ته ژمن شخصیت وباله او د مهاجرت په شرایطو کې یې د ښاغلي بزګر په نوښت او میړانه د د عوت د جریدې او په را روسته کې ورسره د بریښناپاڼې په بریا چلولو کې د نوموړي هڅې او زیار د قدر وړ وګڼه. هغه په وینا کې زیاته کړه، دا چې بزګر صاحب غواړي نږدې راتلونکې کې په پښتو ملي ژبه یو نړیوال ټلویزیون فعال کړي او په دې لار کې نه ستړې کېدونکې هڅې کوي. داسې زیار یې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوڅ مرادزي له عالمانه او هر اړخیزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د دروند استاد روستار تره کي پیغام د غونډې ګډونوالو ته واورول شو. له دې روسته یو زیات شمیر پیغامونه چې د نړۍ له بېلا بېلو هیوادونو او لویو وچو څخه د هیواد دردمنو لیکوالانو، شاعرانو، ژورنالیستانو، د ادبي او فرهنګي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزګر په ویاړ او درناوۍ رالیږلي وو او په هغو کې د بزګر صاحب ۲۳ کلن فرهنګي هڅې او د ژورنالیزم په ډګر کې د نوموړي د زیار او هاند ستاینه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته یو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرګه کېدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سیف الرحمان شیرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت ځواکمن پیغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (ګلستان) پیغام له کوټې څخه، ښاغلي همایون ننګرهاري د نیک هدایت ځاځي پیغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجینر فضل احمد افغان پیغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاوید مومند د عمر پاڅون پیغام له جرمني څخه، د مالمو څخه د ډاکټر حکمت الله حکمت پیغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدین شعر د بزګر په ویاړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پیغام، د بلژیک څخه د ښاغلی امین باوري پیغام او د اوکراین د ادیسې ادبي ټولنې پیغام. له دې سربېره د وخت د کمښت په لامل د یو شمیر نورو پیغامونو لنډیز د غونډې د چارو د کوربه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې ګډونوالو پخپلو تودو ولولو بدرګه کړ.
د غونډې ورپسې ويناوال له مالموښار څخه راغلی دروند ميلمه ښاغلی حبيب الله غمخور و چې په زړه پورې وينا سره يې د غونډې ګډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وينا په يوه برخه کې وويل: زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه يوازې فرهنګی شخصيت دی بلکې يوکارنده ژورنالست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره تولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم ليکل شوي چې د ده د پوهې او وطني مينې ښکاره بېلګه يې ګڼلای سو.
ښاغلی محمد طارق بزګر نه يوازې د بيلوبيلو مقالو په ليکلوسره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په اسمان کښې د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې يې نه يوازې دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي څېړونکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولي، دا دي اوس يې د ۱۹۹۷ کال راپه ديخوا د دعوت جريدې د خپرېدو تر څنګ دعوت ويب پاڼه پرانيستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د خپرولو پوره امکانات برابر کړي دي.
ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په ترڅ کې وويل چې بزګر د نړيوالو ليکوالو او ژورنالستانو له خوا ياد شوي او منډه ترې شوې ده او د خپلې دې خبرې له پاره يې د امريکايي ليکوال ښاغلی بروس ريچاردسن د کتاب حواله ورکړه چې پښتو ژباړه يې ((افغانستان: رښتيا پلټنه)) نوميږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د وياړ ځای دی او د دغه کتاب ليکوال د ښاغلی بزګر څخه په دغه کتاب کې منښه او يادونه کړې ده.
ښاغلي غمخور، بزګر صاحب ته راوړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزګر په ډېرې منښې سره واخيسته.
بل ويناوال ښاغلی حفيظ الدين پيرزاده و چې د بزګر صاحب د فرهنګي او ژورناليستي ګټورو خدمتونو ستاينه يې وکړه او د ستر ليکوال او شاعر ګل پاچا الفت په خوږو شعرونو سره يې غونډه توده کړه.
همداراز ښاغلي ډګروال حليمي صاحب هم پخپل وار سره د بزګر

(c) ketabton.com: The Digital Library

صاحب د فرهنګي هڅو په وياړ خپلې څرګندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزګر د تېز او غوښنده قلم ستاينه يې وکړه.
د غونډې د چارو کوربه د چای او دمې لپاره نيم ساعت اعلام کړ او له چای روسته د ښاغلي بزګر په ژوند يو لنډ مستند فيلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړی وو.
د غونډې په روستۍ برخه کې بزګر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د ګډونوالو د پوره پاملرنې وړ وګرځېده.
بزګر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنګه ښاغلي بزګر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنګي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رالېږلي وو، دوی ته کورودانې ووايه او د دوی له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرګنده کړه.
ښاغلی بزګر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه ګڼم! څه چې ما کړي يوازې د يو افغان او پښتون په توګه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړی دی. او که خبره د دعوت وي د دعوت برياليتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دی چې تل يې د خپل وس په اندازه په تيرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړې دي.
بل خوا بزګر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کوليکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالۍ کړ او په همدې توګه يې يو کوليکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالۍ کړ.
په پای کې د زلمو پاڅون ټولنې لخوا يو ستاينليک ښاغلی بزګر صاحب ته د ښاغلی ډاکټر سرلوڅ مرادزی او د ښاغلی حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د ځلور بجو شاوخوا کې پايته ورسېده. د غونډې ويډيويي فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

ګران محمد طارق بزګر

محمد یوسف هیواددوست

یادونه:
د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر، شتون په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد ګل خان مومند:

پښتو د بڼ چونې یم شور به کړمه پښتنو ته
تل دوي ته په وینا یم که وم وم که نه وم نه یم

زما خبرې تل سپیني دي او له همدې امله هیڅ مجبور نه یم یا د چا بې ځایه توصیف او تعریف وکړم او یا یې بې ځایه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزګر صیب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هیواد د ژورنالیزم او په تېره بیا له هیواد څخه د باندې د افغاني ژورنالیزم تاریخ به د هغوی نوم هم په زرینو کرښو ولیکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کېږي چې د ګران افغانستان د ژورنالیزم او ادب د ګلالي بڼ دغه عندلیب او د دغه په زړه پورې بڼ دغه مالیار سره له دې چې له هیواده د باندې په ناروې کې د مجبوریت او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زېږونکي هیواد د تاریخ او زموږ د فرهنګپاله ولس د پایښت او ښایست تراني غږولي، په لکونو مخه پاڼې یې تورې کړي، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډیزاین، ځرنګوالی او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت یې پر ځان تېر کړی. په لکونو واره یې تا او ما ته ټیلیفونه کړي، فاکس او تیلګرام ته ناست و او له هر چا یې د اخبار لپاره د مطالبو د لیکلو هیله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سیمو کې د مظلوم غږ تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم یې افشا کړی، د افغانستان او له هیواد نه بهر د لسګونو مطبعو دروازې یې ټکولي، او په زرګونو خپرونې یې تر ما او تا رارسولي.

ګران او نه ستړی کېدونکی ژورنالیست ښاغلی محمد طارق بزګر یادوم! همدغه د یوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغاندوسته فرهنګیال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې یوه شېبه هم د

(c) ketabton.com: The Digital Library

((دعوت)) د ملي او درنې خپرونې له په زړه پورې خپرېدو لرې پاتې نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، مېړانې، پاڅونونو، سرلوړيو، ښاديو او رازونو سره ملګرې پاتې شو. ((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شين)) ښامار، بدمرغه مخ او ناوړه نيتونه يې ولس او نړيوالو ته بربنډ کړل. ((دعوت)) و چې په سيمه کې يې د ښکېلاک او زبېښاک د ((سترې لوبې)) ټول اړخونه او ((تياره)) ګوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو يې پردې لرې کړې. دغې خپرونې پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موږه راورسول.

((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړيوالو ليکوالو او غوره څېړونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، څېړنو، راسپړنو، مرکو، رپوټونو، خبرونو او تحليلونو رنګين کړل. د ژورناليزم ټول بنسټونه او اصول يې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، ګونګه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معياري ده، په تېره بيا تل يې پښتو ګرامر او په ځانګړې توګه پښتو ((ی)) ګانې سمې کارولې دي.

لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت يوه اړتيا ده. د دغه شان يو مدبر او مدقق ژورناليست لکه ګران محمد طارق بزګر شتون، په افغاني ژورناليزم کې يو وياړ او د الهام وړ دی.

زه په دې توګه ګران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزګر ته د ((دعوت)) د ۳۱ کلنۍ مبارکي وايم او د دې خبرې څرګندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کې ځان شريک بولو. بزګر صيب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځلوړم ځپرکی:
د بزګر ځیره

در مستند ناروېژی «پناهنده»

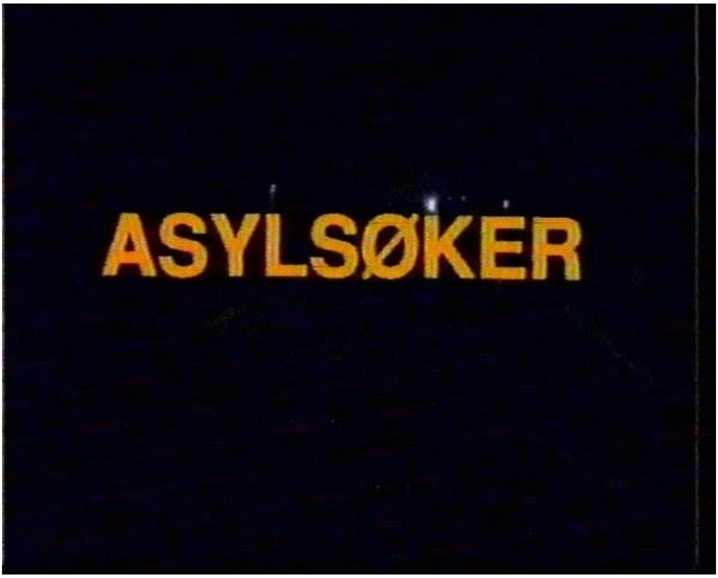

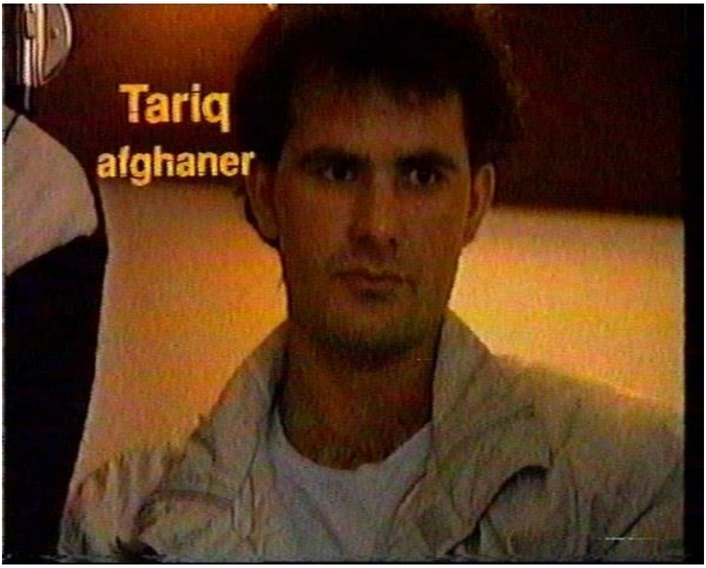

(c) ketabton.com: The Digital Library

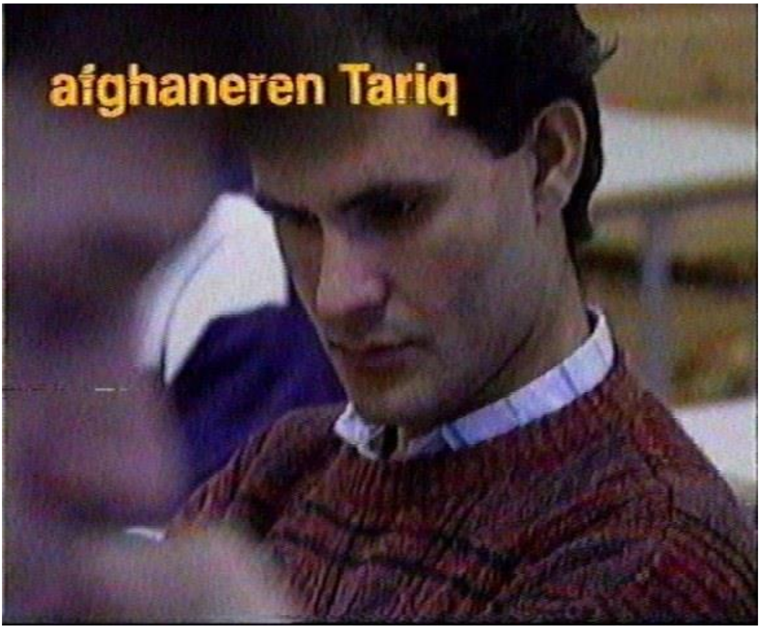

(c) ketabton.com: The Digital Library

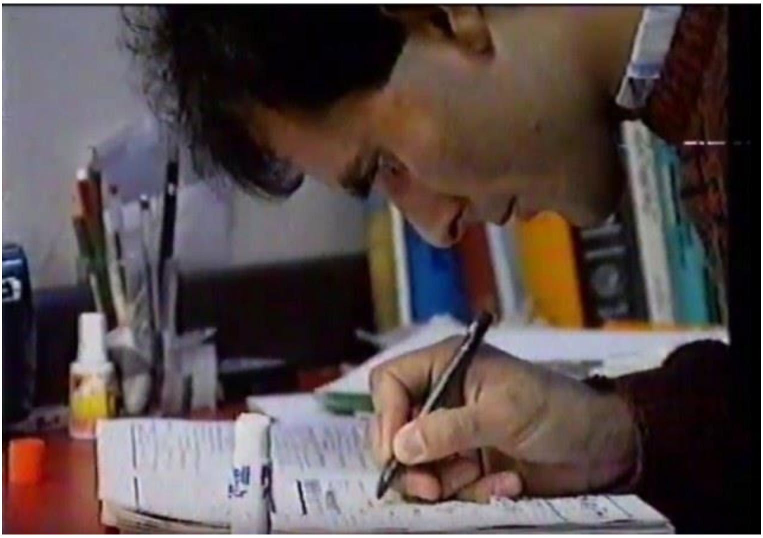

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

در مطبوعات غربی

Romerikes Blad

– Takker Gud for at DATTEREN MIN LEVER

Strømkabel drepte hunden

Niåring fikk strøm gjennom seg

SIDE 8 OG 9

– Misbrukte Shahs gjestfrihet

KRITISKE: Afghanske Tariq Bazger og kona Nooria har lest Åsne Seierstads bok. – En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

Av GURO HOFTUN GJESTAD og JANNE MØLLER-HANSEN (foto)

Redaktør Tariq Bazger forstår godt at hans venn, bokhandler Shah Mohammad, ble sjokkert da han leste Åsne Seierstads bok.

– Forstår? Jeg mer enn forstår at han ble sjokkert, sier Tariq Bazger. Han har bodd i Norge i ... år, og er redaktør for avisen Dawat, som kommer ut til afghanere i 45 land.

– Åsne Seierstad har misbrukt Shah Mohammads gjestfrihet ved å beskrive hans familie og hans privatliv. I Afghanistan heter det at «hvis jeg har spist ditt salt, er jeg en del av din familie. Jeg er takknemlig overfor deg og respekterer deg». Det betyr at hvis du har vært noens gjest, ønsker man ikke vertskapet noe vondt, forklarer Tariq Bazger.

Tariqs kone Nooria leste boken i sommer og reagerte på hvordan Åsne Seierstad beskrev et helt land ut ifra møtet med en familie.

– Åsne Seierstad gir en del feilaktige bilder i boken. En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

– Man skal huske på at ...

... mel og jord. Det finnes dårlige mennesker og gode mennesker ... og la han beskrive det han ser. Da vil han kanskje si at norske kvinner er billige. Rett og slett fordi han ikke kjenner kulturen, sier Tariq Bazger.

Han har truffet Shah Mohammad i Pakistan og kjøpt mange bøker av ham.

– Han gjør en veldig bra jobb. Det finnes mange bokhandlere i Kabul, men han er det eneste som selger bøker til utlendinger i Afghanistan, sier Tariq Bazger.

Overrasket

Som journalist og redaktør er Tariq Bazger svært kritisk til Åsne Seierstads fremgangsmåte:

– Skriver man om Afghanistan og dets politikk, skal man ikke ta hensyn til om makthaverne liker eller ikke liker det du skriver. Men hvis man ...

(c) ketabton.com: The Digital Library

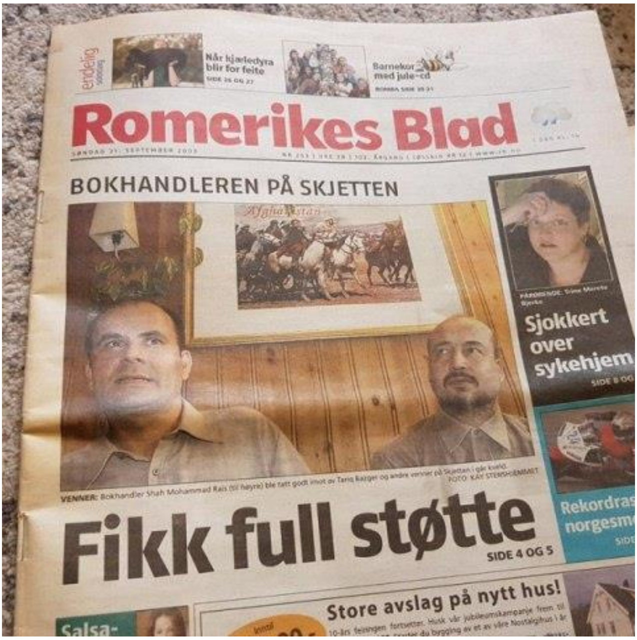

Når kjæledyra blir for feite

Barnekor med jule-cd

Romerikes Blad

BOKHANDLEREN PÅ SKJETTEN

VENNER: Bokhandler Shah Mohammad Rais (til høyre) ble tatt godt imot av Tariq Razgar og andre venner på Skjetten i går kveld.

Fikk full støtte

SIDE 4 OG 5

Sjokkert over sykehjem

Store avslag på nytt hus!

Salsa-

Vikebladet/Vestposten

LAURDAG 28. OKTOBER 1989 11

Den stolte, hogreiste 23-åringen frå diplomatfamilien i Kabul prøvde seg på kroppsarbeid for første gong i sitt liv på Skaarfish i Hjørungavåg - med svært dårleg resultat! Ja, det stemmer, det var faktisk første forsøk - om vi då ser bort frå den gongen far til Tariq sette han til å hogge ved i tre samfulle dagar i sprengkulden, som straff for ein dårleg matte-karakter.

Geriljaleiaren likar ikkje lettvinte jenter

(c) ketabton.com: The Digital Library

LAUSSAL KR 4,00

Vikebladet Vest Posten

INSTALLASJON
• Lang erfaring
• God kvalitet
• Topp service
Ulstein Elektro AS

NR. 113. 61. ÅRGANG LAURDAG 28. OKTOBER 1989

Fløstranda godkjend:

Ingen rotter, ingen røyk

Fylkesmannen har no godkjent at SSR driv grovavfallsplass i det nedlagde steinbrotet i Fløstranda.

Kidnappa banksjef

Livet har vore langt

Libra-akustikk i Olavshallen

Vikebladet/Vestposten

Første opphaldsløyve for afghanarar

Asylmottaket på Hareid:

Næringslaget sikra lokal leveranse-pak[ke]

Ny runde i «Grimstadvatnet Rundt»

Farhad kom åleine hit 17.oktober 1988. 15.januar i år fyller han 16 år. Onsdag fekk unggutten brev om at han har fått opphaldsløyve på humanitært grunnlag. Han er såleis ein av dei få heldige afghanarar her i landet som har motteke eit positivt svar frå departementet før 15 månaders-regelen tok til å gjelde.

Tareq - også frå Afghanistan, kom til Norge 4.oktober 1988. Han vart lenge halden på pinebenken. Først 1. september 1989 fekk han melding om at han ikkje fekk vere her i landet. Han anka, men har enno ikkje fått svar på anken. Torsdag 4.januar var det 15 månader sidan han kom hit. Fristen er ute, men kva lagnad departementet vil gje han, er framleis uvisst.

Vazeer er ein 37 år gammal kurdar frå Tyrkia. Han kom til Norge 5.oktober 1988. Tidleg i fjor vår fekk han høyre at politiet ikkje fann att papira hans, og at dei ville kontakte han for

Haidar er 35 år, også frå Af-

(c) ketabton.com: The Digital Library

Afghanarane ved asyl-mottaket

Flytter frå Hareid

«Lenge leve vennskapet mellom det norske og det afghanske folket» står det på plakaten bak. No tar Tareq og dei andre afghanarane inn til «afghansk kveld».

Ved asylmottaket på Hareid er åtte afghanarar i oppbrots-stemning. Frå Skedsmo kommune utanfor Oslo har dei fått beskjed om at dei er velkomne til å etablere seg. No ventar dei berre på endeleg avreisedato.

• ANNE GRY EILERTSEN

Tareq, Heidar og Hussein er dei afghanarane som har budt lengst på Hareid, ca. 16 månader. Og på ...

... seg sjølve, til eigen hybel eller husvære utanom eit asylmottak. Og i alle fall Tareq har planane klare for kva han vil gjere når han kjem til Skedsmo. Han vil først ta ... , og så studere politikk ved Universitetet i Oslo.

Men før dei reiser frå Hareid takkar dei for seg på Hareid med å arrangere ein «afghansk kveld» på Hareid bedehus 8. mai.

Til utstillinga under denne kvelden har Tareq skaffa ein god del bilete, både afghansk kunst og foto frå folkelivet i Afghanistan. Han vil også snakke om situasjonen i landet og vise film/video med musikkinnslag og glimt frå krigen.

I Afghanistan har dei mellom ... millionar afghanarar drepne, 387.000 menneske er blitt handikappa og 3 millionar har rømt til Pakistan, 2 millionar til Iran.

På utstillinga blir også ein del bøker på norsk og engelsk om Afghanistan til sals, og Afghanistan-komiteen vil samle inn pengar til hjelpearbeidet dei driv.

For bygdefolket kan dette bli eit av dei siste møta med Tareq, Heidar, Hussein og resten av afghanarane. Dei håper mange møter opp på «Afghan-kvelden».

Ein av dei hadde forresten ei fin «oppsummering» om tida på Hareid: - Sjøl om det ofte er kaldt på Hareid, så har folket her eit svært varmt hjarte!

Vikebladet VestPosten

INSTALLASJON
• Lang erfaring
• God kvalitet
• Topp service
Ulstein Elektro AS

Nr. 48 62. ÅRGANG TORSDAG 3. MAI 1990

Flott 25-års jubileum

Fotballen rullar...

Hareid Skulekorps har hatt 25 års-jubileum. Det feira dei først med eit vellukka korpstreff for 500 «gjester» frå laurdag til sundag. Så var det jubileumsfest med 200 deltakarar 1. mai.

... feiring

Billig på daglegvarer

(c) ketabton.com: The Digital Library

VP · fredag 7. april 1989

LOKAL HØYRING OM AFGHANARANE SIN SITUASJON

RESULTERTE I LOKALT POLITIKAR-OPPROP

PARTIA BØR TA OPP SAKA

Tredje steget

PEDER MASEIDE:

Folk å minnast

KR. 80,—

Afghanistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vikebladet/Vestposten

Tareq har fått svar

Avslag etter 11 månader

Inga Hareide

Sist fredag fekk Tareq Bargzeh frå Afghanistan melding om at søknaden hans om opphaldsløyve her i landet var avslått. I elleve månader har han venta på svaret, vona på at tida var til hans fordel. Han er redd for at det kan bli gjort alvor av dei trugsmåla han har motteke for skrivinga si om han blir sendt attende til Pakistan. Men UDI vurderer saka annleis, dei viser til brudd på 14 dagars-regelen og meiner difor han må reise attende til Pakistan. Framleis held altså departementet fast på at 14 dagars-regelen også skal gjelde for Afghanarane, sjølv om det er allment kjent at det let seg ikkje gjere å flykte direkte frå Afghanistan til eit europeisk mottakarland.

Tareq har si utdanning frå universitetet i Kabul med politikk og juss som fag. I hovudsak var han oppteken av politikken i sør- og sentral-Asia. I studietida virka han som distributør av illegal propaganda mot det kommunistiske regimet. Men han vart oppdaga og sett i fengsel i Kabul. Etter ti månader her vart han flytta til eit fengsel i den austlege delen av landet. Men under ei bombing av fengselet makta han å flykte, og kom då [illegible] mujahedin gruppe. [illegible] han leiar for ei avdeling geriljasoldater.

Allereie då fekk han åtvaringar mot skrivinga si. Ein høgtståande leiar av ein annan gruppe, såg med misstro på denne soldaten som hadde si utdanning frå universitetet og ikkje den religiøse skulen. Tareq byrja føle seg truа, og flykta til Pakistan. Men heller ikkje her følte han seg trygg. Dei mektige leiarane hadde og ein høg posisjon i dette landet. I tillegg hadde både KGB og HAD folk plassert i flyktningemiljøa. Tareq såg inga anna løysing enn igjen å kome seg på rømmen.

Her i landet har Tareq månmodvore arbeidd for heimlandet sitt, og har ikkje vore redd for å stå fram med meininga si. [illegible] god- ord, han har blitt truga på livet både over telefon og pr. brev.

Tareq vil anke avgjerdala. Så er han i alle fall trygg i denne tida. Lenger fram tør han ikkje tenkje.

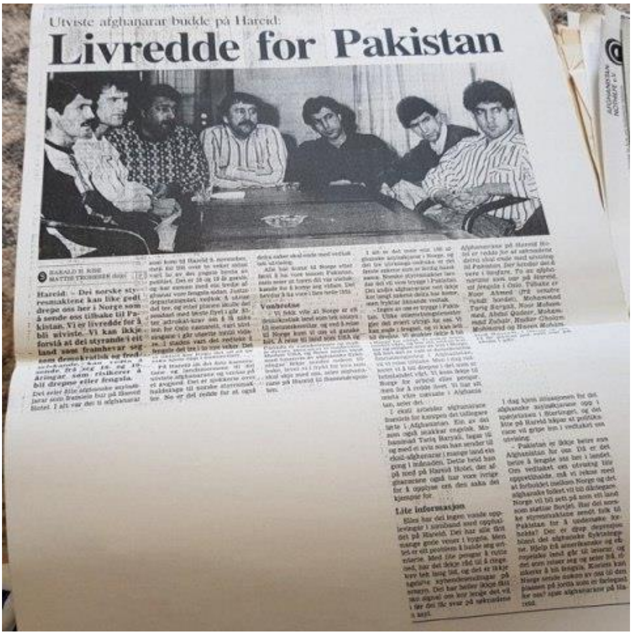

Utviste afghanarar budde på Hareid:

Livredde for Pakistan

HARALD H. RISE
MATTIS TROBERSEN (foto)

Hareid: – Dei norske styresmaktene kan like godt drepe oss her i Norge som å sende oss tilbake til Pakistan. Vi er livredde for å bli utviste. Vi kan ikkje forstå at dei styrande i eit land som framhevar seg som demokratisk og fred- [illegible] åringar som risikerer å bli drepne eller fengsla.

(c) ketabton.com: The Digital Library

AFGHANARANE PÅ HAREID HOTEL

PARTIARBEID I EKSIL

MARIT KVAMMEN

Han er høg og senesterk, i trettiårsalderen, hans engelske ordforråd er upåklageleg, men aksenten gjer at han stundom er litt vanskeleg å forstå. Men Mohammed Tariq snakkar gjerne, forklarar tolmodig tilhøva i heimlandet Afghanistan - til alle som vil høyre på og sjå utstillinga han og dei ni andre afghanarane som for tida er på hotellet, har laga i stand.

For desse asylsøkjarane er det maktpåliggande å drive politisk agitasjon, same kvar i verda dei er. Det opptek dei i mesteparten av fritida.

Mohammed Tariq er tidlegare geriljaleiar, det vil seie han har hatt kommandoen over ei av ti-mannsgruppene som geriljsen i hans område er inndelt i. Spør vi kva han gjorde i det sivile liv, er svaret student. Jus og politikk er faga hans. Den russiske etterret-

Dei tur ikkje på Gorbatsjov for det om han har gitt ordre om tilbaketrekking av troppane. I Kabul har han sine folk som kontrollerer at det ikkje skal haldast frie val likevel, hevdar Tariq. Sovjet måtte trekke seg tilbake no, og det var vi som tvinga dei!

«Vi» er Den islamske union av den Afghanske Mujahideen, som er det fullstendige namnet på samanslutninga av dei mange islamske partia.

Og det er ikkje berre Gorbatsjov desse muslimane har skepsis til. Den andre stormakta, USA, har vore lite til hjelp, meiner dei. På den sida fryktar dei ei utvikling som i Khomeinis Iran dersom Mujahideen kjem til makta.

-Men det er utelukka, kan Tariq fortelje. I Iran er det Shia-muslimane som rår, i Afghanistan høyrer berre 10 prosent av folket til denne religionen, 90 prosent er Sunni-muslimar. Det forklarar alt, slik han ser det. Sunni-muslimane ville aldri la ein førar som Kho-

Dei 5 afghanarane som er plasserte på Hareid Hotel, har alle ei fortid i geriljaen, med unntak av den yngste, ein blid 15-åring. Han går på ungdomsskulen på Hareid, draumen er å kome tilbake til Afghanistan om eit års tid- og bli geriljasoldat.

I motsetning til dei tamilske og iranske asylsøkjarane er afghanarane slett ikkje opptekne av å vere anonyme, tvert om. I romjula arrangerte dei eit større informasjonstreff på hotellet, med plakatar, fotomontasjar og omvising. Dei vil tale Mujahideen si sak kvar som helst, både desse og dei 150 andre afghanarane som for tida oppheld seg i Norge.

Men Muhammed Tariq har ei spesiell oppgåve som han arbeider med dag og natt. Han lagar informasjonsavis. «Dawat» skriv han sjøl, mest for hand, og får avisa mangfoldiggjord på kopimaskinen ved Ulstein Nor. Avisene blir så sende til adresser over heile Europa, til landsmenn i eksil.

mot Pakistan, afghanske byar etter sovjetisk bombing, lemlesta born...

-Her er mine brør, viser Tariq på eit bilete av ei geriljagruppe. -Har du mange sysken? -Fire brør og fire søstre, svarar han stolt. -Og søstrene, er dei også med i geriljaen? Han drog på det. -Dei er

Men dei andre afghanarane på hotellet hjelper til. Muhammed Noor (t.h.) er militærlege, alle har elles sin bakgrunn i geriljaen. Dei kan ikkje tenke seg å sitje uverksame den tid det har til svars etter at verdssamfunnet er sameigord. Her gjeld det å spreie informasjon om det som skjer i Afghanistan, dei er ikkje alltid nøgde med merksemda i norske media.

HAREID:

Kyrkjelydsarbeidar i permisjon

Vest Posten

NR. 21 ONSDAG 15. MARS 1989 — 20. ÅRGANG KR. 4

Fem av ni afghanarar er att på Hareid Hotel

KVA SKJER MED OSS ? SPØR DEI

Dei fem afghanarane som no bur på Hareid Hotell. Stjande: Noor Ahmad, Noor Mohammad. Sitjande: Mohammad Tariq Bargoli, Farhad Muhmand, Ghulam Haider Muhmand.

I redsle og uvisse sit fem afghanarar att på Hareid Hotell. Etter hendinga sist torsdag, då to av landsmennene deira vart henta av politiet, er det uvissa om framtida som igjen slit i dei. Forrige gong politiet henta to afghanarar var 2. januar i år. Kva lagnad desse to har fått, er uvisst. I alle fall veit ikkje kameratane deira her på Hareid om dei framleis sit fengsla, eller om dei er sende heimatt.

Naseem og Zubair, dei to som torsdag vart frakta til Oslo og som no sit fengsla på Fornebu, har innleia ein svelte-streik og vil rette søkelyset på korleis tilhøva er for afghanarane i eksil, anten det er her i landet eller i Pakistan.

Kva slags ekteskap lever du i?

FRÅ HEIMANE – VÅRE KVELDEN SIDE 4

Vestposten i påskal

Vestposten tek ferie i neste veke.
Annonser til fredagsnr. må vere oss i hende innan kl. 10 torsdag f.m.
Første nr. etter påske blir onsdag 29. mars.

Red.

Ulf Myhre ved Vegkontoret:

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vest Posten

NR. 25 - ONSDAG 5. APRIL 1989 — 20. ÅRGANG. KR. 4,-

Godt utvalg i golvbelegg
Hareid Rør as.

Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -

Møte mellom afghanarar og politikarar sist mandag.

Etter initiativ frå afghanarane som bur på asylmottaket på Hareid Hotel, fann det mandag kveld stad eit møte mellom representantar frå dei politiske partia i kommunestyret og desse seks asylsøkjarane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakesendingane av afghanske asylsøkjarar til Pakistan som har funne stad tidlegare i år. Ein har idag ikkje sikre informasjonar om kva som har skjedd med desse i Pakistan.

Dei politiske representantane viste forståing for afghanarane si sak, og møtet resulterte i at dei var samde om å oppmode styresmaktene om ikkje å sende attende fleire afghanske asylsøkjarar før ein i det minste får sikre informasjonar om lagnaden til dei som alt er sende tilbake. Det var og brei semje om at det snarast råd vart arbeidd ut eit politisk opprop der dei vil be dei sentrale styresmakter på nytt å vurdere afghanarane sin situasjon.

Referat frå møtet vil vi kome attende til.

TOK BERGEN MED STORM.

...rungavåg-slaget ...ørundfjorden!

Anders Hustadnes

Vel-

...lokalpolitikarane om hjelp:

Dagleg frykt blant asylsøkjarane

Med Tone Skorgenes som tolk orienterte Mohammad Tariq Baryali (i midten) Hareidpolitikarane om kva afghanarane har å bli sende tilbake til. Noor Mohammed sekunderte. Spørsmålet er kva dei kan nytte i den store samanhengen å engasjere seg. Når partia på Hareid får diskutert saka og teke kontakt med sine respektive stortingsfolk, vil det bli eit opprop til Justisministeren.

MARIT KVAMMEN

Dei seks afghanarane som er att på Hareid Hotel, skjelv i redsle for kvar framand bil som stansar utanfor. Er det og som skal hentast no? Måndag kveld møtte dei Hareidspolitikarane frå alle parti for om mogleg å få dei til å reagere mot regjeringa sin politikk andsynes den vesle gruppa afghanske flyktningar som har kome til Norge frå Pakistan.

Gjennom avisene har det blitt kjent at 60 av dei ca 150 afghanske asylsøkjarane i Norge har fått ...

Kven må reise?

Det som ikkje er opplyst, er kven av afghanarane som har fått handsama opphaldssøknaden sin. Og frykta breier seg. Hittil har ingen afghanar fått løyve til å opphalde seg i Norge, ikkje ein gong på humanitært grunnlag ... land det vert vist til. Regjeringa støttar seg også til uttale frå FN's høgkommisær for flyktningar, som seier at afghanarar er trygge i Pakistan. Den forsikringa fekk også den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

Farleg i Pakistan

... afghanske eksilmiljøet verkar. Han kan fortelje om kameratar som har vorte likviderte, om eit system av leigemordarar og soner der «alt er tillate». -Du kan få gjort kva som helst for pengar i Pakistan, seier Tariq.

Dei to siste afghanarane som vart henta frå hotellet like før påske og på rekordtid sende ut av landet, har enno ikkje late høyre frå seg. Kameratane som er att på Hareid, trur at dei anten er fengsla i Pakistan alt, eller dei kan vere på sjukehus som fylgje av svelteestreiken - begge alternativ er «i beste fall».

Feigt å vere flyktning

... slike som «stikk av». Dei blir merka, og kan vente seg uhaldbare tilstander når dei kjem tilbake.

Kvifor ikkje Pakistan

... der er ikkje slik i dag at det er moleg. 5,5 millionar afghanarar lever i dag utanfor landets grenser, dei fleste i Pakistan og Iran, ... dei har flyktningestatus. ... KGB og den afghanske etterretningstenesta, Khad, opererer i flyktningemiljøet. Fleire ... ande afghanarar i eksil i Pakistan har vorte tekne av dage. Dette ... maktkampen mellom dei afghanske grupperingane som dei ...

(c) ketabton.com: The Digital Library

...areq under afghanistan-kvelden på Hareid bedehus:

Afghanistankrigen ikkje s...

ANNE GRY EILERTSEN

Det vart fullt hus under «Afghanistan-kvelden» på Hareid bedehus tirsdag. Det var afghanarane ved asylmottaket på Hareid som stod både for mat og program denne kvelden. For å takke for seg, sidan dei snart skal flytte til Austlandet, og for å informere om forholda i Afghanistan.

Og det var redselsfulle scener frå krigen dei frammøtte vart vitne om på videoskjermen. Nokre av opptaka var faktisk berre 2 månder gamle. Og dei viser at sjøl om russarane no har trekt seg ut av landet, så styrer dei i teddane likevel, mange kallar regjeringa i Kabul for ei «majorinette-regjering», nettopp fordi den blir styrt frå Russland.

Frå Afghanistan-komiteen var Laila Grimstad frå Ålesund til stades. Ho fortalde at Afghanistan-komiteen vart oppretta i årsskiftet -79-80, då russarane invaderte Afghanistan. Afghanarane hadde ingen ting å hjelpe seg med, mange av dei kasta seg framfor dei russiske tanksa som kom køyrande.

Frå 1983 har Afghanistan-komite-gruppene i Norge i første rekke konsentrert seg om sende helseteam til det hardt råka fjellfolket. Dei er då vekke i 3 månader om gongen. Men nokre er stasjonerte også for lengre perioder, og dei driv i tillegg til lækjararbeidet, med opplæring av afghanske helsearbeidarar. Elles driv komiteen skular i Afghanistan og for flyktningar i Pakistan, og dei er med på vatningsprosjekt.

Eit av dei største problema i Afghanistan no, etter at russarane har trekt seg ut, eller alle minene som ligg rundt i landskapet. Ca. 15-20 millionar miner ligg i landskapet, mange forma som fine leikety, og afghanistan-komiteen har bede regjeringa i Sovjet om å få landminekart for å rydde dei vekk. Dette har dei ikkje fått utlevert. Dagleg døyr det endå små barn på grunn av desse minene.

Tareq, som har vore geriljasoldat i Afghanistan, fortalde at sjøl om Russland er ute av Afghanistan, og viser eit blidt ansikt utover, så held dei fast på støtta si til «Quisling-regimet» i Kabul. Kvar månad blir regjeringa der støtta med 28 millionar kroner i våpen.

- Gorbatsjov blir sett på som ein god mann i Vesten, men vi afghanarane som opplever dagleg at 3000 menn blir drept på grunn av ... har eit anna syn på Gorbatsjov.

Tareq sa vidare at ... kommunistane ... vil til livs, men dei vil ha ein demokrati. Ein folkevald president, ikkje eit majorinette-regime styrt frå Sovjet. Og når 75% av bygningsstrukturen i Afghanistan er øydelagt på grunn av krigen, er det mykje som må byggast opp att. Då hjelper det lite at regjeringa i Sovjet sender pengar som blir brukte i Kabul, medan dei utover landsbygda ikkje får hjelp.

- Ingen hadde trudd at Afghanistan kunne kjempe mot supermakta Sovjet. Gorbatsjov har fått æra av at Russland har trekt seg ut, men det er det afghanske folket som har kjempa dei ut, sa Tareq, og la til at Afghanistan var første landet som torde å tale Gorbatsjov imot.

Folk i Afghanistan har sjølsagt forskjellige mål, men dei fleste er samde om ein ting, russarane skal ut av Afghanistan. Og korfor er det kommunistiske regjering i Afghanistan i dag, viss russarane har trekt seg heilt ut? spurde Tareq møtelyden.

- Vi har hatt ei fin tid på Hareid avslutta han kvelden med. Vi ...

Vesle Yalda på 6 år kunne synge både på afghansk, jugoslavisk og norsk. Her saman med Tareq.

Minneord

Signe Jøsok, f. Nilsen, døydde 9. oktober i år, 87 år gammal, og vi på Myra vil gjerne knyte ein krans av minne og takksemd til namnet hennar.

Ho var fødd i Hyvær, Helgeland, men kom til Bjørnsand 16 år gammal. ...

Dei gifte seg i 1927, kom til Jøsok og vart sjølvefolk på Johannes sin heimegard, som han i realiteten tok over så tidleg som i 1923.

I over 60 år var ho såleis tanta vår og eit fast haldepunkt i vår barndom. Det har ho vore sidan.

Ho fekk eit langt og rikt arbeidsliv med hus og gard. Dertil var ho uvanleg flink med hendene, veving, hekling, brodering og andre ting. Til henne kom vi når noko stod på.

I 1959 flytte ekteparet, saman med einaste sonen, til Hjørungavåg, der dei kjøpte seg hus. ...

... seg ned på Stranda.

Signe vart buande i Hjørungavåg, men i sine siste 5 år var ho på Hareid sjukeheim. På arbeidsstova der vov ho tallause lapar i alle storleikar og fargar som no pryder mange heimar.

Siste åra vart vanskelege. Ho var bunden til rullestol og lengta heimatt til «barndomens rike» på Helgeland. Takka vere sjukeheimsstyraren og sosterne hennar fekk ho oppfylt ønskjet sitt. Ugløymande var det å vere vitne til besøket hennar på Alstadhaug kyrkjegard, der foreldra hennar kviler, og ... med slekt og landskap i Hyvær.

No har ho også fått oppfylt sitt andre ønskje: Å få flytte til dei evige bustader.

Kjære tante, vi unner deg kvila i Jesu namn.

Ingebjørg Wolsdal

Signe Jøsok vart gravlagd frå Hareid kyrkje 17. oktober. Organist Rolf Grimstad spela eit orgelstykke som innleiing på høgtida. Res.kap. Dag Håland stod føre den rituelle tenesta og heldt talen utifrå Joh. 9. 4-5: «Så lenge det er dag må vi gjere hans gjerningar som har sendt meg. Det kjem ei natt då ingen kan arbeide. Medan eg er i verda, er eg ljoset for verda — »

Desse blomane vart lagde på båra hennar:

— Ein bårebukett frå søstra Olga Jensen og ein krans frå søstra Konradine Paulsen, ved Henry Jensen.

— Krans frå svigerinne og tante, ved ...

Erling Hareide leiar for fotballgruppa

Informasjonskveld om Afghanistan

Mohammad Tariq Baryali, ein av dei 10 afghanistanarane som bur på Hareid Hotel og som no inviterer til informasjonskveld.

27. desember 1979 invaderte russarane Afghanistan. Sidan har afghanistanarar i eksil markert denne dagen.

Førstkomande tirsdag vil dei 10 afghanistanarane som no bur på Hareid Hotel invitere bygdefolket til ein opplysningskveld om heimlandet sitt. Dei vil fortelje gjennom film, bilete og samtale om kulturen sin, kva som har skjedd og kva som er i ferd med å skje i heimlandet.

Idag er det omlag 5 millionar afghanske flyktningar. Ein del av desse er på stadig flukt i sitt eigeland. Dei som bur her i bygda måtte rømme frå landet for 3 månader sidan. Tilstanden har altså ikkje roa seg sjølv om russarane har byrja tilbaketrekkinga.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

FREDAG 6. JANUAR 1995

reportasje

11

Fører kamp med pennen

DAWAT

- Jesus ville ikke tifte noen religion

Slakter boka om skogfinnene

Akershus

NR. 5 - FREDAG 6. JANUAR 1995
LØSSALG KR. 8.00

ROMERIKES BLAD

Tariq byttet gevær med avis

Afganske Tariq Bazger kjempet med våpen mot den russiske okkupanten i hjemlandet. Nå fører skedsmoseoningen kamp for fred gjennom sin egen avis. Avisen har 2.500 abonnenter i 40 land.
SIDE 11

Birger med grovt skyts

SIDE 11

Volvo-kontra til Dyno Cipa

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال۲۰۰۰م

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

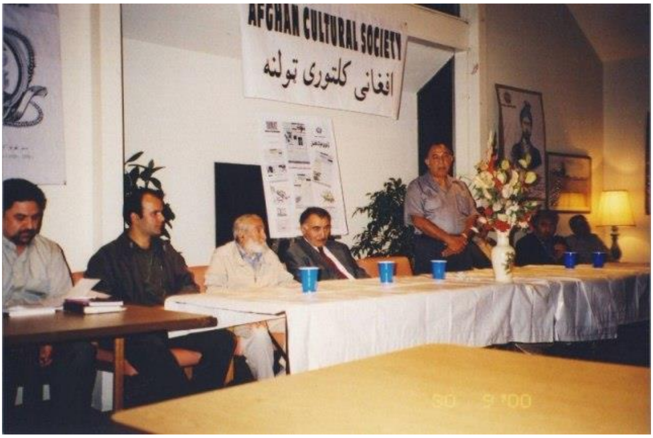

(c) ketabton.com: The Digital Library

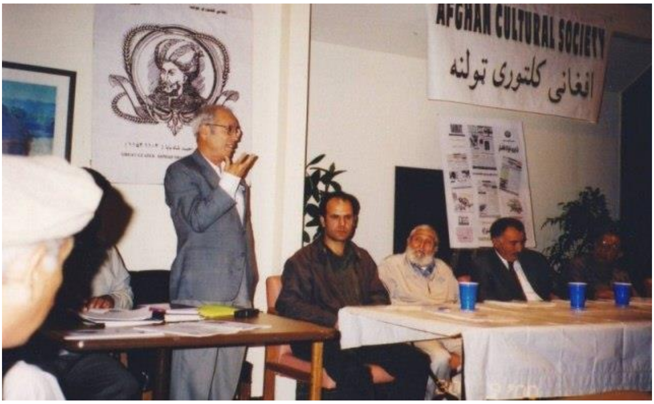

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در برنامه ی تلویزیونی
ستاره های درخشان ادب و هنر

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

در گزارش تلویزیون ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش نامه ها

زلمو پاڅون

پیل د بښونکي څښتن تعالی په نوم

ستاینلیک

سویډن کې د زلمو پاڅون ټولنه د ګران هیواد افغانستان ویاړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست ښاغلي **محمد طارق بزګر** ته ، د هغوی د نه ستړي کېدونکو خدمتونو په درناوي دا ستاینلیک ورکوو او نوموړي ته د لا نورو بریالیتوبونو هیله کوو.

نېټه : ۲۰۱۱.۱۲.۱۰

پته : ستوکهلم سویډن

I Guds, den Barmhärtiges, den Nåderikes namn

Diplom

Föreningen Zalmo Pason vill härmed tacka Herr **Mohammad Tariq Bazger** för sitt stora engagemang och outtröttliga journalistiska arbete. Vi känner en stor tacksamhet och ser fram emot nya framgångar och önskar honom all lycka med sina framtida projekt.

10.12.2011

Stockholm, Sverige

لاسلیک

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغاني کلتوري ټولنه
شمالي کليفورنيا، امريکا

Afghan Cultural Society

نېټه: د تلې اتمه ۱۳۷۹

منن ليک

قدرمن هيوادپال ښاغلی محمدطارق بزگر

څرنگه چه تاسو ديوغښتلي هيواد پال په توگه په تيره لسيزه کی دهيواد
ملي کتی او کلتور د ژوندی ساتلو په لار کی نه ستړي کيدونکی هلی
ځلی کړی د ښلی خوا د"دعوت" زرينه مياشتنی خپرونه مو د يو خلانده
ستوری په توگه دافغانستان دمطبوعاتو په اسمان کی روښانه سا تلی.
دادی افغانی کلتوري ټولنه ستا سو د دی سپيڅلی خدمتونو او
ستاينه کوی اوکور ودانی درته وايی.هيله ده چه دا کلتوری پاڅون ترپايه
تعقيب کړی . دلوی خدايه در ته په دی ملي خدمت کي بری غواړو.

په درناوی

پوهاند ډاکټر شاه ولي ترکزی
د افغاني کلتوري ټولني مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

CERTIFICATE OF FELLOWSHIP

We hereby declare that

BAZGER M.TARIQ

Completed the IIIrd Media21 workshop on Water during the Probalt Conference in Gdansk, Poland, Sept 13—Sept 19, 2009

MEDIA 21

(c) ketabton.com: The Digital Library

IN THE NAME OF ALLAH

دلوی خدای (ج) په نامه

دوستی فرهنګی ټولنه

Cultural association of the friendship in Malmo of the Sweden!

دسویډن هیواد د مالمو ښار د دوستی فرهنګی ټولنې له خوا

Mis/Mr.________________

تاسو اغلې / ښاغلي طارق بزګر ....

د هغو فرهنګی هڅوله کبله ستاسو کېږي چې

په افغانستان کې دننه او بهر موتر سره کړېدي

ستاسو دلابریو په هیله

Our association worthy of appreciation your
Excellent cultural activated
For Afghan people out and inside of Afghanistan

We wish more successfulness for you.

Thanks

په درنښت

Habibullah Ghamkhor
President of Cultural association of the friendship

حبیب الله غمخور
ددوستي فرهنګي ټولني مشر

ددوستی فرهنګی ټولنه

(c) ketabton.com: The Digital Library

د افغانستان د کلتوري ودې ټولنه
Verein zur Förderung der afghanischen Kultur e. V.

ستاینلیک

د افغانستان د کلتوري ودې ټولنه ستاسو ښاغلي

طارق بزګر، د دعوت ويب پاڼې چلوونکی

هیوادنه، غوره علمي، کلتوري او ملي خدمتونه په ویاړ سره ستايي او له دې کبله تاسو ته دا ستاینلیک منظوروي.

ټولنه تاسو ته په دې سپېڅلي ملي لاره کې د لا ډېرو بریالیتوبونو هیله کوي. او په ګران هېواد افغانستان کې سوله او سوکالي غواړي.

په درنښت

د ټولنې مشرتابه جرګه

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

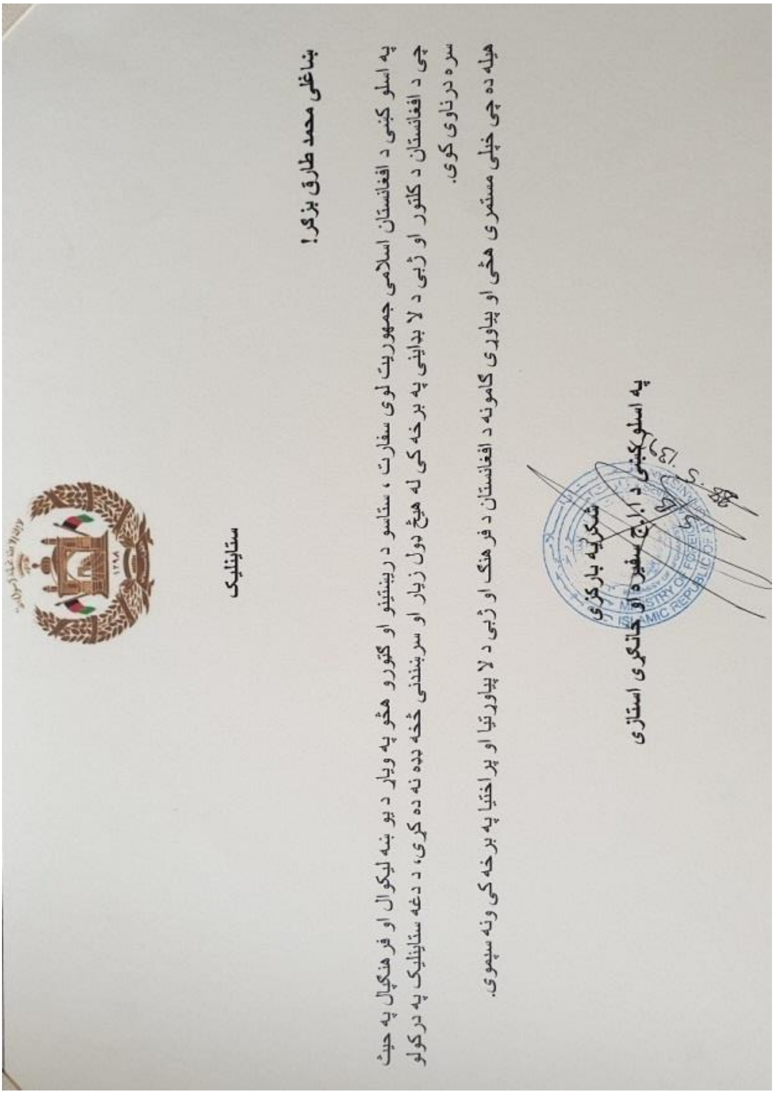

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښې د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ریښتینو او ګټورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بډاینې په برخه کې له هیڅ دول زیار او سربښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په ډرکولو سره درناوی کوی.

هیله ده چې خپلې مستمرې هڅې او پیاوړې ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموی.

شکریه بارکزی

په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړې استازې

ستاینلیک
ښاغلی محمد طارق بزګر!
په اسلو کښې د افغانستان اسلامي جمهوریت لوی سفارت، ستاسو د ریښتینو او کړورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګیال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بډاینې په برخه کې له هیڅ ډول زیار او سرښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په ورکولو سره درناوی کوي.
هیله ده چې خپلې مستمرې هڅې او پیاوړي ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموي.
په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړې استازې
شکریه بارکزی

(c) ketabton.com: The Digital Library

پنځم خپرکی:

د دعوت نوستالژی

(c) ketabton.com: The Digital Library

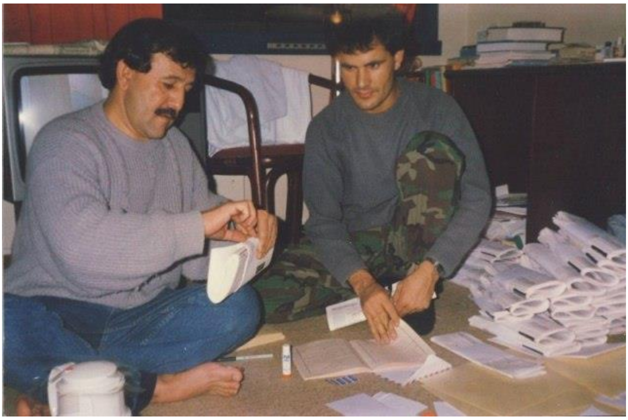

(c) ketabton.com: The Digital Library

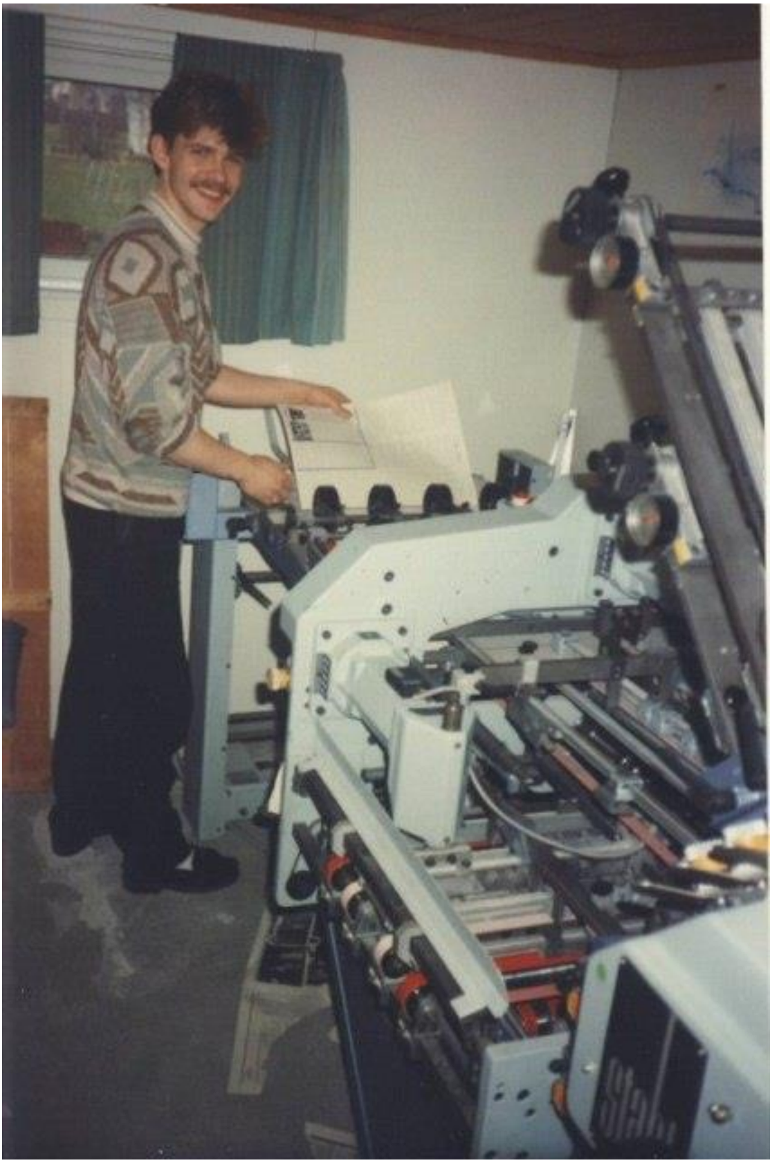

مسوول نارویژی چاپ نشریه ی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

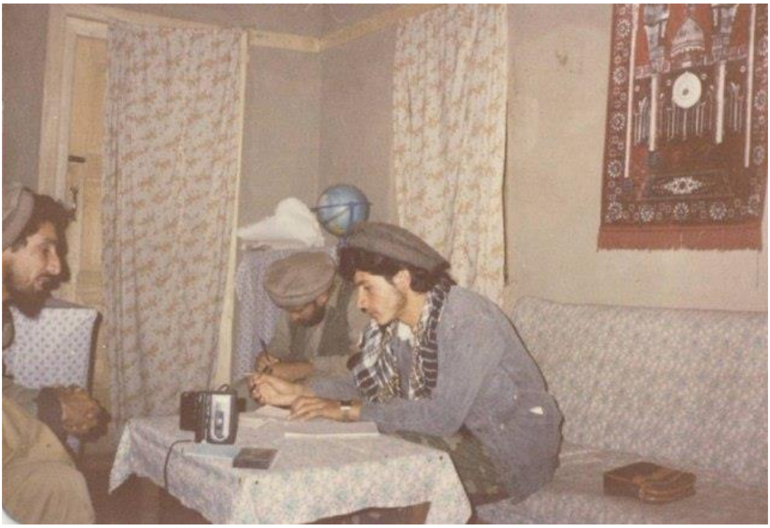

گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود

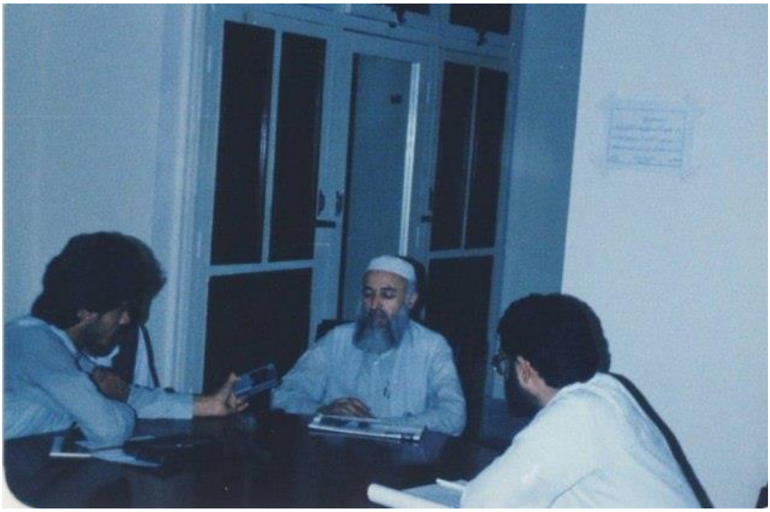

گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

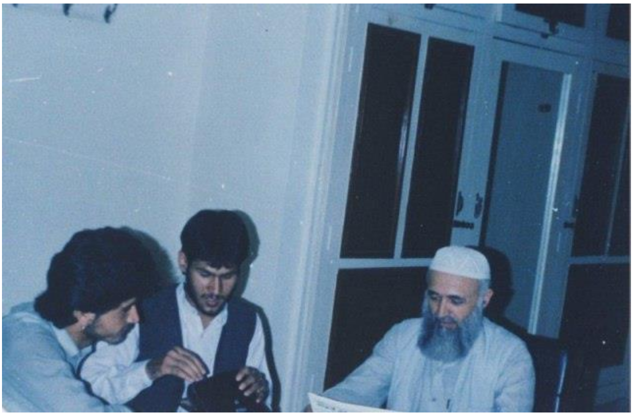

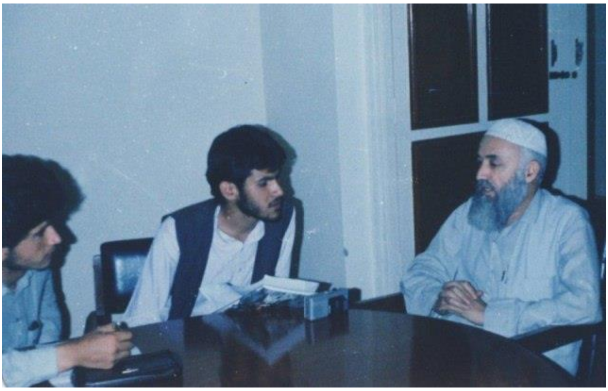

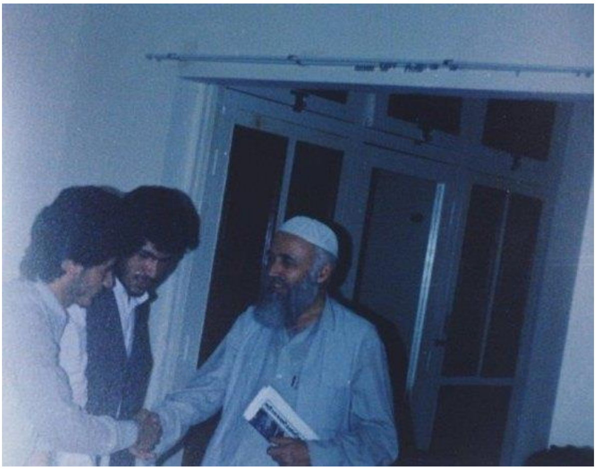

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم علی احمد خان پوپل

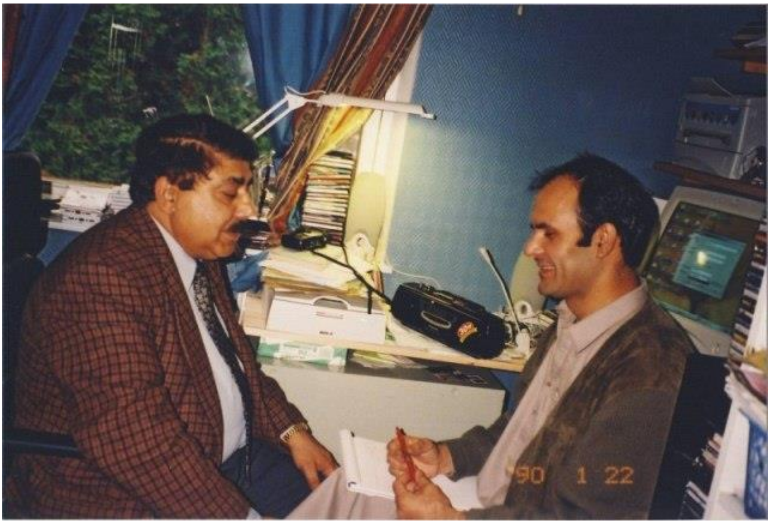

فاروق میرنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

الحاج فضل الکریم فضل

(c) ketabton.com: The Digital Library

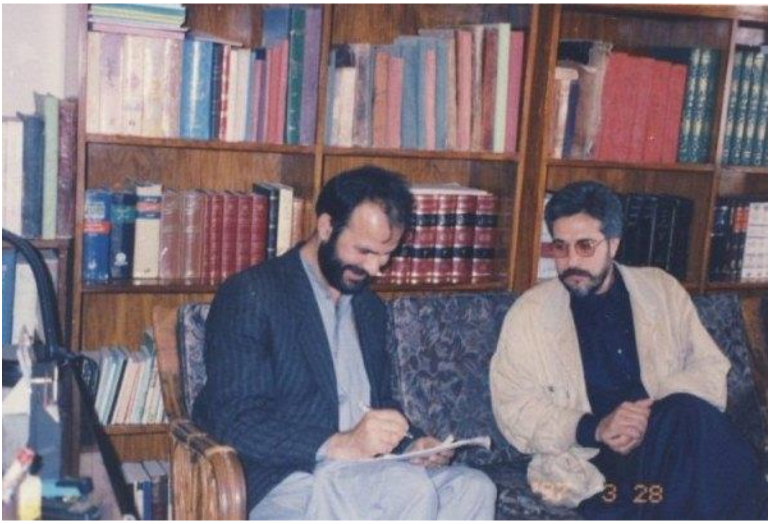

سید اسحاق گیلانی

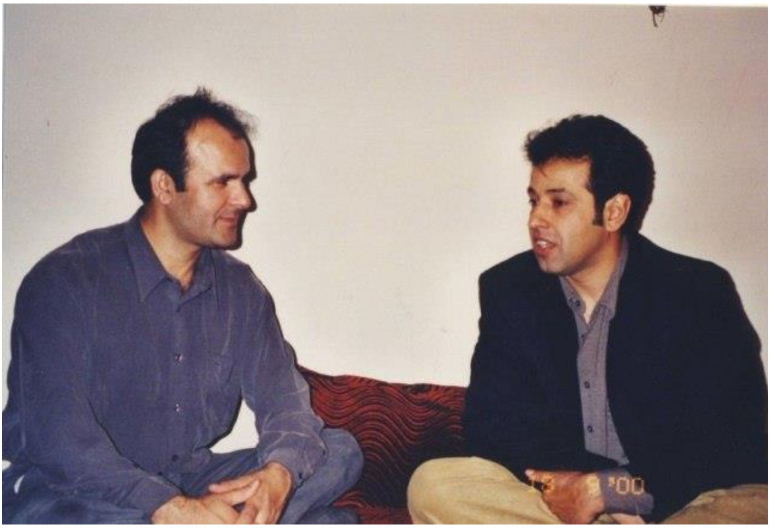

خالق عزیز

(c) ketabton.com: The Digital Library

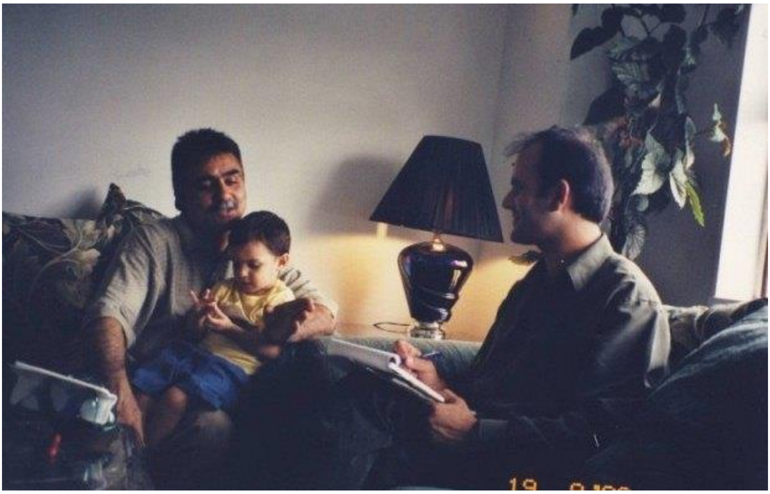

لطيف جان بابی

محمد گل دیانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

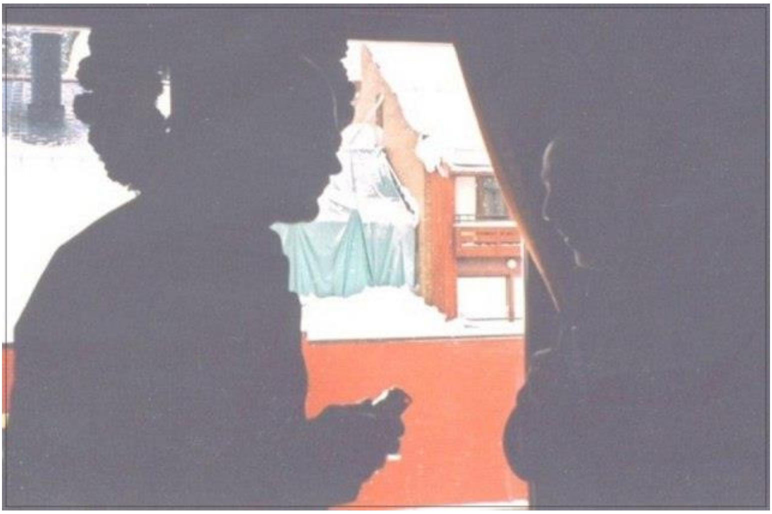

حامد کرزی

شینکی کروخیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

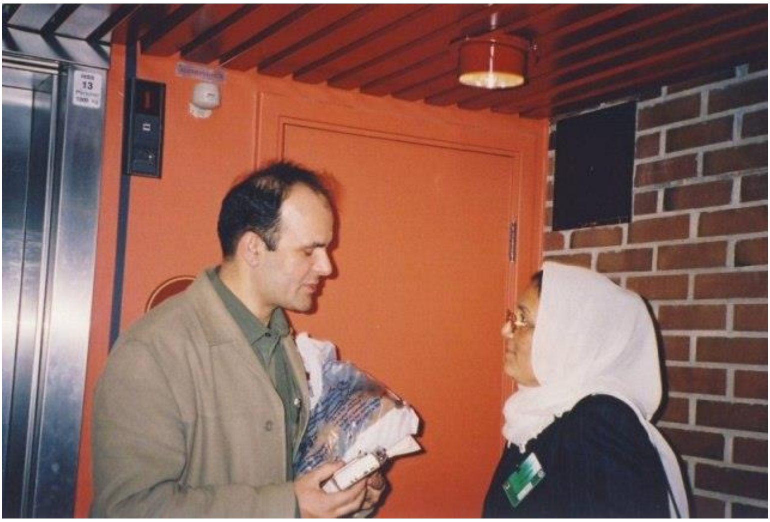

حبيبه سرابی

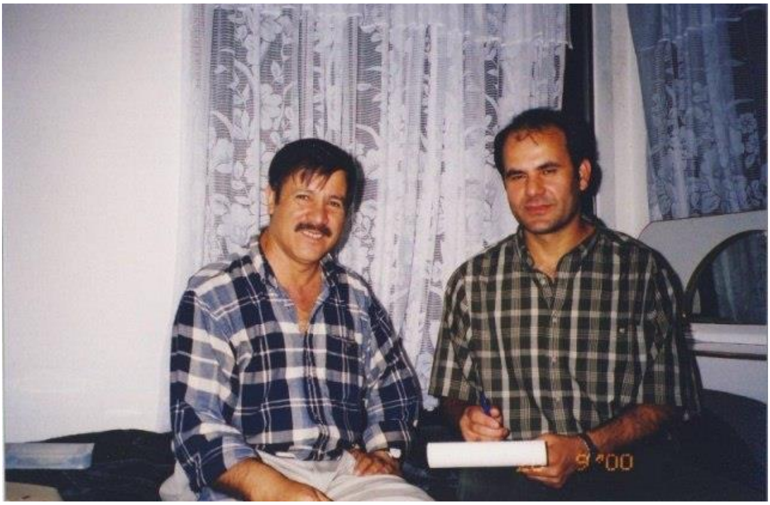

زمريالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

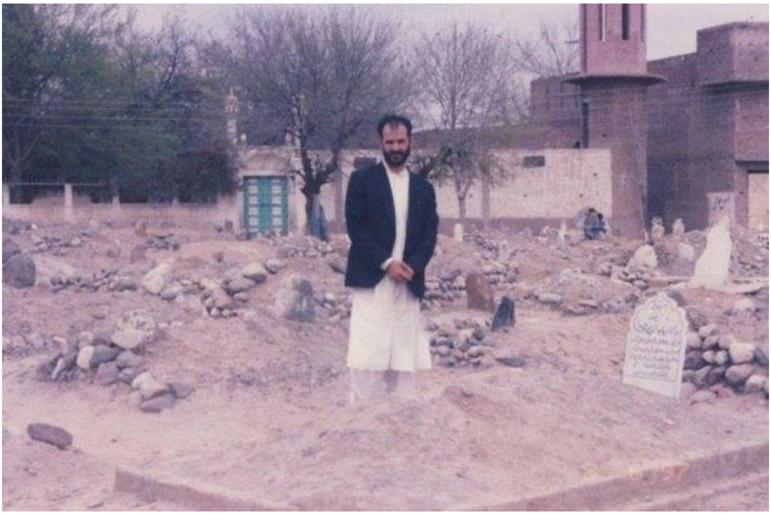

پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدین مجروح

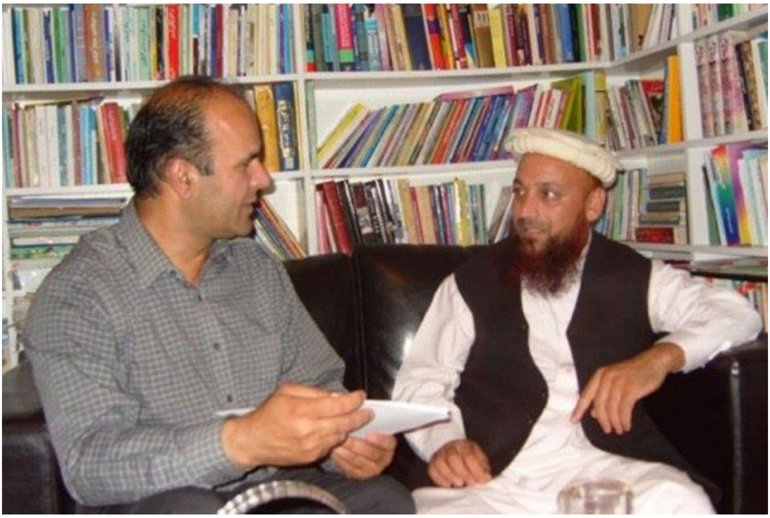

ساپی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کبير ستوری

بی نظیر بهوتو

(c) ketabton.com: The Digital Library

داکتر فرید بزگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

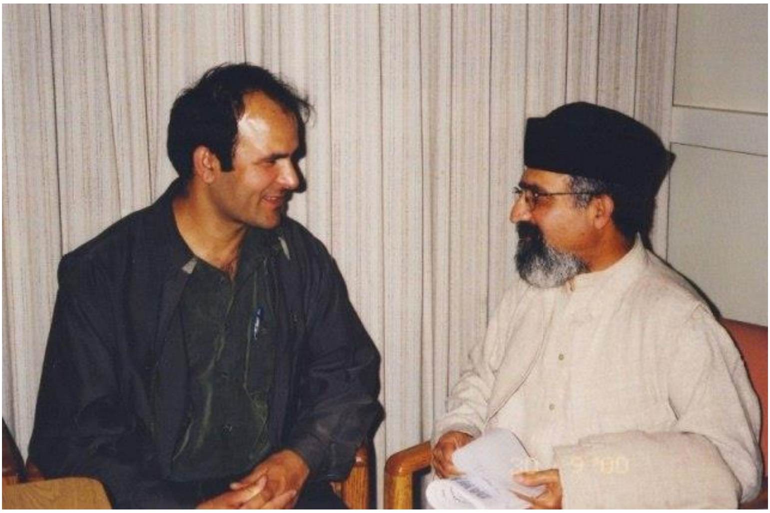

داوود مومند

(c) ketabton.com: The Digital Library

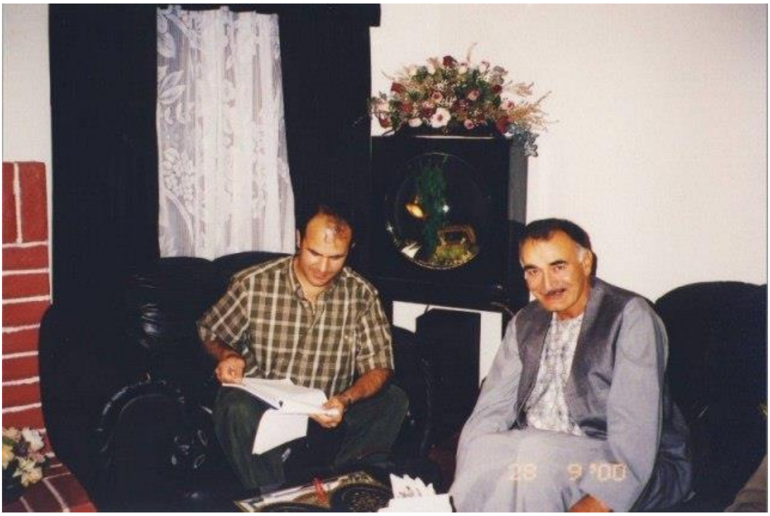

داکتر عبدالقیوم کوچی

داکتر نبی مصداق

(c) ketabton.com: The Digital Library

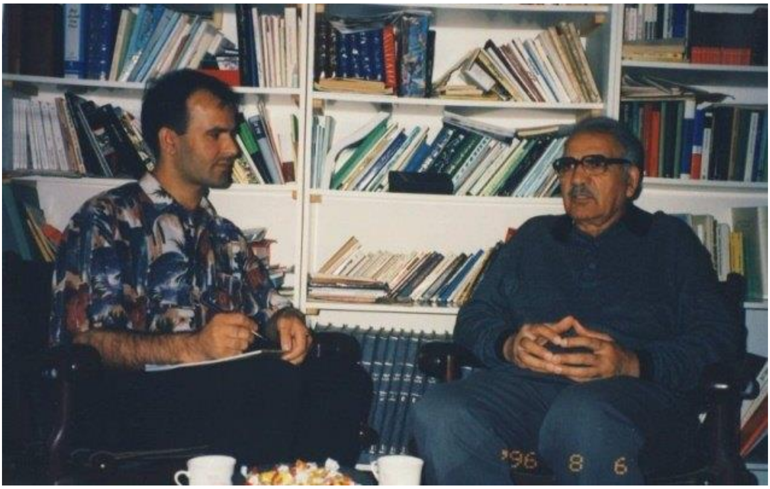

مرحوم داکتر عبدالصمد حامد

هاشم زمانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

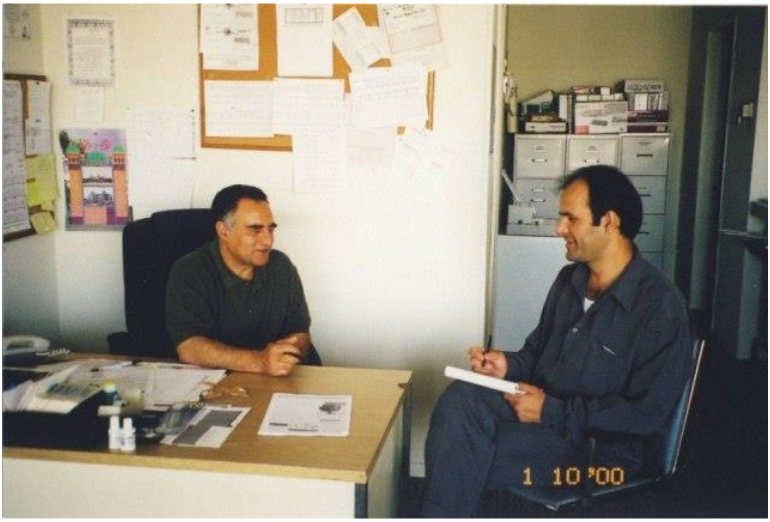

عبدالله مجروح

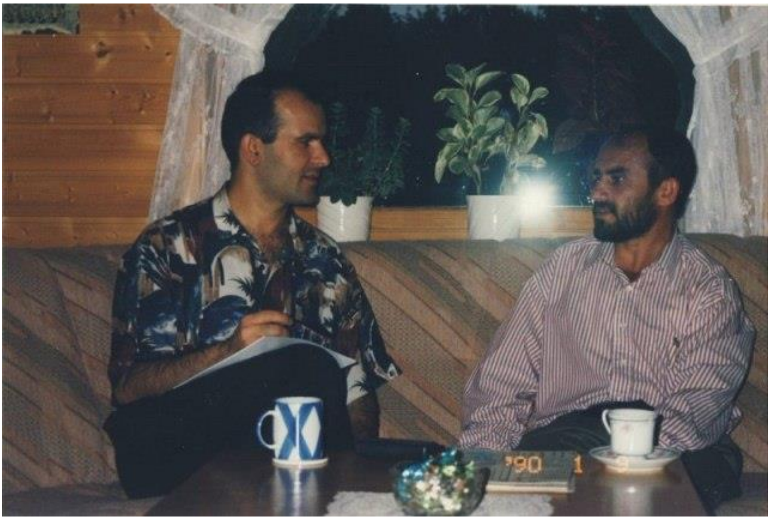

شينوارى

(c) ketabton.com: The Digital Library

سراج الدين منگل

ريود ليبور

(c) ketabton.com: The Digital Library

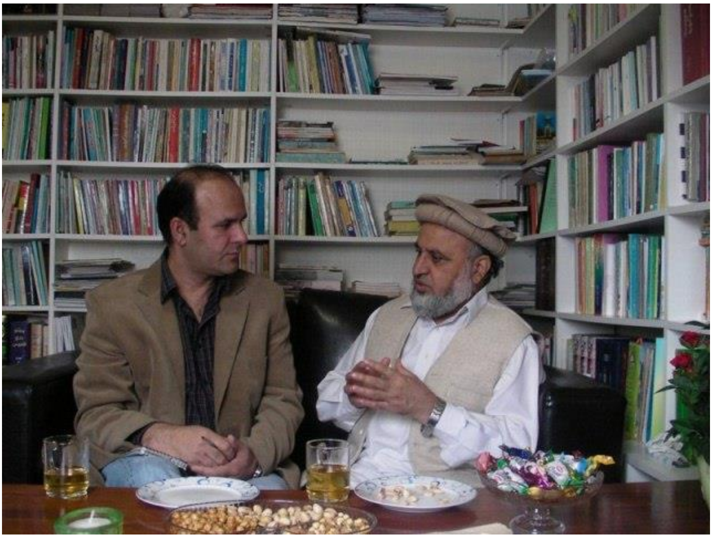

سيما ثمر

(c) ketabton.com: The Digital Library

شپږم څپرکی:

د انځورونو البم

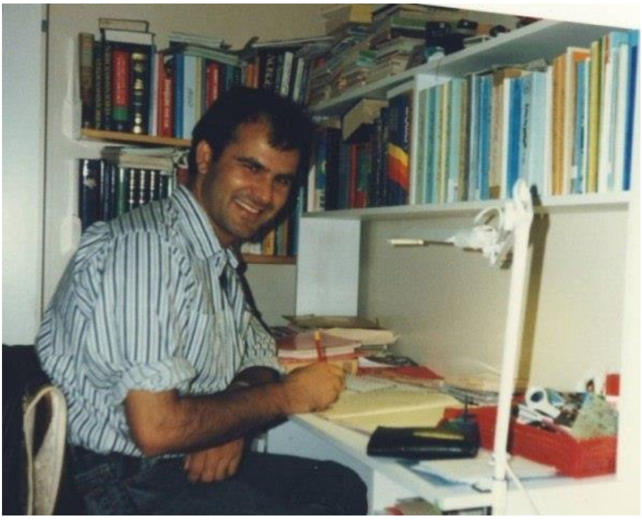

(c) ketabton.com: The Digital Library

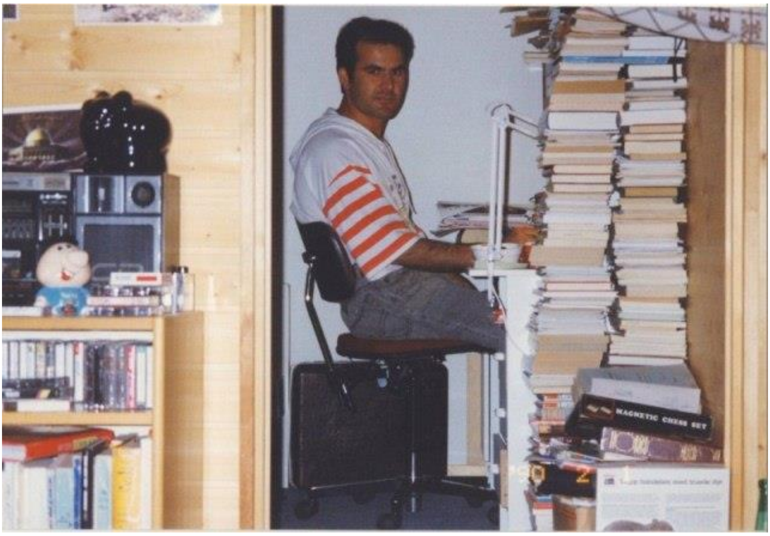

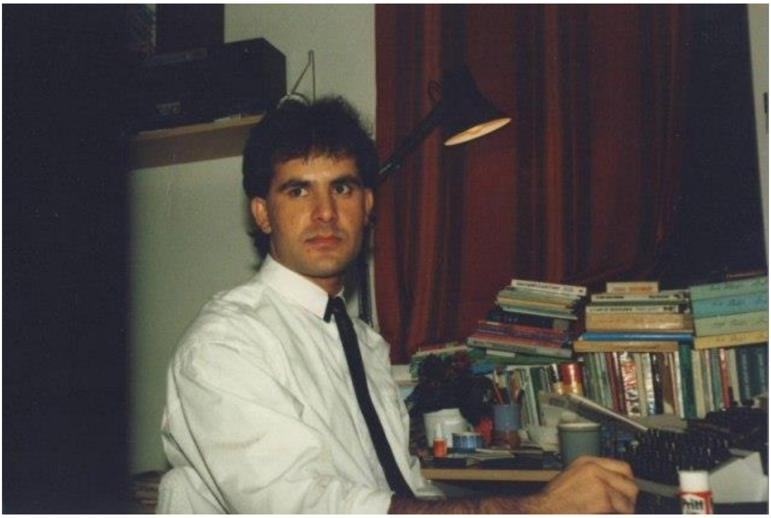

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

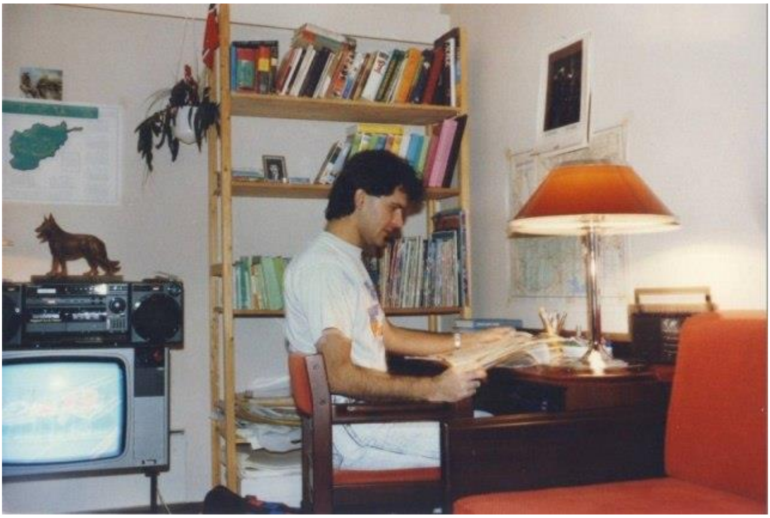

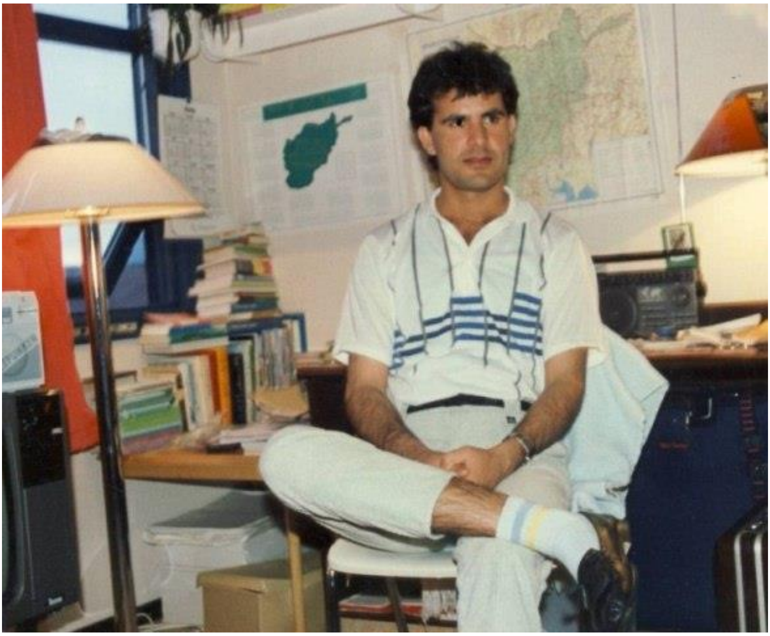

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

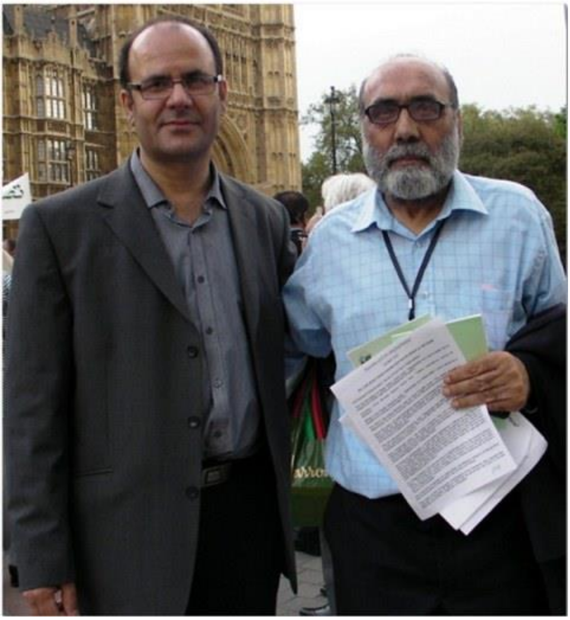

غلام محمد زرملوال

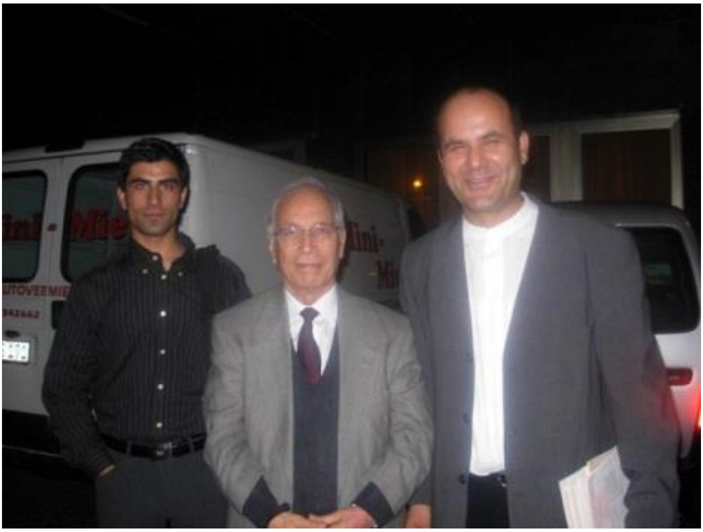

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

(c) ketabton.com: The Digital Library

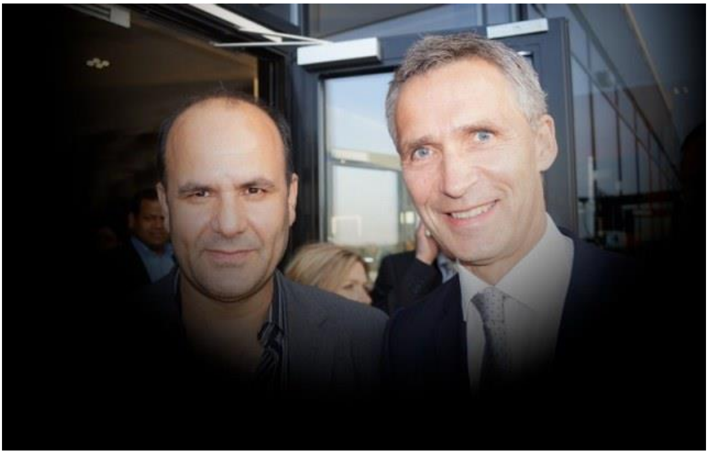

ستولتنبرگ

سفیر امریکا در ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم عبدالصمد حامد

باندویک

(c) ketabton.com: The Digital Library

از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری

ادوارد جیراد

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:
عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون«۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «تول افغان»، وب سایت «تول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».
آفرینش های کاری- فرهنگی
برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:
۱- برنامه ی مستند تاریخی«یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۲- برنامه ی مستند تاریخی «آیینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.
۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.
۳- مرز و بوم (تاریخی).
۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.
۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.
۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.
۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.
۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی- اجتماعی).
۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط)- منتشر شده است.
۱۳- با زبان دری (تحقیقی- تحلیلی)- منتشر شده است.
۱۴- روزگار (نوستالژی).
۱۵- پاسخ (واکنش ها).
۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
۹- دریَ افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
۱۳- آرکاییسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

۱۱- مشی «تحریك ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.

۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.

۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.

۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها

کتاب ها و نشریات:

«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواك؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالك قادری).

فلم ها و برنامه های تلویزیونی:

«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی »همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).

تاییدات فرهنگی- مدنی:

- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

(c) ketabton.com: The Digital Library

National mission

By:
Mustafa Omarzai

ISBN: 978-82-691395-3-2

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library